

اقتصاد ایران در آستانه فروپاشی



بهرام رحمانی

اقتصاد ایران در آستانه فروپاشی

بهرام رحمانی

نام کتاب: اقتصاد ایران در آستانه فروپاشی

نویسنده: بهرام رحمانی

نشر کتابخانه ی گرایش مارکسی (پی دی اف)

تاریخ انتشار: ژوئن ۲۰۲۳- تیر ۱۴۰۲

فهرست مطالب

۶

مقدمه

۹

فصل اول

ابرتورم (Hyperinflation)

اثرات ابر تورم چیست؟

ابر تورم زیмбаوه

ابر تورم وحشتناک کنونی ونزوئلا

۱۲

فصل دوم

اقتصاد ایران

لایحه بودجه سال 1402

صندوق توسعه ملی ایران

سهم اقتصادی ایران از اقتصاد جهانی

آمارهای متفاوت از صادرات نفت ایران

دولت رئیسی داده‌های واقعی تورم را پنهان می‌کند

چاق‌تر و فربه‌تر شدن بودجه‌های امنیتی

گرانی و تورم سرسام‌آور

عطش پول

میانگین تورم

هزینه‌های رفاهی تورم

رسوب ارزی معادل سه میلیارد یورو در ۱۰ بانک ایران

افزایش مداوم تورم و بی‌رمقی کسب و کار

چرخه بی‌پایان
امپراطوری رسانه‌ای اتاق بازرگانی
پیش‌بینی «سال سخت» اقتصادی ایران در گزارش‌های محرمانه جمهوری اسلامی
«سال سخت برای مردم»

۴۴

فصل سوم

شاخص فلاکت در ایران

پیامدهای فقر

چالش‌های خروج از فقر

طی یک دهه اخیر 11 میلیون نفر دیگر به جمعیت فقیر ایران افزوده شده‌اند
۵۰ درصد مردم ایران زیر خط فقر مطلق زندگی می‌کنند

۵۰

فصل چهارم

شاغلین و بیکاران

نابرابری جنسیتی در بازار کار

نابرابری جغرافیایی

بیکاری در میان زنان

شکاف میان دستمزد و هزینه‌ها

تاکتیک‌های مرکز آمار جمهوری اسلامی برای کم نشان دادن آمار واقعی بیکاری

۵۸

فصل پنجم

ایران در میان 20 کشور جهان با بالاترین شاخص فلاکت

نگرانی از گسترش فرهنگ فقر

خط فقر 30 میلیون تومان؛ یک خانواده با دو شاغل هم‌چنان زیر خط فقر!

حذف کالاهای ضروری از سبد ایرانی‌ها

دارو، تن ماهی، نان فانتزی و کتاب گران شد

۷۰

فصل ششم

فلاکت در عرصه بهداشت و درمان و مسکن

جامعه پزشکی ایران

سوءتغذیه کودکان ایران

۷۵

فصل هفتم

بحران مسکن

مسکن

مافیای مسکن

یک کارگر با حقوق یک سال خود فقط می‌تواند 2 متر خانه بخرد!

۸۵

فصل هشتم

نهادهای انگلی اما پول خور

مذهب و تبلیغات اسلامی هم‌چنان پررنگ‌ترین بخش هزینه‌ای

جامعه المصطفی العالمیه و امام صادقی‌ها

بانک‌ها و صندوق‌های بازنشستگی، ستاد اجرایی امام و بنیادها و...

مقبره خمینی: گران‌ترین و پرهزینه‌ترین مقبره دنیا

۹۳

جمع‌بندی

مقدمه

اقتصاد یا **economy** به تمامی تولیدات و خدمات و همچنین کلیه مبادلات تجاری گفته می‌شود که همانند یک زنجیر به هم وصل شده‌اند و بدون هم معنا پیدا نمی‌کنند. اما اقتصاد دو مفهوم ریزتر نیز دارد: اقتصاد خرد و اقتصاد کلان.

هنگامی که فعالیت‌های اقتصادی دچار سقوط شدید شوند، تولیدات کارخانه‌ها به فروش نرسد، در نهایت مجبور خواهند شد بخشی یا حتی تمام فعالیت‌های خود را متوقف کنند. از نظر زمانی اگر این رکود بیش از ۲ سال به طول انجامد آن را بحران اقتصادی می‌نامند. با ورشکست شدن شرکت‌ها و کارخانه‌ها و یا محدود شدن فعالیت آن‌ها طبیعی است، بخش بزرگی از قشر کارگران و کارمندان بیکار خواهند شد. با افزایش قیمت‌ها، تورم و گرانی دیگر حقوق‌های فعلی کارآمد نخواهد بود و کفاف مایحتاج افراد را نخواهد داشت.

بحران اقتصادی، تورم، محدود شدن فعالیت کارخانه‌ها همگی موجب عدم تمایل به سرمایه‌گذاری می‌شود. با کاهش سرمایه‌گذاری و کاهش ورود نقدینگی به اقتصاد تولید ناخالص داخلی نیز کاهش پیدا خواهد کرد.

برای مثال، سال ۲۰۰۷، آمریکا برای تهیه مسکن به مردم وام‌های مسکن متعددی می‌داد. به همین دلیل با افزایش تقاضا برای خرید مسکن انتظار گرانی و تورم را باید داشت.

این بحران اثرات طولانی مدتی بر اقتصاد آمریکا گذاشت. بازار بورس روند نزولی در پیش گرفته بود و شرکت‌های غول آمریکایی از جمله چند بانک مهم، اعلام ورشکستگی کردند.

گذر از این بحران زمان برد به‌طوری هنوز بعضی شرکت‌ها و کارخانه‌ها نتوانستند بحران را پشت سر بگذارند. یکی از موفق‌ترین شرکت‌ها در این زمان شرکت مک دونالد بود. مک دونالد توانست به‌سرعت از بحران اقتصادی عبور کند.

در سال ۲۰۰۸، آمریکا به‌شدت درگیر بحران اقتصادی شد و از آن‌جا که مراودات تجاری میان اروپا و آمریکا زیاد است پای بحران به اروپا کشیده شد. از همان سال اروپا وارد

بحران اقتصادی تاریخی خود شد. نرخ بیکاری در ریشتر کشورهای اروپایی رو به افزایش بود و شرکت‌های بسیاری ورشکست شدند. ایتالیا، فرانسه و اسپانیا همچنان درگیر این بحران شدند. آلمان توانست به نسبت سایر کشورهای اروپایی سریع‌تر با این بحران مقابله کند و از آن عبور نماید.

در ایران هرچند سال یک جهش قیمتی رخ می‌دهد و ایران را دچار بحران اقتصادی می‌کند. در پی این جهش‌های قیمتی و تورم، رکود گریبان کشور را گرفته و باعث محدود شدن بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی در کشور می‌شود.

اقتصاددانان اعتقاد دارند ارزش پول ملی هر کشور دماسنج اقتصاد همان کشور است. به عبارتی اگر دلار را که مهم‌ترین ارز جهان است معیار مقایسه با ارزهای سایر کشورها قرار دهیم، به قیمتی تحت عنوان نرخ برابری ارز می‌رسیم. نرخ برابری ارز در جامعه و بین مردم کوچه و بازار به نام «قیمت دلار» شناخته می‌شود.

به عبارتی اقتصاددانان با نگاهی به نرخ برابری ارز هر کشور می‌توانند تصویری کلی از وضعیت اقتصادهای مختلف جهان ترسیم کنند. اقتصاد ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و مقایسه ارزش ریال در برابر دلار به‌عنوان مهم‌ترین سنجه اقتصادی در بین مردم عادی و حتی متخصصان حوزه اقتصاد پذیرفته شده است. از همین رو طبیعی است که اگر روند کاهش ارزش پول ملی یک کشور سرعت بیش‌تری گرفته و این روند در بلندمدت و حتی میان‌مدت تداوم داشته باشد احتمال سقوط یک اقتصاد به قعر دره ورشکستگی بسیار بالا خواهد بود.

مولفه دیگری که می‌تواند نشانه‌ای از حال و روز یک اقتصاد باشد، نرخ تورم است. تورم که در دنیا به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فاکتورها برای ارزیابی موقعیت اقتصادی یک کشور پذیرفته شده، در واقع آهنگ کاهش ارزش پول ملی یک کشور را نمایان می‌سازد. به عبارتی نرخ تورم نشان‌دهنده سرعت فرآیند کاهش ارزش پول ملی یک کشور در یک بازه‌ی زمانی مشخص (سالانه یا ماهانه) است.

نرخ بیکاری و رشد اقتصادی نیز از جمله شاخص‌های دیگر اقتصادی هستند که می‌توانند بیانگر شرایط اقتصادی یک کشور باشند. این دو فاکتور که در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر هستند باز هم ارتباط معناداری با نرخ تورم و یا همان وضعیت پول ملی کشورها دارند.

با توجه به شاخصه‌هایی که پیش‌تر به آن اشاره شد به‌طور خلاصه می‌توان گفت که اقتصاد ایران هنوز به لبه پرتگاه نرسیده اما با سرعت هرچه تمام‌تر در حال حرکت به سوی آن سمت است.

به‌نظر می‌رسد آنچه امروز به‌عنوان عملکرد تیم اقتصادی دولت رئیسی معرفی می‌شود، در واقع برآیند عملکرد اقتصادی جمهوری اسلامی طی ۴۴ سال اخیر است؛ حکومتی که از ابتدا با ادعای برقراری «اقتصاد اسلامی» روی کار آمد و طی تنها چند سال نه تنها زیرساخت‌های اقتصادی بجا مانده از پیش از انقلاب ۱۳۵۷ را به نابودی کشاند بلکه به یکی از فاسدترین و تباه‌ترین حکومت‌ها در تاریخ ایران و حتی جهان تبدیل شد.

در ادامه این مباحث، به تاثیرات بحران اقتصادی و ماهیت سرمایه‌داری و طبقات که جامعه ایران را نیز فراگرفته است، می‌پردازیم.

تاریخ نگارش

ژوئن ۲۰۲۳-تیر ۱۴۰۲

فصل اول

ابرتورم (Hyperinflation)

ابرتورم (Hyperinflation) پدیده‌ای است که باعث فروپاشی اقتصاد یک کشور می‌شود. اما تعریف ابر تورم چیست و کدام شرایط عامل ایجاد آن است؟ ابر تورم یا Hyperinflation اصطلاحی است که برای توصیف افزایش قیمت‌های سریع، بیش از حد و غیر قابل کنترل در یک اقتصاد به کار می‌رود. با این که خود تورم معیار سرعت افزایش قیمت محصولات و خدمات است، اما ابرتورم نوعی تورم با سرعت رشد بالا و دارای مقدار بیش از ۵۰ درصد در ماه است. با این که هایپر اینفلیشن اتفاقی نادر برای اقتصادهای پیشرفته محسوب می‌شود، اما به دفعات در کل تاریخ در کشورهایی مانند چین، آلمان، روسیه، مجارستان و آرژانتین رخ داده است. این وضعیت هر روز ونزوئلا به‌عنوان بدترین کشور از نظر تورم است. کشورهای دیگری نیز در طول تاریخ با ابر تورم دست و پنجه نرم کرده‌اند. به‌عنوان مثال، آلمان که اکنون قوی‌ترین اقتصاد در اروپا به شمار می‌رود، بعد از جنگ جهانی دوم گرفتار چنین پدیده‌ای شد، اما توانست خود را از آن رها کند. اما کشورهایی نظیر ونزوئلا و زیمبابوه در ابر تورم گیر افتاده‌اند و به خاطر بدتر شدن مستمر اوضاع، روز به روز کارشان برای بهبود سخت‌تر می‌شود.

با در نظر گرفتن وضعیت اقتصادی بدی که ایران در حال تجربه است، شاید تصور کنید بدتر از این شرایط دیگر وجود ندارد! اما واقعیت این است که ابر تورم وضعیتی غیرقابل تصور در مقایسه با آنچه در کشورمان اکنون مشاهده می‌کنیم، به‌وجود می‌آورد. گفتنی است به هشداری برخی کارشناسان، اگر برای مشکل کسری بودجه کشور فکری نشود، به زودی با رشد افسارگسیخته قیمت‌ها، ایران نیز درگیر ابرتورم خواهد شد.

اثرات ابر تورم چیست؟

یکی از فاجعه‌بارترین و طولانی‌ترین دوران ابر تورم، در اوایل دهه ۹۰ میلادی در کشور یوگوسلاوی سابق رخ داد. در آستانه انحلال ملی، این کشور تورم سالیانه بالای ۷۶

درصد را تجربه کرده بود. در سال ۱۹۹۱، مشخص شد که رهبر منطقه صربستان در آن زمان به نام اسلوبودان میلوشویچ (Slobodan Milosevic)، با صدور ۱/۴ میلیارد دلار وام به دوستان خود توسط بانک مرکزی، خزانه ملی را غارت کرده است. این تاراج بانک مرکزی، دولت این کشور را به چاپ بیش از حد پول وادار کرد تا بتواند تعهدات مالی خود را جبران کند. ابرتورم سریعاً اقتصاد را در بر گرفت و ثروت باقی مانده را نابود و مردم را به مبادله کالاها وادار کرد. نرخ تورم تقریباً هر روز دو برابر می شد تا این که به مقدار غیر قابل وصف ۳۱۳ میلیون درصد در ماه رسید. بانک مرکزی در آخر مجبور شد پول بیش تری چاپ کند تا با فروپاشی اقتصاد، کار دولت ادامه یابد. دولت یوگوسلاوی سریعاً کنترل تولیدات و دستمزدها را در دست گرفت که به کمبود مواد غذایی انجامید. درآمدها بیش از ۵۰ درصد سقوط کردند و تولید متوقف شد. در نهایت، دولت ارز خود را با مارک آلمان جایگزین کرد که باعث کمک به ثبات اقتصادی شد.

ابر تورم زیمباوه

زیمباوه کشوری است که در گذشته ابرتورم را تجربه است. دلار زیمباوه پس از تعلیق رسمی آن توسط دولت به خاطر ابر تورم های مکرر، دیگر استفاده نمی شود. یک دهه پیش، در دوران بحران مالی جهانی، زیمباوه دومین ابرتورم خود را در تاریخ ثبت کرد. نرخ تورم در این کشور در نوامبر ۲۰۰۸ به ۷۹,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰ درصد (برابر با نرخ تورم روزانه ۹۸ درصد) رسید.

قیمت ها در زیمباوه هر روز تقریباً دو برابر می شد. با نرخ بیکاری بالای ۷۰ درصد، فعالیت های اقتصادی در این کشور تعطیل شد و اقتصاد داخلی را به اقتصاد تهاتری و پایاپای تبدیل کرد. عامل ابر تورم زیمباوه را به شوک های اقتصادی متعدد نسبت داده اند. دولت ملی این کشور، عرضه پول را در پاسخ به بدهی ملی رو به افزایش و افت شدید صادرات و خروجی اقتصادی، بیش تر کرد. فساد سیاسی نیز با یک اقتصاد اساساً ضعیف همراه شد.

ابرتورم در زیمباوه از کنترل خارج شد که نتیجه آن، استفاده از یک ارز خارجی (مانند رند آفریقای جنوبی، پولای بوتسوانا، دلار آمریکا و دیگر موارد) به عنوان واسطی برای تبادل به جای دلار زیمباوه بود.

ابر تورم وحشتناک کنونی ونزوئلا

دولت کنونی به ریاست نیکلاس مادورو، که از سال ۲۰۱۳ عهده دار این مسئولیت است، در ۲۰۱۶ اعلام وضعیت اضطراری کرد، چرا که در این سال نرخ تورم به ۸۰۰ درصد رسید! از آن زمان تا کنون کشور نام برده در سرایشی قرار دارد و وضعیتش از بد به فاجعه تبدیل شده است. اکنون این کشور درگیر یک ابرتورم باورنکردنی است.

تا انتهای ۲۰۱۸، نرم تورم در ونزوئلا به حدود ۸۰ هزار درصد رسید. محاسبه نرخ کنونی دشوار است، اما بر اساس شاخصی که وب سایت بلومبرگ بر اساس قیمت یک فنجان قهوه ایجاد کرده، اکنون حدود ۸۸۰ هزار درصد است.

بین ژانویه ۲۰۱۸ تا ۲۰۱۹، قیمت یک فنجان قهوه در ونزوئلا از ۰/۴۵ به ۱,۷۰۰,۰۰۰ بولیوار رسید که به معنی رشدی حدودا ۳۸۰۰ برابری است! این اتفاق باورنکردنی با ابر تورم امکان پذیر می شود! قیمت کنونی یک فنجان قهوه را در ایران، متوسط ۲۰ هزار تومان (در یک کافه معمولی) در نظر می گیریم. تصور کنید یک سال بعد، این مبلغ از ۲۰ هزار تومان به ۷۶ میلیون تومان برسد!

نزدیک به ۳ میلیون نفر، حدود یک دهم کل جمعیت ونزوئلا، از کشور گریخته اند. این بزرگترین تغییر مکان عده ای زیاد در تاریخ آمریکای لاتین محسوب می شود. کمبود همه چیز از جمله مواد غذایی در نتیجه ابرتورم این افراد را به فرار از کشور وادار کرده است.

تا سال ۲۰۱۴، ارزش پول و رونق اقتصادی ونزوئلا به شدت وابسته به صادرات نفت بود. بیش از ۹۰ درصد درآمد صادراتی این کشور از نفت تامین می شد. درآمد حاصل از این صادرات به هوگو چاوز، که بین سالهای ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۳ رییس جمهور بود، اجازه می داد برای برنامه های اجتماعی مبارزه با فقر و نابرابری بودجه کافی صرف کند. از پرداخت یارانه به افراد دارای درآمد پایین گرفته تا بهبود خدمات درمانی، همه از صادرات نفت بود. بعد از درگیر شدن کشور با ابر تورم، وضعیت تغییر کرد.

ناگهان قیمت جهانی نفت با افت زیادی مواجه شد. در نتیجه تقاضای خارجی برای بولیوار به منظور خرید نفت ونزوئلا سقوط کرد. به عبارتی تقاضای کشورهای برای خرید پول ونزوئلا با هدف تهیه کردن نفت از آن، کاهش یافت. با کاهش ارزش بولیوار، هزینه کالاهای وارداتی زیاد شد. این شروع بحران ونزوئلا بود و رفته رفته به ابر تورم کنونی تبدیل شد.

استراتژی رییس جمهور جدید برای برون رفت از مشکل فاجعه بار بود و بنزین روی آتش شد؛ نیکلاس مادورو تصمیم گرفت پول بیش تری چاپ کند. البته، چنین حرکتی می تواند اقتصاد یک کشور را برای عبور از یک شوک قیمت کوتاه مدت در حرکت نگه دارد، اما برای کشوری که اقتصادش تا ۹۰ درصد وابسته به نفت است، این استراتژی نابودکننده بود.

با ادامه روند کاهشی ارزش نفت بحران این کشور بدتر و تبدیل به فاجعه اقتصادی شد. از طرفی ونزوئلا نیز به خاطر مشکلات داخلی قادر نبود به اندازه قبل نفت استخراج کند. در نتیجه همان میزان فروش با قیمت پایین نیز از دست رفت؛ سرمایه گذاران بین المللی شروع به جستجو برای منابع دیگر کردند. در نتیجه ارزش بولیوار باز هم کاهش پیدا کرد.

در این شرایط، چاپ پول بیش تر به سادگی مشکل را بدتر می کند. این امر بر عرضه ارز اضافه می کند و ارزش را بیش از پیش کاهش می دهد. نتیجه زیاد شدن قیمت محصولات و سرویس ها است. دولت برای جبران این مشکل باز هم پول بیش تری چاپ می کند. به این ترتیب وارد یک چرخه می شویم که در نهایت به ابر تورم منجر خواهد شد.

فصل دوم

اقتصاد ایران

لایحه بودجه سال ۱۴۰۲

لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ با ارقام عجیبی بسته شده است؛ نفت ۸۶ دلاری و دلار ۲۶ هزار تومانی مهمترین عددهای بودجه سال آینده است. ارقامی که به باور کارشناسان خوشبینانه هستند، زیرا پیش‌بینی قیمت نفت در بازار جهانی برای سال آینده کاهش خواهد بود.

دلیل کاهش بودن قیمت نفت براساس پیش‌بینی‌های جهانی، تصمیم بانک‌های مرکزی دنیا برای افزایش نرخ بهره است که به رکود اقتصادی بیش‌تر در دنیا منجر خواهد شد. در واقع اقتصاد جهانی سال ۱۴۰۲ به دلیل رکود با تقاضای کم‌تری از نفت روبه‌رو خواهد بود که این موضوع باعث کاهش قیمت نفت می‌شود. با این حال، دولت سیزدهم قیمت نفت را در بودجه سال آینده کل کشور ۸۶ دلار در هر بشکه محاسبه کرده است. در مقابل، عربستان به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت جهان، قیمت نفت در بودجه سال آینده خود را ۷۳ دلار پیش‌بینی کرده است.

کارشناسان بر این باورند که علاوه بر رقم خوش‌بینانه فروش نفت در بودجه سال آینده، تشدید تحریم‌های نفتی ایران و رقابت روسیه با ایران در بازار خاکستری نفت، چشم انداز بازار نفت ایران را در سال ۱۴۰۲ سخت‌تر کرده است. بنابراین احتمال تشدید کسری بودجه بیش‌تر خواهد شد.

ابتدای سال جاری مرکز پژوهش‌های مجلس از کسری بودجه ۶۰۰ هزار میلیارد تومانی بودجه ۱۴۰۱ خبر داده بود. هرچند مسعود میرکاظمی رییس سازمان برنامه و بودجه اخیراً اعلام کرده که ۶۶ درصد از درآمدهای پیش‌بینی شده سال ۱۴۰۱ طی ۷ ماه گذشته محقق شده است، با این حال حتی با فرض تایید آنچه او گفته، همچنان بودجه امسال با کسری بودجه ۲۰۰ هزار میلیارد تومانی روبه‌روست که این کسری بودجه، به سال آینده منتقل خواهد شد.

در نتیجه اضافه شدن کسری بودجه، دولت ناچار خواهد شد که اقدام به چاپ پول برای جبران کسری بودجه کند و این بدان معناست که تورم سال آینده هم کم‌تر از ۴۰ درصد نخواهد بود. در عین حال که پیش‌بینی افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارکنان دولت و رشد ۴۰ درصدی بودجه شرکت‌های دولتی برای سال آینده همگی نشان‌های دیگری هستند که بودجه سال آینده را بزرگ و غیرقابل تحقق خواهند کرد.

صندوق توسعه ملی ایران

رییس هیئت‌عامل صندوق توسعه ملی چندی پیش در همایش اقتصاد هوشمند و توسعه مالی در مورد میزان دارایی صندوق توسعه ملی گفت از ۱۵۰ میلیارد دلار دارایی صندوق، دولت‌های مختلف حدود ۱۰۰ میلیارد دلار آن را برداشت کرده و ۴۰ میلیارد دلار از منابع صندوق نیز به‌صورت تسهیلات در اختیار شرکت‌های مختلف قرار گرفته و بدین ترتیب در حال حاضر دارایی در دسترس صندوق تنها ۱۰ میلیارد دلار است.

این سخنان مهدی غضنفری، بازتاب زیادی در رسانه‌ها داشت و کار به جایی رسید که او چند روز بعد در سومین همایش حکمرانی نوین صندوق توسعه ملی گفته‌های خود را توجیه کرد و اعلام کرد که بدهی دولت‌ها نیز جزء دارایی صندوق است. اما تقریباً دیگر آشکار است منابعی که دولت می‌گیرد پس داده نمی‌شوند و تبدیل به تورم می‌شوند.

مشابه همین اتفاق بر سر منابع بانک مرکزی نیز آمده است. دولت از بانک مرکزی در قالب تنخواه پول دریافت می‌کند و بدهی خود را پس نمی‌دهد و در همین راستا پایه پولی افزایش پیدا می‌کند. به این ترتیب هم خروج منابع ارزی صندوق و هم بدهی دولت به بانک مرکزی هر دو تبعات تورمی دارد و دومی منجر به رشد پایه پولی یعنی همان پول پر قدرت در جامعه می‌شود.

اواخر خرداد ۱۴۰۱، رییس هیئت‌عامل صندوق توسعه ملی اعلام کرد بدهکارانی که از این صندوق وام دریافت کرده‌اند درخواست پس دادن این وام را به دلار ۴۲۰۰ تومانی داده‌اند، اما صندوق اصرار دارد که این بدهکاران ارزی باید وام‌های خود را به نرخ روز تسویه کنند و در غیر این صورت صندوق دارایی‌های آن‌ها را تملک خواهد کرد. هم‌چنین

در همان زمان غضنفری به بانک‌ها نیز حمله کرد و عنوان کرد که بانک‌ها نیز به تعهدات خود در قبال صندوق توسعه ملی عمل نکرده‌اند.

در واقع آخرین آمار سالانه صندوق مربوط به سال ۱۴۰۰ است و در سال ۱۴۰۱، تنها آمار سه ماهه عملکرد صندوق وجود دارد و همان خود عاملی برای ناشفاف بودن صندوق است. چرا که گزارش‌های این صندوق که ثروت ملی ایرانیان را به خود اختصاص داده می‌بایست لحظه به لحظه بروزرسانی شود. بر اساس همین آمار تا پایان سال ۱۴۰۰ حدود ۳۱۸ طرح ارزی به مبلغ ۳۴ میلیارد دلار تامین مالی شده که از این میزان ۳۱۵ طرح با مبلغ مسدودی (تخصیص تسهیلات ارزی) بالغ ۳۳ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار دلار فعال بوده و تنها ۳ طرح تاکنون به مبلغ ۱۳۹ میلیون دلار تسهیلات دریافتی خود را تسویه نموده‌اند. همچنین بر طبق این آمار ۳۰۹ طرح به مبلغ ۲۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار با همکاری بانک‌های عامل و بانک مرکزی پرداخت قطعی صورت گرفته است.

تا پایان خردادماه ۱۴۰۰ از مجموع ۳۳ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلاری منابع ارزی مسدود شده حدود ۶۲ درصد به طرح‌های حوزه نفت و گاز، پالایشگاه و پتروشیمی و حدود ۳۱ درصد نیز به طرح‌های فعال در بخش صنعت و معدن و حدود ۷ درصد نیز به سایر بخش‌های اقتصادی تعلق گرفته است. این آمار بدین معناست که تقریباً تمامی وام‌های صندوق توسعه ملی هنوز در دستان گیرندگان این تسهیلات است و به غیر از مبلغی ناچیز هیچ‌کدام از وام‌ها تسویه نشده است.

نکته دیگر این که برخی دیگر از تسهیلات صندوق در قالب سپرده‌گذاری ارزی انجام شده که شامل ۴۶ طرح به مبلغ ۵۵۰۰ میلیارد دلار است؛ بنابراین اگر مجموع مبالغ ارزی یعنی هم عاملیت ارزی و هم سپرده‌گذاری ارزی را در نظر بگیریم کل مبالغ تامین مالی شده برای طرح‌های اقتصادی حدود ۴۰ میلیارد دلار است که به ۳۶۴ طرح اختصاص یافته است که تاییدکننده صحبت‌های رئیس هیئت عامل صندوق توسعه ملی مبنی بر ۴۰ میلیارد دلار تسهیلات است.

برخی از تسهیلات گیرندگان از سال ۹۲ تسهیلات صندوق را دریافت کرده‌اند که در آن زمان قیمت هر دلار ۳۰۰۰ تومان بود و قرار بوده که با نرخ سود ۴ تا ۶ درصد این

تسهیلات را بازپرداخت کنند، اما تاکنون بازپرداختی صورت نگرفته و شرکت‌ها دلایلی مانند قیمت‌گذاری دستوری و تحریم و بالا رفتن نرخ ارز و ... را به‌عنوان توجیه عدم بازپرداخت ارائه می‌کنند. به‌عنوان مثال، برخی از تسهیلات مربوط به بخش نیروگاه بوده و قاعدتا در ازای این پول می‌بایست مابه‌ازای تولید وجود داشته باشد، اما با گذشت سال‌ها وضعیت تامین برق کشور سال به سال بدتر شده و هیچ اثری از تولید برق نیروگاهی در کشور نیست و یا دست‌کم مردم آن را حس نمی‌کنند.

مقایسه وضعیت صندوق ذخیره ارزی ایران با سایر صندوق‌های بزرگ دنیا می‌تواند جالب توجه باشد و از خلال این مقایسه می‌توان به عمق تراژدی این صندوق پی برد. ایران کشوری نفت‌محور است و صندوق ارزی کشور می‌بایست از این سرمایه‌ی بادآورده پر و پیمان باشد که این‌که سایر کشورهای نفت‌خیز دنیا همین مسیر را رفته و دارایی‌های صندوق‌های آن‌ها اکنون تبدیل به سرمایه در سایر کشورهای جهان شده است و سودهای کلانی از سرمایه‌گذاری منابع صندوق‌های خود کسب می‌کنند.

طبق آمار سال ۲۰۲۲، بزرگ‌ترین صندوق ذخایر ارز دنیا متعلق به کشور چین است که دارایی آن رقمی بالغ بر ۱ تریلیون و ۳۵۰ میلیارد دلار است. دومین صندوق ذخیره ارزی نروژ است که حدود ۱ تریلیون و ۱۳۰ میلیارد دلار دارایی دارد. سومین صندوق بزرگ دنیا مربوط به کشور امارات است که سازمان سرمایه‌گذاری ابوظبی نام دارد و دارایی آن معادل ۸۰۰ میلیارد دلار است. سازمان سرمایه‌گذاری کویت با دارایی ۷۵۰ میلیارد دلار رده چهارم را به‌خود اختصاص داده و صندوق‌های ذخایر ارزی سنگاپور و عربستان با دارایی ۶۹۰ و ۶۰۷ میلیارد دلار در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

نگاهی به سرمایه‌گذاری‌های این صندوق‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی - مالی در جهان حکایت از حضور قدرتمند آن‌ها در تملک شرکت‌ها و دارایی‌های اروپایی و آمریکایی است. به‌عنوان مثال، یکی از اهداف صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان (PIF) حرکت در مسیر تنوع‌بخشی به اقتصاد این کشور و رهایی این کشور از نفت در آینده است چرا که طبق گزارش‌های نهادهای تخصصی در آینده نیاز به نفت در جهان به دلیل فرآیند گذار به انرژی سبز کمتر و کمتر خواهد شد.

ارقام خیره‌کننده صندوق‌های بالا در حالی‌ست که اکنون آن‌ها نقش صندوق‌های نسلی را ایفا می‌کنند بدین معنی که در راستای کسب ثروت برای آیندگان و نسل‌های بعدی عمل می‌کنند، اما صندوق توسعه ملی ایران با داشتن تنها ۱۰ میلیارد دلار دارایی در دسترس یک افتتاح کامل اقتصادی در یک کشور نفتی به شمار می‌رود. برداشت سنگین دولت‌ها در راستای جبران کسری بودجه وضعیتی هولناک را برای صندوق رقم زده و کار به جایی رسیده که این صندوق به هیچ عنوان قدرت مانور اقتصادی در جهان که هیچ حتی در داخل را هم ندارد. تسهیلات پرداختی این صندوق هم به دولت و هم به شرکت‌ها که جمعا بالغ بر ۱۴۰ میلیارد دلار است تقریبا مشکوک‌الوصول هستند و امیدی به بازگشت سرمایه بر بادرفته مردم نیست.

سرمایه‌ای که قرار بود برای آیندگان باشد اکنون در دستان تعداد معدودی با نرخ‌های ارزان است و آن‌ها نیز سودای عودت دادن این پول را ندارند.

نکته دیگر این که بین برداشت از صندوق و تورم رابطه مستقیمی وجود دارد. دولت‌ها در ایران معمولا در زمان کسری بودجه به منابع صندوق حمله می‌کنند و نکته این‌جاست که هیچ مابه‌ازایی بابت این تسهیلات در کشور ایجاد نمی‌شود. به‌عنوان مثال اگر تسهیلات به ویژه تسهیلات ارزی تبدیل به کالا و خدمات نشود در نهایت تبدیل به نقدینگی مازاد بر ارزش افزوده اقتصاد می‌شود که یکی از دلایل تورم مزمن در اقتصاد ایران به‌شمار می‌رود. بین تورم و نقدینگی رابطه مستقیمی دست‌کم در بلندمدت وجود دارد و قطعا بخشی از تورم ایجاد شده در کشور ناشی از همین جریان ارزی در کشور است.

صندوق توسعه ملی نه تنها به کمک اقتصاد ایران نیامده بلکه اتفاقا از خلال ایجاد تورم به ضرر جامعه عمل کرده چرا که منابع این صندوق هنوز عودت داده نشده و این خود دلیل محکمی است که به ازای تسهیلات ارزی کالا و خدماتی ایجاد نشده، در غیر این صورت اقساط صندوق بازپرداخت می‌شد.

غضنفری در همین سخنان جنجالی خود، ضمن بیان این که صندوق توسعه ملی تنها صندوق ارزی کشور است، عنوان کرد نباید با این صندوق رفتار صندوق ربالی داشته باشیم و پیشنهاد صندوق توسعه ملی این است که همه منابع حاصل از نفت را به صندوق دهند تا این صندوق سرمایه‌گذاری کند و از محل سود سرمایه‌گذاری به دولت پول

بدهد. وی ادامه داد: ماده ۵۲ قانون احکام بودجه‌ای صندوق را موظف کرده است که دوتا ۱۰ درصد از منابع خود را به ریال تبدیل کرده و آن را وام بدهد، از این وام سودی معادل سود بانکی نصیب صندوق می‌شود و سازمان حسابرسی صندوق را مکلف به پرداخت مالیات می‌کند. درحالی که تبدیل منابع ارزی به ریال باعث کوچک شدن صندوق می‌شود.

پیشنهاد غضنفری مبنی بر واریز تمامی منابع حاصل از فروش نفت به صندوق در حالی است که با همین درآمدهای نفتی نیز دولت طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس کسری ۳۰۰ تا ۶۰۰ هزار میلیارد تومانی دارد. در واقع رییس هیئت عامل صندوق توسعه ملی پیشنهادی می‌دهد که خودش هم احتمالاً از قبل جواب‌اش را می‌داند؛ سنگ بزرگ علامت نزدن است.

سهم اقتصادی ایران از اقتصاد جهانی

رییس اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی ایران در سال ۱۴۰۰، اعلام کرد که با وجود همه ادعاها، سهم اقتصاد کشور از اقتصاد جهانی در چهار دهه گذشته نصف شده و به تعبیری باید گفت که رشد اقتصادی ما در این دوره تقریباً صفر بوده است. به گزارش آسیانیوز، رییس اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی ایران می‌گوید با وجود همه ادعاها، سهم اقتصاد کشور از اقتصاد جهانی در چهار دهه گذشته نصف شده و به تعبیری باید گفت که رشد اقتصادی ما در این دوره تقریباً صفر بوده است. غلامحسین شافعی ۳۱ خرداد ۱۴۰۰، در ادامه گفت کشور با یک سیکل معیوب و تکرار شونده‌ای از مشکلات چون تورم، نرخ بیکاری، عدم ثبات اقتصادی، فقر پایدار و نابرابری بسیار بالا مواجه بوده است.

او اقتصاد ایران را به «دیواری فرسوده» تشبیه کرد که بسیاری از افراد روی آن را رنگ می‌زنند و پس از مدتی نیز آن را رها می‌کنند. شافعی در ادامه گفته است در حقیقت نیازمند یک «جراحی عمیق» در اقتصاد کشور هستیم.

بر اساس برآورد صندوق بین‌المللی پول، سهم ایران از اقتصاد جهانی از دو درصد در آستانه انقلاب ۱۳۵۷ به زیر یک درصد در سال گذشته رسیده است.

همچنین آرشيو داده‌های اين نهاد بين‌المللی نشان می‌دهد ايران با نوسانات شديد رشد توليد ناخالص داخلي مواجه بوده و حتی در سال ۱۹۸۰ (اولين سال انقلاب) رشد منفي ۱۸/۸ درصدی داشته و در هر کدام از سال‌های ۱۹۸۴ و ۱۹۸۸ اقتصاد ايران تقريباً ۱۰ درصد کوچک‌تر شده است.

اين نهاد بين‌المللی ارزیابی کرده است که طی ۱۰ سال گذشته، در نیمی از سال‌ها اقتصاد کشور دارای رشد منفي و در نیمی ديگر مثبت بوده است. برای نمونه در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ روی‌هم‌رفته اقتصاد کشور حدود ۱۳ درصد کوچک‌تر شد.

آمارهای متفاوت از صادرات نفت ايران

در ماه‌های گذشته اظهارنظرهای مختلفی از سوی جواد اوجی وزير نفت و ساير دولتمردان در مورد افزايش ميزان صادرات نفت ايران و به طبع آن افزايش درآمد ارزی ايران در رسانه‌های داخلي منتشر شد.

رسانه‌های وابسته به دولت مدعی‌اند که دولت ابراهيم رئیسی در قیاس با دولت حسن روحانی در فروش نفت موفق‌تر بوده و دولت رئیسی بدون احیای برجام توانسته با افزايش فروش نفت ايران درآمد بیش‌تری کسب کند و باعث بهبود شرایط اقتصادی ايران شود.

اواخر دی ماه گذشته خبرگزاری رویترز به نقل از شرکت‌هایی که صادرات نفت ايران را رصد می‌کنند مدعی شده بود که با وجود تداوم تحریم‌ها، صادرات نفت ايران در ماه‌های نوامبر و دسامبر گذشته به بیش‌ترین میزان در سه سال گذشته رسیده است. کپلر به‌عنوان شرکت ردیابی نفتکش‌ها نیز می‌گوید ايران در طول سال گذشته به طور متوسط روزانه یک میلیون و ۱۰۰ هزار بشکه نفت و ۴۰۰ هزار بشکه میعانات نفتی صادر کرده است.

ايران در سال گذشته هم‌چنين توانست ۱۸ ميليارد متر مکعب گاز طبیعی نیز صادر کند و رقمی در حدود شش ميليارد دلار از محل صادرات گاز طبیعی به دست بیاورد.

بر اساس پیش بینی آژانس بین‌المللی انرژی درآمد ارزی ایران در سال ۲۰۲۲ (دی ماه ۱۴۰۰ تا دی ماه ۱۴۰۱) از محل صادرات نفت و گاز طبیعی در حدود ۵۸ میلیارد دلار بود. این میزان در قیاس با سال ۲۰۲۱ در حدود ۴۹ درصد افزایش داشته است.

درآمد ارزی ایران از قبل صادرات نفت و گاز طبیعی ایران در نیمه نخست سال ۱۴۰۰ در حدود ۱۸ میلیارد و ۶۷۷ میلیون دلار بوده است. روزنامه ایران مدعی شده بود که درآمد ارزی ایران در نیمه نخست سال ۱۴۰۱ در قیاس با شش ماهه اول سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ به مراتب بیش‌تر بوده است.

گزارش ماهیانه اوپک که اواسط دی ماه منتشر شد، نشان می‌دهد که تولید نفت ایران در سال ۲۰۲۲ با افزایش ۱۶۲ هزار بشکه‌ای، به دو میلیون و ۵۷۴ هزار بشکه در روز رسیده بود.

بر اساس گزارش اوپک، تولید نفت ایران در سال ۲۰۲۱ به‌طور متوسط، روزانه دو میلیون و ۳۹۲ هزار بشکه نفت بوده است. این میزان در سال ۲۰۲۰ روزانه یک میلیون و ۹۹۱ هزار بشکه نفت بود.

مقایسه این آمار نشان می‌دهد که با وجود افزایش ظرفیت تولید نفت ایران در سال گذشته، تولید نفت ایران هرگز به سطح برجام نرسید.

بر اساس برنامه بودجه سال ۱۴۰۲، ایران قرار است روزانه یک میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه نفت صادر کند.

دولت ابراهیم رئیسی رقم فروش نفت در سال آینده را بشکه‌ای ۸۵ دلار در نظر گرفته است و قرار است ایران روزانه از محل صادرات نفت ۱۱۹ میلیون دلار درآمد ارزی کسب کند. یعنی در کل، میزان درآمد ارزی ایران در سال ۱۴۰۲، از صادرات نفت، ۴۳ میلیارد و ۴۳۵ میلیون دلار پیش‌بینی شده است.

محاسبه دولت رئیسی نشان می‌دهد که دولت وی فعلاً امیدوی به احیای برجام ندارد و فروش نفت ایران به چین در سال جاری نیز ادامه خواهد داشت.

باید در نظر داشت که رقم فروش نفت ایران در بودجه سال ۱۴۰۱، در حدود ۷۰ دلار در نظر گرفته شده بود. قیمت نفت در سال ۲۰۲۲ حتی در برخی ماه‌های سال به بیش از صد دلار نیز رسیده بود.

شفافیت اصل فراموش شده اقتصاد ایران است. میزان دقیق فروش نفت به بهانه دور زدن تحریم‌ها، هیچ وقت رسماً اعلام نمی‌شود و هم‌زمان این وضعیت، فرصت را برای فساد اقتصادی به شکل قابل توجهی افزایش داده است. به بیان دیگر، اگرچه جمهوری اسلامی از درآمد قابل توجه فروش نفت بهره‌مند است اما دقیقاً روشن نیست که چه مقدار از این پول سرانجام از خزانه دولت سردرمی‌آورد.

دولت رئیسی داده‌های واقعی تورم را پنهان می‌کند

روزنامه بریتانیایی فایننشال تایمز گزارش داد در شرایطی که بحران اقتصادی ایران عمیق‌تر شده، دولت ابراهیم رئیسی داده‌های واقعی در خصوص میزان تورم و گرانی‌های بی‌سابقه را «پنهان» می‌کند.

گزارشگر این روزنامه در تهران به نقل از تحلیل‌گران اقتصادی درون کشور نوشت که نرخ تورم بیش‌تر از ۴۷/۷ درصدی است که دولت آن را به‌عنوان تورم سالانه در آخر بهمن اعلام کرد و نرخ واقعی به بالاترین سطح در دست کم ۲۸ سال گذشته جهش یافته و از ۴۹ درصد هم فراتر رفته است.

سعید لیلاز، تحلیل‌گر اقتصاد سیاسی در تهران، به این روزنامه گفت مرکز ملی آمار ایران ظاهراً برای جلوگیری از اذعان به شکستن رکورد تاریخی نرخ تورم در دولت ابراهیم رئیسی از انتشار داده‌های حقیقی منع شده است. او تأکید کرد که این دولت نتوانسته تورم را مهار کند.

در همین رابطه، روزنامه اعتماد نیز نوشته بود که دولت در نمایش کاهش ظاهری نرخ تورم «با ارقام بازی می‌کند».

براساس نوشته اعتماد، سبد خرید خانوارها دست‌کم ۹۵ درصد کاهش یافته است.

چاق‌تر و فربه‌تر شدن بودجه‌های امنیتی

بودجه نهادهای امنیتی و مذهبی پس از شروع اعتراضات سراسری چه‌قدر اضافه شده است؟

رشد تند بودجه در پنج سال اخیر نه تنها به لحاظ پیش‌بینی هزینه‌ها تمام واقعیت‌های موجود جمعیت ۸۵ میلیونی ایران را پوشش نداده بلکه کسری بودجه و انتقال آن به سال‌های بعد سال به سال عددهای بودجه را بزرگ‌تر کرده است؛ اعداد بزرگی که باعث پایدارتر شدن تورم ساختاری بودجه می‌شود.

بر اساس تعاریف علم اقتصاد، تورم ساختاری تورمی است که در نتیجه ضعف ساختار سیاست‌گذاری زمینه‌های افزایش تقاضا را در اقتصاد به وجود می‌آورد. یعنی اگر بخش دولتی و ادارات و سازمان‌های زیرمجموعه آن به دلایل غیرضروری گسترده شوند، بخشی از نیروی کار عملاً هیچ نقشی در بهره‌وری اقتصادی ندارد و هم‌زمان قدرت خرید بیش‌تری برای تهیه کالاها و خدمات به دست می‌آورد.

بودجه‌های سالانه هر سال در قالب منابع و مصارف آماده می‌شوند که بخشی از مصارف اختصاص به بودجه شرکت‌های دولتی و موسسات انتفاعی وابسته به دولت دارد. صرف نظر از این که اغلب این شرکت‌ها زیان‌ده هستند و بار مالی زیان آن‌ها هر سال بر بودجه سنگینی می‌کند، به مصارف نیز هر سال بخش‌هایی اضافه می‌شود که عمدتاً برای اهدافی خارج از ساختار توسعه ایران تعریف شده‌اند؛ اهدافی همچون امور مذهبی و تبلیغات اسلامی.

علاوه بر این، بررسی جدول‌های بودجه پنج سال منتهی به ۱۴۰۲ نشان می‌دهد که بودجه بخش‌های نظامی و امنیتی رو به افزایش است؛ موضوعی که شاید بی‌ارتباط با حوادث بعد از آبان ۹۸ و شهریور ۱۴۰۱ نباشد.

بودجه دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی عمدتاً مورد توجه عموم قرار نمی‌گیرد، این در حالی است که بررسی بودجه این نهادها با توجه به تکرر آن‌ها طی پنج سال اخیر افزایش معناداری نشان می‌دهد.

بودجه وزارت اطلاعات در سال ۱۳۹۸، از پنج هزار و ۸۲۵ میلیارد تومان به هفت هزار و ۲۹۱ میلیارد تومان در سال ۱۳۹۹ افزایش یافت. بودجه این دستگاه امنیتی در سال ۱۴۰۰ به هفت هزار و ۷۶۵ میلیارد تومان رسیده است.

دولت جمهوری اسلامی در سال ۱۴۰۱، برای این وزارت‌خانه امنیتی تصمیم به افزایش بودجه‌ای تقریباً دوبرابری گرفته است، به طوری که وزارت اطلاعات در سال گذشته (۱۴۰۱) به میزان ۱۵ هزار و ۳۷۵ هزار میلیارد تومان بودجه دریافت کرده است.

در بودجه امسال (۱۴۰۲)، بودجه این نهاد مخوف امنیتی جمهوری اسلامی ایران به ۲۲ هزار و ۵۹۹ میلیارد تومان افزایش یافته است. این ارقام بیانگر این است که بودجه وزارت اطلاعات ۲/۸ برابر بیش تر شده است.

این رشد بودجه برای دیگر نهادهای اطلاعاتی موازی هم اتفاق افتاده است. بودجه حفاظت اطلاعات سپاه در سال ۱۳۹۸ از ۵۴ میلیارد و ۴۶۶ میلیون تومان به ۵۹ میلیارد تومان در سال ۱۳۹۹ افزایش یافته است.

بودجه این نهاد اطلاعاتی سپاه پاسداران در سال ۱۴۰۰ با رشدی دوبرابری ۱۳۰ میلیارد تومان ارتقا یافته و در سال ۱۴۰۱ برای حفاظت اطلاعات سپاه ۱۵۰ میلیارد تومان بودجه اختصاص داده شده است.

در سال ۱۴۰۲ هم برای حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران به میزان ۱۸۳ میلیارد تومان بودجه در نظر گرفته شده است؛ یعنی ۲/۳ برابر افزایش بودجه نسبت به سال ۱۳۹۸. فقط منابع این دو دستگاه اطلاعاتی نیست که هر سال رشد جهشی کرده است؛ برای اولین بار امنیت فضای مجازی که به نظر می‌رسد تمرکز بر محدودیت و فیلترینگ فضای مجازی دارد، در بودجه امسال گنجانده شده است. این ردیف بودجه که در سال‌های گذشته اصلاً وجود نداشته، برای ۱۴۰۲ بناست که رقمی در حدود ۸۴۷ میلیارد تومان در اختیار داشته باشد تا فضای مجازی را کنترل کند.

ردیف بودجه جدید دیگری که در زیرفصل امنیتی و اطلاعاتی قرار گرفته، اختصاص ۱۰ هزار و ۳۵۰ میلیارد تومان برای «حفظ نظم و امنیت عمومی» در سال جاری است. در ذیل همین ردیف، سه هزار میلیارد تومان برای «برنامه سیاست‌گذاری و نظارت بر استقرار نظم عمومی و امنیت داخلی و برگزاری انتخابات» در نظر گرفته شده است. این بخش که می‌توان گفت فصل‌الخطاب تازه‌ای در بودجه دولت جمهوری اسلامی سالانه محسوب می‌شود، تا پیش از این با ردیف مستقل تعریف نشده بود. به نظر می‌رسد اگر چنین ردیف‌های هزینه‌ای در گذشته هم وجود داشته، دست کم دارای ردیف مستقل نبوده‌اند.

علاوه بر نهادهای یادشده، سازمان بسیج در بودجه امسال قرار است دو هزار و ۸۲۹ میلیارد تومان دریافت کند. بودجه یگان‌های ویژه نیروی انتظامی ۱۵۵ میلیارد تومان، بودجه ندامتگاه تهران ۲۵۶ میلیارد تومان و همچنین مطالعه و احداث ۵۹ ندامتگاه جدید

۳۰۵ میلیارد تومان و احداث ندامتگاه موقت ۱۰۴ میلیارد تومان از بودجه سال جاری پول دریافت خواهند کرد.

گرانی و تورم سرسام‌آور

از منظر اقتصادی، تورم و کاهش ارزش پول ملی به آسیب‌های اجتماعی می‌انجامد که فقر، بالا رفتن سرقت و کیف‌قاپی و زورگیری و اعتیاد و طلاق و... تنها بخشی از آن‌هاست.

«فردا نیوز» - اعتماد، ۹ خرداد ۱۴۰۲، نوشت: نرخ تورم در آخرین آمار اعلام‌شده توسط مرکز آمار در آستانه ۵۵ درصد قرار گرفته که نسبت به ۶ سال پیش رشد بسیار بالایی را نشان می‌دهد. این اتفاق چگونه بر سطوح مختلف جامعه تاثیر می‌گذارد؟ از منظر اقتصادی، تورم و کاهش ارزش پول ملی به آسیب‌های اجتماعی می‌انجامد که فقر، بالا رفتن سرقت و کیف‌قاپی و زورگیری و اعتیاد و طلاق و... تنها بخشی از آن‌هاست.

برای این که بدانیم تورم و افزایش گرانی‌ها چه تاثیری در سطح جامعه داشته به یک شاخص به نام «نزاع ثبت شده در پزشکی قانونی» نگاه می‌کنیم. در سال ۹۶ نزدیک به ۵۴۴ هزار «نزاع» در سازمان پزشکی قانونی ثبت شد. اما ۴ سال بعد این رقم به بیش از ۵۸۶ هزار رسید. آمار پزشکی قانونی می‌گوید در بهار پارسال هم میزان دعوا ۸ درصد نسبت به بهار ۱۴۰۰ بالاتر است. اما از سال ۹۲ تا ۹۶ آمار نزاع ثبت شده در پزشکی قانونی از ۶۰۷ هزار به ۵۴۴ هزار مورد کاهش پیدا کرده بود. چه چیزی موجب تغییر این شاخص و معکوس شدن روند نزاع در ایران در اواخر دهه ۹۰ شده است؟

شاید عوامل زیادی موجب چنین چیزی شده‌اند اما بخش بزرگی از آن‌ها را باید در شاخص‌های کلان اقتصادی نظیر تورم دید. نرخ تورم از سال ۹۲ تا ۹۶ روندی کاهشی طی کرد و از حدود ۳۳ درصد به حدود ۹۹ درصد کم‌تر شد. اما از سال ۹۶ روند افزایشی به نرخ تورم برگشت تا این که همین امسال به ۵۵ درصد رسید. در واقع اینجا یک اتفاق عجیب افتاده و به ازای افزایش ۱ درصد به تورم، موارد نزاع ۱۲۰۰ مورد بالا رفته است. یعنی اگر تورم ۱۰ درصد در یک بازه زمانی رشد کرده موارد نزاع ۱۲ هزار مورد بالا رفته است.

عطش پول

پول، متأسفانه زبان برتر عصر ماست، اما اهمیت آن در شرایط تورمی بسیار بیش‌تر است. در شرایطی که تورم رشد می‌کند و اجناس و کالاها گران می‌شوند، همه دنبال این هستند که ارزش پول خود را حفظ کنند. بقای زیستی و اجتماعی انسان بیش از پیش به پول گره می‌خورد و خواسته و ناخواسته پول به محور بحث و زندگی افراد تبدیل می‌شود.

بخش جوان یک کشور درگیر تورم که روی کاغذ باید بخش «مولد» آن باشد، برای کسب درآمد بیش‌تر به سمت راه‌های مختلفی می‌روند که گاه به بیراهه‌های نامشروع نیز کشیده می‌شود. گفت‌وگوهای جوانان بر سر مسائل مالی و پول چرخ می‌زند و تکاپو برای دوچندان کردن پول و درآمد، به جای ارزش‌های اخلاقی می‌نشیند.

در شرایط تورمی، پول به ارزش غالب تبدیل و دستیابی به آن به ویژه برای دهک‌های کم‌درآمد سخت‌تر می‌شود. این شرایط در اثر تعاملات بین طبقه‌ای تشدید می‌شود.

هم‌زمان تجربه تورم برای طبقه بالاتر، افزایش «ظاهری» ثروت و برآمدن نوعی «طبقه نوکیسه» است که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به افراد و نهادهای حکومتی وصل هستند. جوانان طبقه پایین با مشاهده چنین شرایطی، بیش از پیش به دنبال پول درآوردن هستند و بخشی از این عطش پول، ناشی از تلاش برای رفع نیازهای اولیه و بخشی نیز ناشی از «سرابی» است که طبقه نوکیسه شکل گرفته در شرایط تورمی پیش روی آن‌ها باز می‌کند.

شرایط تورمی و رشد بالای تورم، متولدان دهه ۷۰ و حتی ۸۰ را با دوران جوانی کوتاه، گذرا، اندوهبار و یک نوع «بزرگسالی سریع و سخت و پرچالش» روبه‌رو می‌کند.

نتایج پژوهشی که توسط حسین افراسیابی دانشیار جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد و مریم بهارلویی دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه یزد انجام شده این موضوع را تایید می‌کند. این دو پژوهشگر با طرح پرسشنامه‌هایی از جوانان در سن کار، تلاش کرده‌اند فضای اقتصادی و تاثیر «تورم» بر سطوح و لایه‌های مختلف اجتماعی را تحلیل کنند.

در این پژوهش که دو سال پیش و هم‌زمان با اوج‌گیری تورم در ایران در نشریه جامعه‌شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان منتشر شده، تلاش محققان بر این بوده که با مکانیزم «مصاحبه» بتوانند به‌طور مستقیم بخشی از مشکلات و آسیب‌های اجتماعی تورم را بیان کنند. به‌طور مثال، در بخشی از این پژوهش آمده است: «پیمان ۲۳ ساله و شاغل در یک کارخانه قند می‌گوید: ... دانشجوی شبانه بودم. بعد از یک ترم مجبور شدم ترک تحصیل کنم چون پول نداشتم. شهریه خیلی زیاد شده بود. ... خرج خانه هرامه برنج را من می‌خرم و با من است ولی آنقدر تورم زیاد شده که هر رویایی که داشتم غیرممکن شده است و تازه باید خیلی زود وارد دخل و خرج خونه و قسط و بدهی شوی.»

نویسندگان این پژوهش عنوان می‌کنند که زندگی در شرایط فشار اقتصادی و به‌طور خاص تورم، سبب شکل‌گیری یا برساخت منش یا عادت‌واره معینی در جوانان شده است. از نظر پژوهشگران، مقوله‌های هفت‌گانه برساخته در این مطالعه، منش معینی را شکل می‌دهند که مهم‌ترین فاکتور تشکیل‌دهنده این منش، محوریت پول و زندگی در شرایطی از احساس «بی‌هنجاری» است. نویسندگان می‌گویند ارزش پول در اثر تورم در منظومه عادت‌واره جوانان طبقه پایین تشدید شده است. چرا که تورم اقتصادی بالا و مکرر این ولع پول را در افراد ایجاد کرده است. ولعی که بر اساس آن، کنشگران اجتماعی به این نتیجه رسیده‌اند که همه مشکلات از طریق پول قابل برطرف شدن هستند و پول حلال همه مسائل تلقی می‌شود. از طرف دیگر، به دلیل زندگی در میدان پیش‌بینی‌ناپذیر شرایط اقتصادی، نوعی احساس سردرگمی، بی‌هنجاری و روزمرگی از طرف جوانان پذیرفته و برای آن‌ها عادی شده است.

میانگین تورم

میانگین تورم سالانه در آستانه رکوردزنی ۷۸ سال گذشته است. براساس آخرین اعلام مرکز آمار، تورم سالانه اردیبهشت‌ماه به ۴۹/۱ درصد رسیده است. این تورم به جز سال ۱۳۷۴ که عدد ۴۹/۴ درصد را ثبت کرده، طی ۷۸ سال گذشته بی‌سابقه بوده است. دولت بنا بود تورم را مهار کند. هم از ابتدای روی کار آمدن، این قید را برای خود گذاشته بود و هم امسال با تعیین شعار مهار تورم، بر این وعده تاکید دوباره کرد. اما نه در دو سال

گذشته دولت توفیقی در نصف شدن و تکرقمی شدن تورم به دست آورد و نه در دو ماه ابتدایی امسال توانست افسار تورم را بکشد. برنامه‌هایی برای کنترل نقدینگی چیده شد. شتاب رشد تورم که در پایان سال ۱۴۰۰ به نزدیک ۴۰ درصد رسیده بود، در سال گذشته تا سطح ۳۲ درصد کنترل شد. اما این برنامه‌ها هم نتوانست منجر به مهار تورم شود.

برخی تحلیل‌گران می‌گویند احساس ناامیدی و انتظار برای بدتر شدن وضعیت، این رشد کم‌سابقه را سبب شده است. اما برخی دیگر علاوه بر این گزاره، بر محدودیت منابع ورودی تا زمان بن‌بست روابط خارجی تاکید دارند.

دلایل بروز تورم به قدری گفته شده که دیگر برای همه آشناست. همه کارشناسان هم بر علت‌العلل تحریم‌ها توافق دارند. بنابراین تا زمان وجود علت اصلی هر طرح و برنامه‌ای از سوی هر جناح و تفکری چیده شود، نمی‌تواند موثر واقع شود.

واقعیت آن است که تورم ثبت‌شده چهره نامطلوبی در اردیبهشت‌ماه داشته است. روغن‌ها و چربی‌ها ۲۵۱ درصد در یک سال گذشته رشد قیمت پیدا کرده است. گوشت قرمز و مرغ ۸۳ درصد رشد داشته و شیر، پنیر و تخم‌مرغ در یک سال ۹۰ درصد افزایش قیمت داشته است. در مجموع تورم سالانه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها در اردیبهشت‌ماه ۷/۷۵ درصد برآورد شده که رقم قابل توجه و جهش کم‌سابقه‌ای است.

با وجود رشد بالای تورم در اردیبهشت‌ماه، مسئولان با اشاره به کاهش تورم ماهانه، مهار رشد قیمت‌ها را نوید داده‌اند. درست است که تورم ماهانه اردیبهشت با کاهش ۹۹ درصدی به ۲/۸ درصد رسیده است، اما هم‌چنان رشد تورم ماهانه بالایی محسوب می‌شود.

وضعیت نامطلوب گرانی، در تورم نقطه‌به‌نقطه بیش‌تر محسوس می‌شود. نرخی که برای تورم اردیبهشت در مقایسه با اردیبهشت سال قبل اعلام شده ۴/۵۴ درصد است. تورم نقطه به نقطه بالای ۵۰ درصد از اسفند ۱۴۰۱ آغاز شد و در فروردین به ۵۵/۵ درصد رسید.

تورم نقطه‌به‌نقطه ممکن است در خردادماه کاهش قابل توجهی داشته باشد. اما باید به این نکته مهم توجه کرد که کاهش تورم در خرداد به معنی مهار تورم نیست. با توجه به

این که خرداد سال قبل ارز ۴۲۰۰ تومانی حذف شد و قیمت کالاهای اساسی تا ۵ برابر افزایش یافت، مقایسه تورم خرداد امسال با خرداد سال گذشته، اگرچه کاهش را نشان می‌دهد، ولی می‌تواند گمراه‌کننده باشد چراکه عملاً مهار تورم اتفاق نیفتاده و این افت یک کاهش فنی خواهد بود.

رصد برنامه‌های دولت در کنار نشانه‌هایی که از عدم تغییر سیاست خارجی می‌رسد و همچنین کسری‌های دائمی بودجه، تحلیل‌گران را به این نتیجه رسانده که نه تنها مهار تورم اتفاق نمی‌افتد، بلکه باید منتظر تورم سه‌رقمی نیز باشیم.

دولت یک کار سخت پیش رو دارد. علاوه بر چالش مهم در روابط خارجی که قطعا و حتما باید در دست اصلاح باشد، اعتماد مردم را نیز باید ترمیم کند. بی‌اعتمادی مردم باعث انتظارات تورمی شده است. این انتظارات خود به خود به جهش قیمت‌ها دامن می‌زند و اگر حتی ذخایر ارزی هم پر شود و نقدینگی کنترل شود، باز هم پایین آوردن روند رشد قیمت‌ها به‌آسانی صورت نخواهد گرفت.

در این شرایط اتخاذ هر سیاست کلان اقتصادی نیز با مانعی به نام بی‌اعتمادی مواجه است. هرگونه اصلاح قیمتی از سوی دولت با اعتراض و عدم پذیرش مردم همراه می‌شود چراکه در سال‌های قبل بارها از سوی دولت بازی خورده‌اند. مصداق آن دعوت به سرمایه‌گذاری در بورس بود که خیل عظیم سرمایه‌ها را از دست سرمایه‌گذاران خرد ربود. نااطمینانی‌های پیاپی به طرح و برنامه‌های دولت امروز خود را در جهش قیمت‌ها که بخش قابل توجهی از آن انتظاری است، نشان می‌دهد.

هزینه‌های رفاهی تورم

تورم هزینه‌های بسیار سنگینی به خانوارها تحمیل می‌کند. در صورتی که افزایش درآمدهای خانوار به اندازه افزایش قیمت‌ها نباشد قدرت خرید خانوارها یا درآمد واقعی خانوار که با تورم تعدیل شده است، کاهش می‌یابد. درآمد واقعی معیاری برای حفظ استاندارد زندگی و رفاه است در نتیجه در شرایط تورمی رفاه خانوارها کاهش می‌یابد.

معمولا افزایش قیمت‌ها به صورت همسان نیست؛ قیمت برخی کالاها و خدمات مانند کالاهای قابل مبادله به صورت روزانه تغییر می‌کند و برخی دیگر مانند دستمزدها که طبق قراردادهای تعیین می‌شود در طول مدت قرارداد ثابت می‌ماند و در اصطلاح اقتصاد

چسبندگی دارد. در هر محیط تورمی، افزایش نابرابر قیمت‌ها به ناچار قدرت خرید برخی از مصرف‌کنندگان را کاهش می‌دهد و این فرسایش درآمد واقعی یکی از بزرگ‌ترین هزینه‌های تورم است.

بررسی تورم در دو گروه عمده خوراکی‌ها و کالاهای غیرخوراکی با توجه به ضریب اهمیت متفاوت این دو گروه بر دهک‌های مختلف درآمدی، دارای اهمیت ویژه‌ای است. سیاست‌های قیمت‌گذاری که به صورت گسترده بر خوراکی‌ها اعمال می‌شود، رفتار این گروه از هزینه‌ها را معنادار کرده است. در دوره‌هایی که اقتصاد ایران دچار بحران ارزی شده، تورم گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها به صورت فزاینده‌ای بیش‌تر از سایر کالاها و خدمات بوده است، مانند بحران ارزی سال ۱۳۹۲، ۱۳۹۷، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۱. با توجه به وزن متفاوت کالاها و خدمات در سبد مصرفی خانوارهای مختلف، تاثیرپذیری گروه‌های مختلف درآمدی از تورم به یک میزان نیست.

بررسی وضعیت تورمی دهک‌های اول و دهم در حد فاصل سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که تورم دهک دهم (دهک ثروتمندتر) بالاتر از دهک‌های ضعیف‌تر است. اما از مهر سال ۱۴۰۰ و با روی کار آمدن دولت جدید در ایران، تورم دهک‌های ضعیف‌تر نسبت به دهک‌های ثروتمندتر بیش‌تر بوده و در حال حاضر این فاصله بیش‌تر از ۹ درصد است.

این مسئله به این معناست که وضعیت قشر ضعیف در حال حاضر با سرعت بیش‌تری نسبت به سایر اقشار تضعیف می‌شود. با توجه به تورم بسیار بالاتر اقلام خوراکی و سهم بیش‌تر این گروه از کالاها در سبد مصرفی خانوارهای کم‌درآمد، وضعیت به وجود آمده قابل پیش‌بینی بوده است.

اما یکی از ریشه‌های اصلی افزایش تورم، تغییراتی است که در متغیرهای پولی کشور ایجاد می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت که روند تغییرات اجزای منابع پایه پولی در طول سال‌های گذشته، نقش موثری در بررسی متغیرهای اسمی اقتصاد ایران یعنی پول و تورم دارد.

در دهه شصت و هفتاد، خالص مطالبات بانک مرکزی از بخش دولتی متغیر اصلی افزایش پایه پولی بود. در انتهای دهه شصت، به دلیل عدم امکان تامین مالی از محل بودجه عمومی برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی و زیربنایی، شرکت‌های دولتی

از منابع بانک مرکزی وام دریافت می‌کردند. نکته دیگر سررسید تعهدات ارزی در اوایل دهه هفتاد است که بازپرداخت بخشی از این بدهی‌ها به‌همراه کاهش قیمت نفت، موجب افزایش بدهی دولت به بانک مرکزی در قالب حساب ذخیره تعهدات شده است. این دو عامل در عمل به صورت استقراض از بانک مرکزی به منبعی برای افزایش پایه پولی و در نهایت حجم نقدینگی تبدیل شده است.

از برنامه سوم توسعه، تنظیم بودجه‌های سالانه دولت بدون اتکا به استقراض از بانک مرکزی در مجلس تصویب شده است. این طرح در چند سال ابتدایی محقق شد. اگرچه در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه نیز بر عدم استقراض از بانک مرکزی و نظام بانکی تاکید شده بود، اما با افزایش کسری تراز عملیاتی (تفاوت بین درآمدهای غیرنفتی و اعتبارات هزینه‌ای)، در عمل به جای استقراض دولت از بانک مرکزی که ممنوع شده بود، افزایش بدهی دولت به بانک‌ها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم (مانند وام‌های زودبازده و طرح مسکن مهر) معمول شد. در نتیجه افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی، عنصر اصلی افزایش پایه پولی در این دوره شد.

در مجموع می‌توان گفت که با توجه به این که در حال حاضر تورم سید مصرفی خانوارهای کم‌درآمد از خانوارهای پردرآمد بیش‌تر است افزایش سطح قیمت‌ها، درآمد حقیقی خانوارهای آسیب‌پذیر را بیش‌تر تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ این به معنی کاهش توان خانوار برای حضور در بازار محصول و در نتیجه کاهش تقاضا برای کالاها و خدمات از سوی این خانوارهاست. ایجاد تورم و فضای پرنوسان سبب ایجاد نااطمینانی در بازار هم می‌شود. نااطمینانی مخاطره سرمایه‌گذاری را به‌شدت افزایش می‌دهد. در فضای پرمخاطره، افق سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت می‌شود و فعالیت‌های نامولد یا واسطه‌گری رونق می‌گیرد. به‌علاوه، عدم انجام سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت آینده رشد اقتصادی را به خطر می‌اندازد.

رسوب ارزی معادل سه میلیارد یورو در ۱۰ بانک ایران

«معاونت اطلاعات و امنیت اقتصادی و مبارزه با فساد» وزارت اطلاعات ۲۴ اردیبهشت امسال گزارشی «خیلی محرمانه» برای ابراهیم رئیسی، رییس‌جمهور اسلامی، فرستاده که عنوان آن «مانده وجوه نزد کارگزاران تراستی شرکت‌های راهبر بانکی» است. این گزارش روز ششم خرداد از سوی دفتر رئیس‌جمهور اسلامی برای محمدرضا فرزین، رییس کل بانک مرکزی ایران، نیز فرستاده شده تا او «اقدام لازم» را انجام دهد. در این گزارش دو صفحه‌ای، معاونت وزارت اطلاعات جدولی ضمیمه گزارش خود کرده که نشان می‌دهد رسوب ارزشهای خارجی در ۱۰ بانک ایران روند افزایشی داشته است؛ به‌گونه‌ای که از معادل سه میلیارد و ۳۴۹ میلیون یورو در آذرماه پارسال به معادل سه میلیارد و ۶۲۵ میلیون یورو در اردیبهشت امسال رسیده است، یعنی افزایشی ۲۷۶ میلیون یورویی.

در این جدول، بانک پارسیان با ۸۹۳ میلیون یورو دارای بیش‌ترین میزان رسوب ارزش تا روز ۱۹ اردیبهشت بوده است؛ و سپس، بانک شهر با ۵۱۵ میلیون و ملت با ۴۲۳ میلیون یورو در رده‌های بعدی هستند. میزان رسوب ارزش در بانک‌های ملی، تجارت و سامان نیز به ترتیب معادل ۳۵۸، ۳۰۵ و ۳۳۷ میلیون یورو بوده است.

«رسوب» در این‌جا به معنای راکد ماندن ارزش در حساب‌های بانکی شرکت‌ها، نهادهای دولتی و صادرکنندگان و عدم تزریق به‌موقع آن به بازار به‌ویژه سامانه نیما است. این وضعیت از آن رو اهمیت دارد که بازار ارزش ایران در ماه‌های گذشته به‌شدت دچار نوسان بوده و هر دلار آمریکا حتی تا حدود ۶۰ هزار تومان هم اوج گرفت. معاونت اقتصادی وزارت اطلاعات در گزارش خود از «عدم تمایل برخی صادرکنندگان به عرضه ارزش»، «عدم نظارت مؤثر و الزام‌آور روی صادرکنندگان»، «عملکرد بانک‌ها» و «تبانی کارگزار مالی با خریدار» به‌عنوان بخشی از دلایل رسوب منابع ارزی در بانک‌های ایران نام برده است.

یکی از نکات مهم گزارش اشاره به این موضوع است که «عمده ارزش ورودی به تراستی بانک‌ها از نوع یوان است که نسبت به دلار و یورو و درهم متقاضی کم‌تری دارد.»

تحریم‌های شدید آمریکا علیه ایران و قطع ارتباط آن با سیستم مالی ایالات متحده مقام‌های جمهوری اسلامی را به ناچار به سوی کشورهایی چون چین سوق داده است تا نفت ایران را با تخفیف زیاد و پنهان کاری به فروش برسانند و در ازای آن یوان یا کالاها از چین دریافت کنند.

یوان در بازارهای بین‌المللی کاربردی برای تجارت ندارد و بیش از ۷۵ درصد تجارت جهانی با دلار آمریکا، یورو، ین ژاپن و پوند بریتانیا صورت می‌گیرد. در این میان سهم دلار آمریکا در تجارت بین‌المللی حدود ۵۰ درصد است.

گزارش‌های بانک مرکزی ایران نشان می‌دهد بخش عمده ارزی که به واردکنندگان کالا اختصاص داده می‌شود، ارزهایی غیر از دلار و یورو است که مهم‌ترین آن‌ها یوان چین، لیر ترکیه و درهم امارات است.

حتی زمانی که بانک مرکزی جمهوری اسلامی پول نفت را در سامانه نیما عرضه می‌کند، به گفته وزارت اطلاعات، «بانک‌های عامل به‌عنوان متقاضی، ارزها را می‌خرند و وقتی خیال‌شان بابت ارز در اختیار راحت می‌شود، بر اساس سیاست‌های داخلی خود پیرامون دریافت ریال و تامین ارز مشتریان خود، نسبت به فروش ارز اقدام می‌کنند که خود موجبات تاخیر و افزایش رسوب می‌شود.»

افزایش مداوم تورم و بی‌رمقی کسب و کار

بالاخره مرکز آمار ایران با تاخیر یک ماهه، نرخ رسمی تورم فروردین ۱۴۰۲ را اعلام کرد. بر اساس گزارش این مرکز، در فروردین ۱۴۰۲ شاخص قیمت مصرف‌کننده خانوارهای ایرانی به عدد ۱۸۰/۵ رسیده است که نسبت به ماه قبل ۳/۷ درصد افزایش، نسبت به ماه مشابه سال قبل، ۵۵/۵ درصد افزایش و در ۱۲ ماهه منتهی به ماه جاری، نسبت به دوره مشابه سال قبل ۴۷/۶ درصد افزایش داشته است. به عبارتی خانوارهای ایرانی، باید به طور میانگین ۵۵/۵ درصد هزینه بیشتری را نسبت به فروردین سال گذشته برای سبد کالای مشابه و خدمات تقبل کنند. البته این رقم میانگین عمومی تورم است. با تفکیک گروه‌های مختلف، به این نتیجه می‌رسیم که شهروندان ایرانی باید هزینه‌های به مراتب بالاتری را برای کالای اساسی چون خوراک پرداخت کنند.

مرکز آمار، با بررسی ۱۱ گروه از اقلام خوراکی‌ها، رقم ۷۸/۵ درصد را برای متوسط تورم نقطه‌ای فروردین ماه تخمین زده که در این بین بیش‌ترین تورم، با افزایش ۲۳۶/۵ درصد، در بخش روغن‌ها و چربی‌ها مشاهده می‌شود. جهش قیمت این دسته از خوراکی‌ها به اصلاح نظام یارانه‌ای در اردیبهشت ۱۴۰۱ برمی‌گردد که به عنوان نمونه تنها یک بطری روغن ۸۰۰ گرمی از ۱۶ هزار تومان به حدود ۷۰ هزار تومان رسید. در این رابطه و براساس گزارش مرکز آمار، تورم گوشت قرمز و ماکیان (طیور) در این یک سال، ۱۱۶/۵ درصد، شیر، پنیر و تخم‌مرغ، ۸۰/۳ درصد و میوه و خشکبار ۷۹/۷ درصد افزایش یافته است. بر این اساس شهروندان ایرانی برای تهیه کالاهای ضروری باید هزینه‌ای به مراتب بیش‌تر از ۵۵/۵ درصد به نسبت فروردین سال ۱۴۰۱ خرج کنند. افزایش قیمت‌ها و تورم افسارگسیخته، عمده فروشندگان مواد غذایی را در تنگنا قرار داده است. یکی از فروشندگان اقلام گوشتی در این رابطه می‌گوید:

مشتری‌هایم خیلی خیلی کم شده‌اند. اگر هم مشتری داشته باشیم، مثل قبل خرید نمی‌کنند. کسی که قبلاً مثلاً دو کیلو گوشت برای یک ماه می‌خرید، الان شده یک کیلو، حتی بعضی وقت‌ها نیم کیلو. یا مرغ از خرید سه -چهار تا، شده یکی - دو تا. من چند ساله کارم این است، بعضی وقت‌ها از مشتری‌هایم خجالت می‌کشم که بگویم قیمت‌ها گران شده، واقعاً بیش‌تر مردم ندارند، ولی مجبورند بخرند. به خاطر کاهش مشتری مغازه پسر را تعطیل کردیم و او الان اینجا پیش خودم کار می‌کند. یکی از خواروبارفروشان در همین زمینه می‌گوید:

شاید فروشم به یک سوم پارسال هم نرسد. خیلی خیلی کم شده. تازه من یک سری مشتری دائمی و فک و فامیل دارم که ازم خرید می‌کنند، اگر آنها نبودند واقعاً باید در مغازه را تخته می‌کردم. خورد و خوراک یک کالای ضروری است، مردم مجبورند بخرند، اما با این وجود هم فروش کمی داریم.

افزایش قیمت اقلام خوراکی به حدی است که موجب تعطیلی شماری از مغازه‌ها شده است. یک فروشنده درمورد تعطیلی سوپرمارکتش می‌گوید:

خیلی تلاش کردم مغازه را نگاه دارم، ولی نشد. بعضی از کالاها آن‌قدر مشتری کمی داشتند که فاسد می‌شدند! برخی چیزها واقعاً الان برای مردم لوکس شده‌اند، ترجیح

می‌دهند پولشان را صرف کالاهای اساسی‌تر بکنند. مثلاً این اواخر فروش اقلامی مثل چیپس، پفک، شکلات، بیسکویت، تخمه و... به حداقل رسیده بوده. راستش نمی‌توانستم کرایه مغازه را تامین کنم. برای همین مجبور شدم کلا تعطیل کنم و الان کارگری ساختمان می‌کنم.

براساس گزارش مرکز آمار ایران، تورم نقطه‌ای فروردین ماه سال جاری در گروه هتل و رستوران‌ها با رقم افزایشی ۸۵/۶ درصد، بالاترین نرخ تورم را به خود اختصاص داده است. تورم نقطه‌ای این گروه در حالی بیش‌ترین نرخ را به خود اختصاص داده که هر ساله روندی صعودی را تجربه می‌کند. در همین رابطه، بررسی‌های مرکز آمار در بهمن ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که شاخص قیمت مصرف‌کننده در این گروه ۷۹۱/۵ بوده و تورم نقطه‌ای آن به حدود ۷۹ درصد رسیده است. این افزایش در شاخص قیمت یک سال منتهی به نیمه زمستان ۱۴۰۱ در حالی است که تورم نقطه‌ای گروه هتل و رستوران در بهمن سال ۱۳۹۶ تنها به ۶/۸ درصد رسیده است، و همچنین شاخص قیمت در آن مقطع برابر با ۱۰۹/۱ بوده است. به عبارتی در این گروه با افزایش ۶۲۵ درصدی در بازه زمانی پنج ساله (۱۳۹۶-۱۴۰۱) روبه‌رو بوده‌ایم.

یکی از رستوران‌دارها در همین زمینه می‌گوید:

افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید مردم، تاثیر مستقیمی در شغل ما دارد. رفتن به رستوران دیگر یک عمل کاملاً لوکس شده. مثلاً یک کارگر با حقوق حداکثر ۱۰ میلیون تومانی، اگر همراه خانواده چهار نفره، یک وعده به رستوران بیاید، حداقل باید ۲۰ درصد از حقوق یک ماه‌اش را خرج کند. خب معلوم است برایش صرف نمی‌کند. خیلی وقت‌ها سفارش‌های نیم‌پرسی داریم. همین‌ها باعث شده دیگر نتوانیم مثل گذشته رستوران را بچرخانیم. تعطیلی رستوران من مساوی‌ست با بیکاری مستقیم ۱۷ نفر. حالا غیرمستقیم‌هاش هم بماند که ما از آن‌ها خرید می‌کنیم یا کار باربری و غیره را انجام می‌دهند. حتی این وضعیت از دوران کرونا هم بدتر است. در آن دوره اگرچه مشتری کمی داشتیم و خیلی روزها تعطیل بودیم، ولی سرویس بیرون‌برمان فعال بود و مشتری‌های ثابتی داشتیم. اما بحران اقتصادی وضعیت را وخیم‌تر کرده است. با این حساب دشوار بتوان دوام آورد.

با وجود وعده‌های مسئولان جمهوری اسلامی و هشدار کارشناسان در زمینه مهار تورم و کاهش قدرت خرید مردم، مقامات مسئول تاکنون برنامه مشخصی در جهت مهار بحران اقتصادی کشور ارائه نداده‌اند. در همین رابطه غلامرضا نوری قزلجه، نماینده بستان‌آباد بهمن سال گذشته در گفت‌وگو با رویداد ۲۴ گفته بود:

دولت تاکنون هیچ برنامه مشخص و روشنی به مجلس ارائه نداده است و متأسفانه حتی همان شعارها و وعده وعیدها و برنامه‌هایی که شفاهی در حوزه‌های مختلف گفته بود را هم انجام نداده و در هیچ‌کدام از بخش‌ها، هدف‌گذاری به وعده‌ها، محقق نشده.

وی هم‌چنین در مورد معیشت مردم در سال ۱۴۰۲ و بودجه پیشنهادی دولت گفته بود: بودجه امسال، وضعیت اسفباری دارد و یک بودجه تورم‌زا است که رکود را رقم خواهد زد و عملاً هیچ‌کدام از شاخص‌ها را بهبود نخواهد بخشید و وضع گذشته را ادامه خواهد داد. سال ۱۴۰۲، معیشت مردم سخت‌تر خواهد شد و این موضوع از لایحه بودجه‌ای که دولت به مجلس آورده کاملاً مشخص است.

در کنار افزایش تورم در گروه‌های خوراکی و رستوران‌ها، با افزایش شاخص تورم در مابقی گروه‌ها نیز روبرو هستیم. اگرچه بانک مرکزی، دیگر نهاد متولی ارائه آمارهای اقتصادی، تا زمان تنظیم این گزارش، آمار از تورم در سال ۱۴۰۲ منتشر نکرده است، اما پیش از انتشار گزارش تکمیلی تورم توسط مرکز آمار ایران، خبرگزاری اکوایران به نقل از یک منبع ناشناس در بانک مرکزی مدعی شده بود که تورم نقطه به نقطه در فروردین سال جاری به ۶۸/۷ درصد رسیده که بالاترین رقم در سه دهه گذشته است. خبرگزاری اکوایران در این گزارش آورده: است

صرف‌نظر از این که رقم تورم چه باشد، به هر حال چه کانال ۶۸ درصدی تورم در بانک مرکزی عدد صحیح باشد، چه ۵۵ درصدی مرکز آمار، باز هم بیش‌ترین میزان تورم در ۱۰ سال اخیر رخ داده است.

بانک مرکزی در آخرین گزارش خود (اسفند ۱۴۰۱) تورم سالانه را ۴۶/۵ درصد تخمین زده بود. براساس این گزارش در پایان سال گذشته، خدمات مربوط به رستوران‌ها و هتل با تورم ۸۰ درصدی، کالاهای خوراکی و آشامیدنی تورم سالانه ۵۴/۶ درصدی، و مسکن، آب، برق و گاز و سایر سوخت‌ها نیز رشد قیمت سالانه ۴۸/۳ درصدی را تجربه کرده‌اند.

در رتبه‌های بعدی به ترتیب: پوشاک و کفش ۴۵/۹ درصد، بهداشت و درمان ۴۱/۹ درصد، کالاها و خدمات متفرقه ۳۸/۳ درصد، تفریح و امور فرهنگی ۳۷/۸ درصد، خدمات مربوط به تحصیل ۳۵/۱ درصد، لوازم خانگی ۳۳/۳ درصد، حمل‌ونقل ۳۳/۳ درصد، دخانیات ۲۸/۸ درصد و ارتباطات با ۱۹/۳ درصد قرار دارند.

در همین رابطه یکی از کارگران تعدیل شده از شهربازی می‌گوید: تابستان پارسال، من را همراه با چند نفر دیگر تعدیل کردند. راستش مشتری نداشتیم، یعنی خیلی خیلی کم بود. سال‌های گذشته آن‌قدر مشتری داشتیم که وسایل شهربازی به همه نمی‌رسید. الان کسی به این‌جور جاها نمی‌رود. شهربازی و رستوران و سفر و... جزو خدمات لوکس شده‌اند، خیلی‌ها در توانشان نیست. آدم بتواند شکم زن و بچه‌اش را سیر کند باید روزی هزار مرتبه خدا را شکر کند.

اگرچه در دوران همه‌گیری ویروس کرونا بسیاری از مشاغل خدماتی رفاهی با مشکلات عدیده‌ای مواجه بودند چنان‌که حتی منجر به تعطیلی دائمی برخی از آن‌ها شد، اما در یک سال گذشته با افزایش قیمت کالا و خدمات، برخی از شغل‌های اساسی مرتبط با کالاهای ضروری چون خوراک و پوشاک نیز از رونق افتاده‌اند. آمار دقیقی از تعطیلی این مشاغل در دست نیست، اما مشاهدات نشان می‌دهد به دلیل کاهش قدرت خرید مردم و کمبود مشتری، برخی از کسبه‌ها ناچار به تعطیلی دائمی و یا تغییر شغل خود شده‌اند.

در همین رابطه، علی اصغر میرابراهیمی، رییس اتحادیه رستوران‌دارهای تهران، در گفت‌وگو با خبرگزاری تجارت‌نیوز از تعطیلی ۳۰ الی ۳۵ درصد رستوران‌های تهران خبر داده است. هم‌چنین دولت ابراهیم رئیسی با حذف ارز ترجیحی در اردیبهشت سال گذشته اعلام کرده بود تنها چهار قلم کالا افزایش قیمت خواهند داشت، اما در عمل حدود ۴۰۰۰ کالا افزایش قیمت را روزبه‌روز تجربه می‌کنند.

چرخه بی‌پایان

اقتصاد در سال‌های اخیر از محورهای اصلی مشکلات و اعتراضات مردم به ویژه کارگران و بازنشستگان بوده است. «گلایه» رهبر جمهوری اسلامی از دولت‌ها، گلایه

دولت‌ها از بخش خصوصی و مردم و در نهایت گلابه اقتصاددانان از حکمرانی و هشدار نسبت به تبعات گسترش روزافزون فقر و فلاکت اقتصادی، همچنان ادامه دارد. خبرگزاری تسنیم وابسته به نهادهای امنیتی حکومت، برای تبیین دستور علی خامنه‌ای مبنی بر «مهار تورم و رونق تولید» به سراغ وحید شقاقی شهری اقتصاددان رفته بود که وی در پاسخ به سؤالات تسنیم هشدارهای خود را نیز داده است. این اقتصاددان گفته است: «اگر ریشه تورم خشکانده نشود با کوچک‌ترین سیگنالی تورم تشدید می‌شود. مهار تورم و انجام این جراحی نیز کار سختی است.»

شقاقی شهری با رد ادعاهای دولتی‌ها مبنی بر خنثی شدن تاثیرات اقدامات اقتصادی بواسطه تحریم تاکید کرده است: «تورم دورقمی که حدود ۴۵ سال ایران درگیر آن است، فشار سنگینی به مردم وارد کرده و بالاخص در ۵ سال گذشته به دلایل مختلف از جمله تحریم، شرایط بدتر شده است. البته در بحث تورم صرفاً مسئله تحریم‌ها نیست که اگر بود، تورم در طول ۵ دهه گذشته ماندگار نمی‌شد.»

وبسایت «رادار اقتصاد» نیز در یک نظرسنجی از ۵۰ اقتصاددان در مورد وضعیت نرخ ارز در سال جدید پرسیده که ۸۴ درصد از اقتصاددانان گفته‌اند که انتظار کاهش قیمت دلار را ندارند.

۴۲ درصد از اقتصاددانان نیز معتقدند که رشد شتابان دلار همچنان ادامه دارد و در سال ۱۴۰۲ دلار ارقام بالای ۷۰ هزار تومان را خواهد دید. گزینه انتخابی این دسته این است که «تداوم و تشدید تحریم‌ها، بدتر شدن شرایط بانک‌ها و تشدید کسری بودجه و چاپ پول جهش بزرگ دیگری را رقم زده و نرخ دلار ارقام بالاتر از ۷۰ هزار تومان را تجربه خواهد کرد.» روندی که خروجی آن شتاب تورم و گسترش بیش‌تر فقر خواهد بود.

رفتاری که این اقتصاددانان برشمرده‌اند در نهایت توزیع گسترده فقر را منجر شده است و «رییس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری»، روز ۱۳ فروردین ۱۴۰۲ در همین رابطه به «ایلنا» گفت: «طبقه کارگر و بازنشسته، امروز درگیر فقر مطلق هستند. ظرف یک سال و نیم گذشته فقر مطلق از ۲۷ درصد به ۳۷ درصد رسیده است و این نتیجه سیاست‌های دولت در افزایش حقوق است که سبب فقیرتر شدن کارگر شده است.»

اقتصاددانان و موسسات بین‌المللی نیز تصویر مبهمی از آینده اقتصاد ایران ارائه می‌دهند به طوری که نشریه «اکنونیست» نهم فروردین ماه با انتشار یک نمودار نوشت: «اقتصاد

ایران در وضعیت اسفباری قرار دارد. در فوریه، ریال، واحد پول رسمی ایران، به پایین‌ترین سطح تاریخ خود ۵۸۰ هزار ریال در برابر یک دلار سقوط کرد. پول ملی ایران ۵۵ درصد ضعیف‌تر از یک سال قبل شد و ۹۴ درصد کاهش در طول یک دهه را تجربه کرد.

رویکرد اسلامی در اقتصاد و وضعیت نامناسب اقتصادی مردم، حتی گالیه‌های برخی از مراجع تقلید را نیز به‌دنبال داشته است.

حکمرانی اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران به قدری مشکلات ریشه‌ای و بنیادین دارد که اقتصاددانان رفع تحریم‌ها را نیز دارای تاثیر به‌سزایی نمی‌دانند. کامران ندری اقتصاددان در همین رابطه گفته است: «لغو تحریم‌ها به معنای افزایش نرخ تورم البته با شدت کم‌تری نسبت به قبل است. چرا که ساختارهای غلط و بنیان‌های خانمان‌برانداز اقتصادی در اقتصاد ایران هم‌چنان پابرجاست و برای آن چاره‌ای اندیشیده نشده است.» مرور شرایط اقتصادی کشور و معیشت مردم در کنار اظهارنظرهای تخصصی و فنی در حوزه اقتصاد نشان‌دهنده این مهم است که اقتصاد در حال وارد شدن به مرحله‌ای است که هر اقدامی با ضرب‌المثل «نوشدارو پس از مرگ سهراب» پاسخ داده خواهد شد و به باور کارشناسان اقتصادی چون مسعود دانشمند عضو اتاق بازرگانی ایران «اقتصاد کشور تا فروپاشی، ورشکستگی و ونزوئلایی شدن» فاصله چندانی ندارد.

امپراطوری رسانه‌ای اتاق بازرگانی

سایت «خبر فوری» از زیر مجموعه‌های امپراطوری خبری- رسانه‌ای اتاق بازرگانی جمهوری اسلامی ایران است که به ۳ زبان انگلیسی، عربی و فارسی خبرهای کوتاه و فوری را منتشر می‌کند.

اخیرا خبرگزاری ایسنا، در یک گزارش تبلیغاتی به سود «خبر فوری» اطلاعات جالبی را در باره آن منتشر کرده و در پایان گزارش خود نیز به‌صورت تبلیغاتی راه‌های تماس خبری با «خبرفوری» را اعلام کرده است.

ایسنا می‌نویسد: خبر فوری گواهینامه‌های استانداردهای مدیریتی (ISO) و ثبت چندین مجوز موسسه فرهنگی چندمنظوره و تک‌منظوره و هم‌چنین اخذ ۴ مجوز موسسه نشر

دیجیتال به دنبال تثبیت فضای کاری و ارتقا کمی و کیفی فعالیت‌های خود در بخش‌های مختلف است.

شرکت تبلیغاتی رسانه‌ای باران

موسسه رسام

شرکت باماتاپ

شرکت ادساین

شرکت فراتبلیغ

موسسه سایه روشن نما

موسسه خدمات روابط عمومی «افراتک»

موسسه فناوری فرادیتا

فلاتر

سایت‌های خبری جایگاه ویژه، سایت خبرفردا، سایت پیشگام، سایت تیترتجارت، سایت موسیقا و سایت مشهدفوری همگی از رسانه‌های زیر مجموعه خبر فوری هستند که در مجموع یک امپراطوری رسانه‌ای - مالی را تشکیل داده‌اند.

مدیر مسئول خبرفوری دکتر مصطفی انتظاری هروی است. ابراهیم طوسی نیز به‌عنوان صاحب امتیاز آن مسئولیت مدیریت کلان هلدینگ و توسعه این رسانه‌ها را بر عهده دارد.

پیش‌بینی «سال سخت» اقتصادی ایران در گزارش‌های محرمانه جمهوری اسلامی چند سند «خیلی محرمانه» و «محرمانه» نهادهای امنیتی و اطلاع‌رسانی جمهوری اسلامی که روز هشتم خرداد ۱۴۰۲ توسط هکرهای سازمان مجاهدین خلق ایران فاش شدند، از چشم‌انداز «سال سخت» اقتصادی در ۱۴۰۲ خبر می‌دهند که «نظام» باید «خود را برای آن آماده کند».

این اسناد در جریان هک سایت ریاست‌جمهوری ایران به‌دست آمده که یک گروه مخالف جمهوری اسلامی به نام «قیام تا سرنگونی» مسئولیت آن را بر عهده گرفته است. این گروه در روزهای اخیر اسناد مختلفی را که در این هک به‌دست آورده در کانال تلگرامی خود فاش کرده است.

یکی از این اسناد، گزارش محرمانه‌ای است که «ستاد اطلاع‌رسانی و تبلیغات اقتصادی کشور» برای مقامات، از جمله دفتر رهبر جمهوری اسلامی، درباره «مدیریت مصرف سوخت» فرستاده است، و نتیجه‌گیری کرده که «شرایط فعلی قابل تداوم نیست»، «ذخایر بنزین ایران کفاف پنج روز می‌دهد» و ۱۴۰۲ «سال سختی» است که «باید برای آن آماده شویم.»

گزارش دوم با مهر «خیلی محرمانه»، ارسالی از سوی «معاونت اطلاعات و امنیت اقتصادی و مبارزه با فساد» وزارت اطلاعات به دفتر ریاست‌جمهوری، نشان می‌دهد که معادل سه میلیارد و ۶۲۵ میلیون یورو در ۱۰ بانک ایران «رسوب» کرده است. عمده ارز ورودی به این بانک‌ها هم به صورت «یوان»، پول ملی چین، است که متقاضی کم‌تری دارد.

گروه هکری «قیام تا سرنگونی» در روزهای اخیر سندی منتشر کرده که گزارش «مصوبات چهارمین جلسه ستاد اطلاع‌رسانی و تبلیغات اقتصادی کشور» است، که سوم اسفند ۱۴۰۱ برگزار شد و مهر «محرمانه» دارد.

این گزارش را سپهر خلجی، رییس این ستاد، برای مقامات ارشد از جمله دفتر رهبر جمهوری اسلامی تهیه و ارسال کرده است.

محور این جلسه «بررسی طرح مدیریت مصرف سوخت» بوده است و در آن نمایندگان وزارت صمت، صداوسیما، وزارت اطلاعات، وزارت امور اقتصادی و دارایی، قوه قضاییه، وزارت نفت، بانک مرکزی، وزارت کشور و پلیس امنیت اقتصادی حضور داشته‌اند.

نماینده وزارت اطلاعات در اظهارات خود، از پیش‌تاز بودن رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور در اطلاع‌رسانی شکایت کرده و گفته است: «در حوزه اطلاع‌رسانی در مورد موضوعات مختلف، مهم این است که چه کسی روایت اول را ارائه می‌کند. متأسفانه اکنون در شرایطی قرار داریم که در موضوعات مختلف، روایت اول در رسانه‌های معاند شکل می‌گیرد که ناشی از ضعف اطلاع‌رسانی در داخل کشور است.»

مهم‌ترین بخش این سند به دو گزارشی برمی‌گردد که معاون وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی در این جلسه ارائه می‌کند، که حاکی از کسری شدید بنزین در کشور و کاهش چشمگیر ذخایر استراتژیک آن است.

به گفته او، مصرف روزانه بنزین کشور از ۸۲ میلیون لیتر در دوران قبل از شیوع کرونا به ۱۰۴ میلیون لیتر افزایش یافته که این مسئله منجر به «کاهش شدید» ذخایر استراتژیک بنزین و «کاهش تاب‌آوری به پنج روز» شده است.

سند رسمی وزارت نفت ایران نشان می‌داد مصرف بنزین کشور از اوایل تابستان ۱۴۰۱ از تولید آن پیشی گرفته و تا دی ماه همان سال ۴۴۰ میلیون لیتر از ذخایر استراتژیک بنزین کشور وارد بازار شده که معادل یک‌سوم از ذخایر استراتژیک بنزین کشور است. همان زمان، حجم ذخایر استراتژیک بنزین ایران برای دو هفته کافی بود، اما گزارش معاون وزیر نفت نشان می‌دهد که در بهمن و اسفند روند استفاده از ذخایر استراتژیک بنزین برای جبران کسری آن شتاب گرفته است.

معاون وزیر نفت با اشاره با «غیرقابل دوام بودن این وضعیت» گفته است پارسال حتی پالایشگاه‌های کشور برای تعمیرات تعطیل نشد تا با ظرفیت کامل کار کنند و امسال وضعیت «سخت‌تری» در پیش خواهد بود.

نماینده «پلیس امنیت اقتصادی» نیروی انتظامی در این جلسه، علت رشد چشمگیر مصرف بنزین را مربوط به «مصرف نامتعارف خودروهای داخلی» دانسته و تصریح کرده است قاچاق سوخت نقش چندانی در افزایش مصرف بنزین ندارد.

به گفته او، بنابراین ایجاد هرگونه محدودیت در کارت‌های سوخت مردم یا جایگاهداران اقدام موثری نخواهد بود و برای حل مسئله باید ظرفیت تولید بنزین در کشور افزایش یابد.

قائم مقام وزیر صنعت هم در جلسه ستاد اقتصادی پیشنهاد کرده که بنزین «سه‌میه‌بندی» شود و تجربه دولت حسن روحانی در این زمینه را «موفق» خوانده است. او تاکید کرده که «شرایط فعلی قابل تداوم نیست» و «لازم است دولت با ایجاد اجماع در حاکمیت برای سال آینده برنامه‌ریزی کند.»

فروردین امسال خبرگزاری رویترز از واردات ۳۰ هزار تن بنزین و گازوئیل روسی به ایران خبر داد و احمد معروف‌خانی رییس اتحادیه صادرکنندگان نفت ایران نیز اعلام کرد هر تن محصولات نفتی روسیه را ۱۵۰ دلار گران‌تر از قیمت‌های جهانی وارد می‌کنیم.

به گفته آقای معروف‌خانی، روند واردات بنزین به کشور از شش ماه پیش دنبال می‌شد و علاوه بر روسیه، ترکمنستان و ازبکستان نیز در ورود این محصول به ایران نقش داشتند.

معاون وزیر نفت ایران در بخش دیگری از گزارش خود به «ستاد اطلاع‌رسانی و تبلیغات اقتصادی کشور»، از اوج‌گرفتن مصرف گازوئیل و مازوت‌سوزی در نیروگاه‌های برقی کشور خبر داده و گفته است: به خاطر کسری گاز کشور، مصرف سوخت‌های مایع آلاینده در نیروگاه‌ها از هفت میلیارد لیتر در سال ۱۳۹۸ به ۱۶ میلیارد لیتر در سال ۱۴۰۰ رسیده و پارسال به ۲۰ میلیارد لیتر اوج گرفته است.

این آمار از آن رو اهمیت دارد که وزارت نیرو از سه سال پیش و هم‌زمان با اوج‌گیری مازوت‌سوزی در نیروگاه‌ها، انتشار میزان مصرف انواع سوخت نیروگاه‌های برقی را متوقف کرده است.

در گزارش‌های وزارت نیرو، هم‌چنین ادعا می‌شود که راندمان نیروگاه‌های کشور ۳۹ درصد است، اما معاون وزیر این رقم را «۳۰ درصد و پایین‌تر» عنوان کرده و گفته است ناترازی انرژی کشور در سال جاری «یک مسئله جدی است». راندمان ۳۰ درصدی نیروگاه‌های برقی کشور در حالی است که این رقم در نیروگاه‌های مدرن جهان بالای ۵۰ درصد است.

ایران طی دو دهه گذشته تبدیل نیروگاه‌های کهنه بخاری و گازی به نوع «چرخه ترکیبی» برای افزایش راندمان آن‌ها به ۴۵ درصدی را هدف‌گذاری کرده بود، اما آمارهای وزارت نیرو نشان می‌دهد که نه تنها توفیقی در این زمینه نداشته، بلکه حتی نیروگاه‌های جدیدی که در کشور راه‌اندازی می‌شود، عمدتاً بخاری و گازی با راندمان بسیار پایین هستند.

«سال سخت برای مردم»

نماینده وزارت اطلاعات در جلسه «ستاد اطلاع‌رسانی و تبلیغات اقتصادی کشور» تصریح کرده که ۱۴۰۲ «سال سختی» خواهد بود که «از هم‌اکنون باید برای آن آماده شویم».

او اشاره کرده که در حال حاضر در چهار حوزه «اقدامات مهمی» در حال پیاده‌سازی است که شامل طرح‌های «هوشمندسازی یارانه آرد و نان»، «کالابریگ الکترونیکی»، «بنزین» و «مدیریت بازار ارز» است.

نماینده وزارت اطلاعات در بخش دیگری از اظهارات خود، از پیش‌تاز بودن رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور در اطلاع‌رسانی شکایت کرده و گفته است: «در حوزه اطلاع‌رسانی در مورد موضوعات مختلف، مهم این است که چه کسی روایت اول را ارائه می‌کند. متأسفانه اکنون در شرایطی قرار داریم که در موضوعات مختلف، روایت اول در رسانه‌های معاند شکل می‌گیرد که ناشی از ضعف اطلاع‌رسانی در داخل کشور است.» این ابراز نارضایتی در حالی است که رسانه‌های داخل ایران با موج سرکوب نهادهای امنیتی و اطلاعاتی روبه‌رو بوده و ایران یکی از بدترین کشورهای جهان در زمینه زندان روزنامه‌نگاران است.

فصل سوم

شاخص فلاکت در ایران

ایران با شاخص فلاکت ۹۲/۱ در رتبه هشتم کشورهای دارای شاخص فلاکت در سال ۲۰۲۰ قرار دارد. بر اساس اعلام «پایگاه اطلاعاتی استاتیستا» یکی از ابزارهای مهم برای مقایسه توسعه در کشورهای جهان، شاخص توسعه انسانی است که معیارهایی مثل امید به زندگی و درآمد ناخالص ملی را در نظر می‌گیرد چراکه شرایط اقتصادی بر امید به زندگی تاثیر می‌گذارد. با در نظر گرفتن این موارد یافته‌های شرکت تحقیقاتی استاتیستا حکایت از آن دارد که در سال ۲۰۲۰ میلادی ایران با ۹۲/۱ در رتبه هشتم شاخص فلاکت در جهان قرار داشت.

ونزوئلا رتبه اول بدبخت‌ترین کشورهای دنیا را به خود اختصاص داد و کشورهای زیمبابوه، سودان، لبنان، سورینام، لیبی و آرژانتین در رتبه‌های دوم تا هفتم قرار دارند و ایران نیز در رتبه هشتم قرار گرفته است.

شاخص فلاکت، یک مفهوم و نشانه اقتصادی است که آرتور آکان، اقتصاددان بریتانیایی، آن را با افزودن نرخ بیکاری به نرخ تورم، تعریف کرد به این معنی که تورم و بیکاری فزاینده یک کشور را با خسارت‌های اجتماعی و اقتصادی روبه‌رو کرده و شاخص فلاکت را در آن بالا می‌برد.

استیو هانکه، استاد اقتصاد دانشگاه جانز هاپکینز، در گفت‌وگو با ایسنا دلیل اصلی بالا بودن شاخص فلاکت اقتصادی در ایران را تورم دانسته و کاهش ارزش ریال را نیز به‌عنوان مهم‌ترین عامل بالا بودن تورم نام برده است. به‌گفته او «میزان رضایت مردم یک کشور از وضعیت اقتصادی زمانی به اوج می‌رسد که شاهد یک رشد اقتصادی قوی، نرخ بیکاری و تورم پایین و نرخ بهره کم بانکی باشیم.»

استیو هانکه با بیان این‌که ایران در میان ۱۵۶ کشور جهان در رتبه هشتم شاخص فلاکت قرار دارد، گفت: «تورم بالا اصلی‌ترین دلیل بالا بودن شاخص فلاکت اقتصادی در ایران و کاهش ارزش ریال، مهم‌ترین عامل بالا بودن تورم است. از ابتدای سال

۲۰۲۲ تاکنون ارزش ریال مقابل دلار ۴۴ درصد کاهش یافته و نرخ تورم سالانه ایران نیز در حال حاضر ۴۰ درصد است.»

همچنین گزارش روزنامه همشهری در اردیبهشت سال ۱۴۰۰، نیز نشان می‌دهد دو استان مرزی کرمانشاه و کردستان در پایان سال ۱۳۹۹ از لحاظ شاخص فلاکت صدرنشین بودند و جمع نرخ تورم و نرخ بیکاری این دو استان در غرب کشور به بالای ۵۸ درصد رسید. پس از آن استان‌های هرمزگان، چهارمحال و بختیاری، خراسان شمالی و لرستان به ترتیب بالاترین رتبه را کسب کرده و شاخص فلاکت آن‌ها بالای ۵۰ درصد روایت شده است. همچنین سیستان و بلوچستان، گلستان، کرمان، ایلام، همدان، آذربایجان غربی، یزد و خوزستان در سال ۱۳۹۹ با شاخص فلاکت بالاتر از میانگین کل کشور مواجه بوده‌اند.

در نگاه کلی، معیار اصلی سنجش شاخص فلاکت فقر و محرومیت است. در سال‌های اخیر افزایش نابرابری‌های اجتماعی، کوچک شدن سفره مردم، بیکاری، تورم، فقر فزاینده، بحران کرونا و تحریم‌های بین‌المللی از جمله عواملی هستند که بخش زیادی از جمعیت کشور را از داشتن حداقل‌های یک زندگی همراه با آرامش و رفاه ربوده و بسیاری از آن‌ها را به زیر خط فقر کشانده است. پاییز سال ۱۳۹۹، مدیرکل دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس ایران اعلام کرد ۳۵ درصد جمعیت کشور زیر خط فقر هستند اما احمد توکلی، نماینده پیشین مجلس و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام این فروردین سال ۱۴۰۰ از قرار داشتن ۶۰ درصد جمعیت ایران زیر خط «فقر فرضی» خبر داد و گفت: «گرسنگی و فقر در ایران معنادار» شده است.

به این ترتیب فقر مطلق در ایران، به گواهی آمار و ارقامی که منتشر می‌شود به مرز هشدار رسیده است. اگرچه آماري که مسئولان و برخی پژوهشگران از جمعیت افراد فقیر و خط فقر در جامعه ارائه می‌دهند با هم فرق دارد اما حتی استناد به آماري که مسئولان منتشر می‌کنند حکایت از آن دارد که فقر و تنگناهای اقتصادی در ایران، بیداد می‌کند. کافی است به برخی آمارهایی که در یک سال اخیر درباره جمعیت فقیر در کشور و خط فقر مطلق منتشر شده نگاهی بیاندازیم.

پیامدهای فقر

خانواده‌ای که به فقر دچار می‌شود نه تنها در تامین امکانات رفاهی و آموزشی فرزندان خود ناتوان است که در تهیه خوراک و پوشاک مناسب هم برای آن‌ها با چالش مواجه می‌شود اما فقر به غیر از گرسنگی پیامدهای دیگری هم دارد که از آن جمله می‌توان به بیماری، بی‌سوادی، افزایش بزه کاری، اعتیاد، کار اجباری کودکان و ازدواج زودهنگام دختران اشاره کرد. در سال‌های اخیر بسیاری از خانواده‌ها به دلیل ناتوانی در تامین هزینه‌های زندگی کودکان خود آن‌ها را از ادامه تحصیل منع کرده و به بازار کار فرستادند، همچنین دختران زیادی در سن کودکی به خانه شوهر فرستاده شدند تا یک نان‌خور اضافه از سفره پدر کم شود.

چالش‌های خروج از فقر

فقیر بودن یک مسئله مخاطره‌آمیز است اما شاید خطرناک‌تر از آن افتادن افراد زیادی از جمعیت یک جامعه در «تله فقر» باشد. تله‌ای که خروج از آن به راحتی امکان‌پذیر نیست. چون فقر پیامدهایی مثل بی‌سوادی، تبعیض، کاهش کیفیت زندگی، سوءتغذیه و بیماری را به همراه دارد؛ بنابراین حتی اگر یک فرد که در چرخه فقر گرفتار شده امکان بازیابی خود را پیدا کند خروج از چرخه فقر به راحتی برای او امکان‌پذیر نیست. برای نمونه فردی که در نتیجه فقر، بیمار شده و امکان پیگیری روند درمان خود را در زمان مناسب نداشته، احتمال دارد که دیگر نتواند هیچ‌وقت از پیامدهای فقر نجات پیدا کند، حتی اگر دیگر فقیر نباشد اما مسئله این است که شرایط امروز ایران حتی مجالی برای افراد ایجاد نمی‌کند که از فقر خارج شوند تا بخواهند پس از آن به خروج از تله فقر بیایند.

در دسترس نبودن امکانات آموزشی برای افراد فقیر نیز نکته مهم دیگری است. هم‌اکنون در بسیاری از نقاط محروم و حاشیه کشور، امکانات آموزشی برای کودکان وجود ندارد و آن‌ها مجبور به ترک تحصیل می‌شوند. به گزارش فرارو از طرف دیگر دسترسی به آموزش دانشگاهی مورد توجه است که آن هم به دلیل پولی بودن بسیاری از صندلی‌های دانشگاه فقط در اختیار اقشار خاصی قرار دارد بنابراین، کسی که در یک

خانواده فقیر به دنیا آمده و ناچار است برای امرار معاش به خانواده‌اش کمک کند، احتمالاً از دسترسی به تحصیلات تکمیلی هم باز می‌ماند و این یعنی احتمال خروج او از «چرخه فقر» و حتی خروج نسل بعدی او از این چرخه هم کاهش پیدا می‌کند. فقر، تمام فرصت‌های پیش روی یک جامعه را می‌بلعد و امکان توسعه را محدود می‌کند. گسترش فقر به معنای گسترش بیماری، کم شدن تحصیلات دانشگاهی، مهاجرت، گسترش اقتصاد غیر رسمی و افزایش فساد و جرم عمومی است و جامعه‌ای که روز به روز شهروندانش از طبقه متوسط به زیر خط فقر سقوط می‌کنند، در معرض مخاطراتی قرار دارد که بیرون آمدن از آن‌ها در کوتاه‌مدت ممکن نیست.

طی یک دهه اخیر ۱۱ میلیون نفر دیگر به جمعیت فقیر ایران افزوده شده‌اند. بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی که نهادی حکومتی است، نشان می‌دهد طی یک دهه اخیر ۱۱ میلیون نفر دیگر به جمعیت فقیر ایران افزوده شده‌اند. براساس گزارش این مرکز، خط فقر در سال‌های پایانی دهه ۹۰ نیز رشد صعودی داشت، اما این روند در سال ۱۴۰۱ شتاب فزاینده‌ای گرفت و رشد نزدیک به ۶۵ درصد را رقم زد، در حالی که نرخ خط فقر یک دهه پیش حدود ۳۰ درصد بود. خط فقر در شهریورماه ۱۴۰۰ نیز با رشدی ۵۰ درصدی مواجه شد و برای یک خانواده چهار نفری با هفت میلیون و ۵۰۰ هزار تومان به ثبت رسید؛ حال آن‌که یک سال قبل از آن، نرخ خط فقر برای همین خانواده چهار میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بود. به گزارش وبسایت اقتصادی اکو ایران، خط فقر به این معنا است که خانوارهایی که کم‌تر از رقم مشخص درآمد داشته باشند نگرانی‌هایی در مورد امنیت غذایی آن‌ها وجود دارد، اما به معنای آن نیست که با هزینه بالاتر زندگی در رفاه خواهد بود؛ بنابراین نرخ فقر آشکار می‌کند که چند درصد از یک جمعیت مشخص کم‌تر از خط فقر درآمد دارند. داده‌های آماری حاکی از آن است که سال ۱۴۰۰ دست‌کم ۲۶ میلیون نفر از جمعیت ایران زیر خط فقر بودند. همچنین نرخ فقر برای خانواده‌های روستایی بالغ‌بر ۳۵ درصد، خانواده‌های شهری نزدیک به ۲۹ درصد و در کل کشور بیش از ۳۰ درصد بود. مقایسه این آمار با سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که در مدت یک دهه، ۱۱ میلیون نفر دیگر از

جمعیت ایران به زیر خط فقر سقوط کردند. این آمار چنانچه گزارش مرکز آمار نیز نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۱ به شکل نگران‌کننده‌ای افزایش یافت. ابراهیم رئیسی در سال ۱۴۰۱ با وعده «جراحی اقتصادی» برای نجات دولت سیزدهم از کسری بودجه، خیز برداشت و با حذف ارز ترجیحی افزایش چندین برابری کالاها و خدمات را در کشور رقم زد. گزارش‌های آماری و داده‌های میدانی نشان می‌دهد نرخ برخی کالاها و خوراکی از تیرماه گذشته که حذف ارز ترجیحی آغاز شد تا پایان سال، بیش از ۲۰۰ برابر بیشتر شد.

۵۰ درصد مردم ایران زیر خط فقر مطلق زندگی می‌کنند

اکنون تحلیل‌های اقتصادی از شرایط موجود نشان می‌دهد که جمعیت فقیر ایران، فاصله بسیار محسوسی از خط فقر دارند. طبق مصوبه دولت ابراهیم رئیسی، حداقل دستمزد کارگران در سال جاری بین هفت تا هشت میلیون تومان است، در حالی که این رقم، نرخ خط فقر در دو سال گذشته بود.

نهادهای وابسته به حکومت، از جمله مرکز آمار و مرکز پژوهش‌های مجلس، همواره تلاش می‌کنند شاخص‌های فقر و فلاکت را با دست‌کاری و عددسازی پایین بیاورند تا نرخ تورم و فقر را کاهش نشان دهند با این حال، حتی این مراکز هم قادر نیستند حقایق مربوط به بحران اقتصادی را کنترل کنند.

به‌تازگی حسین راغفر، اقتصاددان، با پرده برداشتن از آمارهای وخیم اقتصادی گفت که نزدیک به ۵۰ درصد مردم ایران زیر خط فقر مطلق زندگی می‌کنند و از حداقل‌های زندگی محروم‌اند. او همچنین تاکید کرد: «اوضاع به‌مراتب بدتر و وخیم‌تر از آمار و ارقامی است که ارائه می‌شود.»

راغفر که در جریان حذف ارز ترجیحی کالاها هشدار داده بود این اقدام به افزایش بی‌سابقه تورم منجر می‌شود، در سخنان اخیرش نیز گفت: «قطعا می‌توان سهم رفاه در کشور را بدون درآمدهای نفتی هم افزایش داد، اما مسئله اصلی این است که این سیستم قادر به افزایش رفاه برای مردم کشور نیست.»

نتایج یک کار پژوهشی در موسسه دولتی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی نشان می‌دهد ایران در سالی که علی خامنه‌ای آن را «کنترل تورم و رشد تولید» نامیده است، در رتبه چهارم جهان از نظر تورم مواد غذایی قرار دارد.

اگر جمعیتی که در محرومیت کامل زندگی می‌کنند به شمار افرادی که طی سال‌های اخیر به زیرخط فقر سقوط کردند، افزوده شود، عددی از جمعیت فقیر ایران به دست می‌آید که حیرت‌آور و نگران‌کننده است.

خبرهایی که درباره کاهش سرانه مصرف انواع خوراکی‌ها، فروش اعضای بدن، کوچ اجاره‌نشین‌ها به حاشیه شهرها، خانه‌های اجاره‌ای اشتراکی و پشت‌بام خوابی منتشر می‌شود، از این حقیقت پرده برمی‌دارد که مردم ایران در طول چهار دهه حکمرانی جمهوری اسلامی ایران سرمایه‌های خود را از دست داده‌اند و اکنون برای تامین حداقل‌های زندگی با دردسر مواجه‌اند.

فصل چهارم

شاغلین و بیکاران

از جمعیت ۶۴ میلیون نفری در سن اشتغال تنها ۲۳ میلیون و ۴۳۰ نفر در زمستان ۱۴۰۱ شاغل بودند. بر این مبنا نرخ واقعی بیکاری بزرگ‌تر از ۶۳ درصد است. آخرین گزارش سرشماری نیروی کار ایران در فروردین ماه ۱۴۰۲ می‌گوید استان کردستان با ۲۰/۵ درصد بالاترین نرخ بیکاری را در زمستان ۱۴۰۱ داشته است و کرمانشاه با ۱۵/۱ درصد دومین استان به لحاظ درصد بیکاری است. نرخ واقعی بیکاری از آن‌چه که در گزارش مرکز آمار اعلام می‌شود، بزرگ‌تر است. این مرکز نرخ بیکاری کشور در زمستان سال قبل را ۹/۷ درصد اعلام کرد در حالی که از جمعیت ۶۴ میلیون و ۶۹ هزار نفری در سن اشتغال فقط ۲۳ میلیون و ۴۳۶ هزار نفر شاغل بودند.

بر پایه گزارش مرکز آمار در زمستان ۱۴۰۱ نزدیک به ۶۰ درصد (۳۸ میلیون و ۱۰۷ هزار نفر) به لحاظ مشارکت اقتصادی غیرفعال بودند و دو میلیون و ۵۲۶ نفر از ۲۵ میلیون و ۹۶۲ هزار نفر فعال هم بیکار.

البته این مرکز کارگران بدون مزد، دانش‌آموزان و دانشجویان، کاروان، سربازان نیروی انتظامی و هر فردی که در طول هفته تنها یک ساعت کار کرده باشد را شاغل محسوب می‌کند.

کاهش نرخ مشارکت اقتصادی در سال‌های اخیر زیر تاثیر رکود اقتصادی مستمر شده است، و با توجه به سرکوب مزدی کارگران از یک‌سو و افزایش هزینه تولید به دلیل بحران ارزی از سوی دیگر، انتظار می‌رود روند کاهش ادامه یابد.

از دیگر نکات قابل توجه گزارش مرکز آمار اشتغال ناقص ۴۴ درصد از جمعیت شاغلان در زمستان ۱۴۰۱ است. یکی از نتایج اشتغال ناقص درآمد کمتر است.

همانند دوره‌های پیشین نرخ بیکاری زنان نزدیک به دو برابر گروه مردان بود: ۱۵/۷ درصد زنانی که بر اساس تعریف مرکز آمار فعال اقتصادی محسوب می‌شوند، بیکار

بودند و ۸/۵ درصد مردان. نرخ بیکاری زنان نسبت به زمستان ۱۴۰۰ هشت دهم درصد بزرگ‌تر شد در حالی که در گروه مردان تنها یک دهم درصد افزایش یافت. نسبت جمعیت دارای شغل به جمعیت در سن اشتغال نشان می‌دهد در زمستان ۱۴۰۱ تنها ۳۶/۶ درصد از جمعیت در سن اشتغال بر اساس تعریف مرکز آمار دارای شغل بودند و ۶۳/۴ درصد بیکار.

نرخ مشارکت اقتصادی زنان هم‌هم‌چنان کم‌تر از ۱۵ درصد (۱۳/۳ درصد)، معادل یک پنجم مردان (۶۷/۸ درصد) بود.

در رده‌بندی استانی هم کردستان به عنوان یکی از کانون‌های اصلی اعتراضات به قتل ژینا (مهسا) امینی بود و دامنه اعتراضات در آن‌جا نسبت به دیگر مناطق گسترده‌تر، بیش‌ترین جمعیت بیکار را داشت. ۲۰/۵ درصد جمعیت فعال اقتصادی این استان در زمستان بیکار بودند که این رقم در مقایسه با زمستان ۱۴۰۰ افزایش حدود چهار درصدی را نشان می‌دهد.

تداوم اعتصاب‌های عمومی در کردستان که نسبت به دیگر مناطق گسترده بود و مجازات اعتصاب‌کنندگان از سوی حکومت می‌تواند یک عامل موثر در افزایش چهار درصدی نرخ بیکاری این استان باشد.

استان کرمانشاه، دیگر منطقه‌ای که کانون اعتراض بود هم با نرخ ۱۵/۱ درصد دومین استان بیکار بود. دامنه اعتراضات در برخی شهرهای کرمانشاه، از جمله جوانرود و کرمانشاه گسترده بود و سرکوب معترضان نیز خونین و مرگ‌بار. کرمانشاه در دهه ۹۰، همواره در شمار یکی از سه استان با بالاترین نرخ بیکاری قرار داشت.

چهارم‌حال و بختیاری (۱۳/۵)، لرستان (۱۲/۸)، همدان (۱۲/۳) و آذربایجان غربی (۱۲/۱) درصد در رتبه سوم تا ششم بالاترین نرخ بیکاری قرار گرفتند. چهارم‌حال بختیاری و لرستان از جمله استان‌هایی هستند که کسر زیادی از نیروی جویای کار آنها در پروژه‌های نفت و گاز جنوب مشغول به کار هستند.

توزیع جغرافیایی بیکاری بر اساس آمار رسمی بیانگر وضعیت نامساعد استان‌های غربی و محور زاگرس است که نتیجه سیاست‌های توسعه نامتوازن است.

خوزستان، اردبیل، سیستان و بلوچستان، گیلان، هرمزگان از دیگر استان‌هایی بودند که نرخ بیکاری دو رقمی داشتند. خوزستان در حالی در شمار استان‌های با نرخ بیکاری قرار

دارد که بیش‌ترین سهم را در تولید ناخالص ایران دارد. وضعیت در سیستان و بلوچستان که از هشتم مهر ۱۴۰۱ کانون اعتراض‌های هفتگی شد هم در همه سال‌های گذشته نامساعد گزارش شده و این استان محروم‌ترین منطقه ایران است. افزایش شمار بیکاران در پایان سال ۱۴۰۱ ناتوانی دولت ابراهیم رئیسی، عضو هیئت مرگ در کشتار زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ خورشیدی را نشان می‌دهد که وعده کرده بود سالانه یک میلیون شغل جدید ایجاد کند. کارنامه یک سال و نیم نخست این دولت اما تنها تغییر وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و تحمیل فقر بیش‌تر بر کارگران است. به باور فعالان کارگری، کارشناسان منتقد دولت و حتی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نرخ واقعی بیکاری از آن‌چه که در گزارش‌های رسمی بیان می‌شود، بزرگ‌تر است. نسبت نیروی دارای شغل با جمعیت در سن اشتغال هم این موضوع را تایید می‌کند: تنها ۳۶/۶ درصد از جمعیت در سن اشتغال بر اساس تعریف مرکز آمار در زمستان دارای شغل بودند و ۶۳/۴ درصد بیکار!

نابرابری جنسیتی در بازار کار

هم‌زمان با کاهش دنباله‌دار مشارکت اقتصادی که جمعیت فعال اقتصادی را به یکی از کم‌ترین نرخ‌های مشارکت در دهه‌های اخیر رسانده است، شکاف جنسیتی در بازار کار به روند فزاینده خود ادامه می‌دهد. در بهار امسال نرخ مشارکت اقتصادی زنان ۱۳/۷ درصد گزارش شد که یک پنجم نرخ مشارکت اقتصادی مردان (۶۹/۱ درصد) است. با وجود این‌که حضور زنان در بازار کار به دلیل سیاست‌های تبعیض‌آمیز و محدودیت‌های وضع شده از سوی حکومت در مقایسه با مردان اندک است، نرخ بیکاری این گروه بیش‌تر از دو برابر نرخ بیکاری مردان برآورد شده است. مرکز آمار نرخ بیکاری مردان را ۷/۵ درصد و نرخ بیکاری زنان را ۱۵/۶ درصد گزارش کرد.

«اشتغال خانگی» که یکی از سیاست‌های دولت برای بیرون راندن زنان از محیط کار جمعی و کارگاه‌ها است و هم‌چنین مشاغل فصلی که در دو فصل بهار و تابستان زنان کارگر را با دستمزد اندک جذب می‌کنند، می‌توانند دو عامل افزایش اندک شمار زنان شاغل در بهار امسال باشد. رفع محدودیت‌های وضع شده به منظور کنترل همه‌گیری

کرونا هم می‌تواند یکی دیگر از دلایل افزایش کم شمار زنان شاغل که بخش زیادی از آنان در بخش خدمات مشغول به کار هستند، باشد. در گروه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال که در گزارش رسمی به‌عنوان «نیروی کار جوان» شناخته می‌شود هم نرخ بیکاری زنان (۲۷/۸ درصد) بیش از دو برابر مردان (۱۲/۹ درصد) است. این وضعیت نابرابر و تبعیض‌آمیز در بیکاران دانش‌آموخته دانشگاهی نیز به چشم می‌خورد؛ در حالی که ۱۳/۲ درصد مردان دانش‌آموخته دانشگاهی در هفته منتهی به آمارگیری بیکار بودند، این شاخص برای زنان ۲۲/۳ درصد گزارش شد. سیاست‌های محدود کننده دولت در باره حجاب و پوشش زنان در محل کار و همچنین سیاست‌های جمعیتی که معطوف به خانه‌نشین کردن زنان است، می‌تواند در فصل‌های بعدی نرخ مشارکت اقتصادی زنان را از آن‌چه که هست کمتر کند و در برابر آن نرخ بیکاری آنان را افزایش دهد.

نابرابری جغرافیایی

فاصله نرخ مشارکت اقتصادی و بیکاری در میان استان‌های ایران به ترتیب به ۱۲/۱ درصد و ۱۰ درصد می‌رسد. کهگیلویه و بویراحمد ۳۵/۷ درصد کمترین نرخ مشارکت اقتصادی - به معنای جمعیت شاغل یا جویای کار در هفته آمارگیری - را دارد و پس از آن سیستان و بلوچستان (۳۶ درصد) قرار دارد. بیش‌ترین نرخ مشارکت اقتصادی هم به استان‌های زنجان (۴۷/۸ درصد) و یزد (۴۶/۸ درصد) تعلق دارد. فارس (۳۶/۹)، قم و مرکزی (۳۷/۱) و گلستان (۳۷/۲) از دیگر استان‌های با نرخ مشارکت پایین‌تر از ۴۰ درصد هستند.

نرخ بیکاری استان کرمانشاه ۱۵/۴ درصد اعلام شده است. پس از آن نیز هرمزگان (۱۵/۳)، خوزستان (۱۴/۱)، لرستان (۱۲/۸)، سیستان و بلوچستان (۱۲/۸) و اصفهان (۱۲/۳) قرار دارند. کردستان، چهارمحال و بختیاری و یزد هم سه استان دیگر با نرخ بیکاری بزرگ‌تر از ۱۰ درصد هستند.

کرمانشاه، سیستان و بلوچستان، لرستان، خوزستان و هرمزگان که نرخ بیکاری بزرگ‌تر از ۱۲ درصد را تجربه کردند از مناطق سکونت اقلیت‌های قومی- ملی و مذهبی در ایران به شمار می‌روند.

نرخ بیکاری در اصفهان به عنوان یکی از قطب‌های صنعتی ایران در مقایسه با بهار ۱۴۰۰ بیش از سه درصد افزایش یافته است. خوزستان هم به‌عنوان قطب انرژی و صنعت شاهد افزایش یک درصدی نرخ رسمی بیکاری بوده است. افزایش نرخ بیکاری در این دو استان می‌تواند نتیجه تامین نشدن حق‌آبه و ممنوعیت کشت کشاورزان باشد. کشاورزان در سال گذشته بارها در اعتراض به تامین نشدن حق‌آبه تجمع کردند. چندی قبل استاندار همدان نرخ بیکاری اعلام شده را «غیر واقعی» خوانده و گفته بود: «آمار اشتغال در همدان غیر واقعی است، نرخ بیکاری استان همدان بر روی کاغذ، جدول و نمودار در وضعیت خوبی قرار دارد اما در ارتباط مستقیم با مردم استان، موجی از بیکاری را شاهد هستیم.»

علیرضا ورناصری، نماینده مسجد سلیمان در مجلس شورای اسلامی هم هم‌زمان با سفر وزیر کشور به استان خوزستان، گفته بود که بیکاری ابر مشکل حوزه انتخاباتی او است.

بیکاری در میان زنان

این آمار وقتی بر اساس جنسیت در نظر گرفته شود گویای واقعیتی تلخ در بازار کار ایران است. نرخ مشارکت مردان حدود ۶۹ درصد و نرخ مشارکت زنان در سن کار حدود ۱۴ درصد است. به بیان دیگر ۸۶ درصد زنان ایرانی براساس تفسیر مرکز آمار ایران به دنبال کار نبوده‌اند و تنها ۱۴ درصد آن‌ها یا شاغلند و یا بیکار و به‌صورت فعال در جست‌وجوی کار.

براساس نتیجه تحقیقی که مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی انجام داده است، نرخ مشارکت زنان در ایران یکی از پایین‌ترین نرخ‌های مشارکت در مقایسه با سایر کشورهاست و تنها در شش کشور فلسطین (نوار غزه و کرانه باختری)، اردن، عراق، سوریه، الجزایر و افغانستان نرخ مشارکت زنان کمتر از ایران بوده است. این موضوع

باعث شده است که نرخ مشارکت کل در بازار کار ایران یکی از پایین‌ترین نرخ‌های مشارکت در جهان باشد.

شکاف میان دستمزد و هزینه‌ها

مشکلات جامعه کارگری به نبود امنیت شغلی و کارهای سخت محدود نمی‌شود؛ بزرگ‌ترین مسئله آن‌ها دریافت حقوق کم است؛ به طوری که درآمد آن‌ها با واقعیات روز جامعه فاصله‌ای زیاد دارد.

نمایندگانی جامعه کارگری هزینه سبد معیشت یک خانواده چهارنفری را بر اساس ۳۳ قلم کالای ضروری حدود ۱۰ میلیون تومان تخمین زده‌اند. این رقم را بانک مرکزی نیز برای خط فقر اعلام کرده و این در حالی است که حقوق کارگران در بهترین حالت هم‌چنان از هشت میلیون تومان فراتر نمی‌رود.

دستمزد کارگران را با هزینه‌های جاری زندگی، هیچ خوانایی ندارد. دستمزدها دست کم سه برابر زیر خط فقر است. به عبارت دیگر، کارگران با دستمزد فعلی فقط قدرت تهیه حدود ۳۰ درصد از نیازهای سبد معیشت خود را دارند.

تاکتیک‌های مرکز آمار جمهوری اسلامی برای کم نشان دادن آمار واقعی بیکاری مرکز آمار جمهوری اسلامی ایران با یک تاکتیک دو مرحله‌ای، آمار پایین بیکاری را پایین می‌برد: در محاسبه افراد شاغل محدودیتی ندارد اما در محاسبه افراد بیکار برعکس است و به شدت تنگ‌نظر و محدودگرایانه عمل می‌کند. یعنی هر که را دوست دارد شاغل به حساب می‌آورد و در مقابل برای این که کسی را بیکار بداند تا دل‌تان بخواد اما و اگر می‌گذارد و جمعیت را هر چه می‌تواند محدودتر می‌کند.

اگر به عنوان مثال، یک خانواده ۵ نفره، پدر خانواده با وجود داشتن مهارت فنی و یا تحصیلات دانشگاهی، کارگر ساده روزمزد باشد ولی به دنبال شغل بهتری هم بگردد؛ مادر خانواده با این که تحصیلات دارد ولی امیدی به یافتن کار نداشته باشد؛ سه فرزند خانواده هم دانشجوی، سرباز و یا فارغ‌التحصیل از دانشگاه باشد که روزها بدون دستمزد درب مغازه یکی از نزدیکان خود وقت می‌گذرانند براساس تعریف مرکز آمار ایران، نرخ

بیکاری در این خانواده صفر است. این نرخ صفر بیکاری به معنای اشتغال ۱۰۰ درصدی همه اعضای خانواده نیست، بلکه شعبده و بازی با روش‌های آمارگیری است تا بیکاری ۸۰ درصدی در این خانواده، صفر اعلام شود.

برای درک شعبده‌ای که در نتیجه آن این آمارها به دست می‌آیند باید به مفاهیم پایه‌ای توجه کرد. براساس روش آمارگیری مرکز آمار ایران، تمام افرادی که در طول هفته مرجع (یک هفته قبل از نمونه‌گیری آماری)، حداقل یک ساعت کار کرده و یا بنا به دلایلی به‌طور موقت کار را ترک کرده باشند، شاغل محسوب می‌شوند.

به بیان دیگر اگر شما در هفته گذشته به مدت یک ساعت به‌جای برادران درب مغازه‌اش ایستاده باشید و برای این یک ساعت ۱۰ هزار تومان از او پول گرفته باشید، به جمعیت شاغلان کشور اضافه شده‌اید. حتی اگر این اتفاق تا یک سال دیگر هم تکرار نشود مهم نیست شما تا سال آینده در خیل شاغلان کشور طبقه‌بندی شده‌اید.

اما نکته مهم‌تر این است که حتی اگر شما بدون مزد هم برای برادران کار کرده باشید، در مزرعه فامیل‌هایتان به آن‌ها در برداشت یا کاشت محصول یاری رسانده باشید، در کارگاه دوست‌تان به او برای سفت کمک کنید و پولی هم نگرفته باشید باز هم جزو جمعیت شاغلان محسوب می‌شوید. یعنی صرف انجام کار بدون وجود مناسبات مزدی هم اشتغال محسوب می‌شود.

سومین ترفند مرکز آمار، این است که اگر در جایی کارآموز باشید و هیچ الزام برای به‌کارگیری هم وجود نداشته باشد، مزدی هم در کار نباشد باز هم شاغل هستید. چهارمین نکته این است که اگر برای فرار از سربازی یا به امید یافتن شغل بهتر یا آموختن مهارت در مراکز فنی و حرفه‌ای مشغول آموزشید یا در دانشگاه‌ها به تحصیل مشغولید باز هم شاغل به حساب می‌آید.

پنجم این است که اگر سربازی هم رفته باشد باز هم شما شاغلید. ششم این است که اگر شما کار موقت با ساعت محدود و مزد اندک دارید ولی به شدت به دنبال یافتن کار بهتری هستید باز هم شاغلید. به این گروه افراد با اشتغال ناقص می‌گویند. پس حتی اگر خودتان کاری که به آن مشغولید را شغل در نظر نگیرید باز هم شاغلید.

به این ترتیب معیارها برای این که چه کسی شاغل است آن قدر بی حساب و کتاب است که بخش زیادی از جمعیت در هر گروه سنی به ویژه جوانان می توانند در آن قرار بگیرند در حالی که در واقعیت این جمعیت بزرگ بیکارند.

برای نمونه به اقرار معاون وزارت ورزش و جوانان، ۴۲ درصد افراد در سن ۱۸ تا ۳۵ سالگی در ایران به تحصیل در دانشگاه و یا دیگر مراکز حرفه آموزی مشغولند. این ۴۲ درصد هم اکنون به عنوان شاغل محاسبه می شوند در حالی که نه مشغول به کارند و نه درآمدی دارند.

فصل پنجم

ایران در میان 20 کشور جهان با بالاترین شاخص فلاکت

شاخص فلاکت هانکه عواملی چون تورم و بیکاری را در مورد کشورهای مختلف جهان محاسبه و آن‌ها را رتبه‌بندی می‌کند. در این رتبه‌بندی زیمبابوه در رتبه اول و سوئیس در رتبه آخر قرار دارد.

به گزارش تجارت نیوز، ۱۲ خرداد ۱۴۰۲، وضعیت زندگی انسان‌ها و میزان شادی آن‌ها در یک طیف گسترده قرار می‌گیرد و در مورد هر انسان متفاوت است. اما در حوزه اقتصادی، نقطه مقابل شادی، یعنی فلک‌زدگی، ناشی از تورم بالا، هزینه‌های بالای استقراض و بیکاری است و فقط از طریق رشد اقتصادی می‌توان به کاهش این فلاکت کمک کرد. مقایسه شاخص فلاکت کشورهای جهان می‌تواند میزان شاد یا غمگین بودن کشورهای مختلف را نشان دهد.

شاخص فلاکت هانکه (HAMI) هر سال میزان بیکاری و تورم را در مورد کشورهای جهان مشخص و آن‌ها را دسته‌بندی می‌کند. شاخص فلاکت هانکه چیست؟

شاخص فلاکت معیاری برای سنجش مشکلات اقتصادی است. قبلاً با مجموع نرخ بیکاری و نرخ تورم محاسبه می‌شد. هرچه شاخص فلاکت بالاتر باشد، وضعیت یک اقتصاد وخیم‌تر می‌شود.

آرتور اوکون، اقتصاددان، شاخص فلاکت را در دهه ۱۹۷۰ ایجاد کرد. او که در تلاش بود تا راهی برای سنجش رفاه عمومی مردم آمریکا بیابد، معتقد بود که نرخ بیکاری و نرخ تورم دو عامل مهمی هستند که زندگی مردم را تحت تاثیر قرار می‌دهند. بعدها، رابرت بارو، استاد دانشگاه هاروارد با اضافه کردن نرخ بهره، این شاخص را اصلاح کرد. و اکنون، استیو هانکه آن را تغییر داد.

او می‌گوید: «من نسخه بارو از شاخص فلاکت را با جایگزین کردن شکاف تولید با نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه و جایگزینی بازده اوراق قرضه ۳۰ ساله دولتی با نرخ‌های بهره اصلاح کردم. از این گذشته، نرخ‌های بهره بالاتر به معنای هزینه بالاتر اعتبار و سختی بیش‌تر برای وام‌گیرندگان است.»

آخرین شاخص فلاکت استیو هانکه نرخ بیکاری را دو برابر می‌کند و بر اساس آن کشورها را رتبه‌بندی می‌کند. او در وبلاگ خود می‌گوید: «شاخص فلاکت نباید مجموع ساده‌ای از تورم و بیکاری، بلکه معیار بیکاری باید وزن سنگین‌تری در این اندازه‌گیری داشته باشد.»

بنابراین، برای اولین بار، شاخص فلاکت سالانه هانکه در سال ۲۰۲۲ مولفه نرخ بیکاری را دو برابر کرده است. بر این اساس ایران در میان ۱۵۷ کشور جهان با شاخص فلاکت ۷۳/۳ در رتبه ۱۹ فلاکت قرار می‌گیرد و عاملی که بیش‌ترین تاثیر را در این فلاکت دارد، تورم است.

در این رتبه‌بندی کشور زیمبابوه، فلک‌زده‌ترین کشور جهان و کشور سوئیس خوشبخت‌ترین آن‌هاست. پس از آن کویت در رتبه دوم و ایرلند در رتبه سوم قرار می‌گیرد.

نگرانی از گسترش فرهنگ فقر

نویسندگان این پژوهش هم‌چنین از یک «نگرانی بزرگ» صحبت می‌کنند که از دیدگاه آنها، «تقویت فرهنگ فقر» نام دارد. این مفهوم می‌گوید «زندگی در شرایط فقر و فشار اقتصادی، بیکاری و پایین بودن دستمزد از زمینه‌های شکل‌گیری فرهنگ فقر است. یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های فرهنگ فقر، توجه شدید به زمان حال و اکنون همراه با ناتوانی از چشم‌پوشی موقت از برخی چیزهای خوشایند، به دلیل چیزهای خوشایند بزرگ‌تر در آینده است. شرایط تورمی به این فرهنگ دامن می‌زند.

مهم‌ترین مکانیزمی که جوانان طبقات پایین برای کنترل و کاهش هزینه‌ها در شرایط تورمی به کار می‌برند، حذف «هزینه‌های غیرضروری است.» آنها سعی می‌کنند با جلوگیری از ریخت و پاش‌های اضافه، حذف فراغت و محدودیت در روابط دوستانه و حضور در مهمانی و مسافرت هزینه‌های خود را جواب دهند. پژوهشی که به آن اشاره

کردیم در این باره به نقل از نوید ۲۷ ساله، مجرد و فروشنده می‌گوید: «... با دوستانم که اصلاً دیگر بیرون نمی‌روم. چون پول می‌خواهد. قبلاً می‌شد کباب بخورم الان فقط می‌توانم فلافل بخورم. مهمانی که اصلاً وجود ندارد و حتی یک تی‌شرت ساده هم نمی‌خرم...» تورم موجب شده تا افراد با دقت و حساب و کتاب بیش‌تری خرید کنند. اما از آن سو، گرانی و تورم اوقات فراغت را نیز کاهش داده است. بخشی از آن به دلیل ناتوانی در تامین هزینه‌ها و به قول مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، «صرفه‌جویی و قناعت» است.

آسیب‌ها و ناهنجاری‌های موجود در روابط روزمره، تعاملات خانوادگی، دوستی و شغلی از پس تورم بالاتر می‌رود. نویسندگان این پژوهش عنوان می‌کنند که از نتایج این مصاحبه‌ها چنین برداشت می‌شود که تورم تنها سبب تضعیف، سستی و کم‌رنگ شدن حمایت‌ها و پشتیبانی‌های خانواده‌ها از یکدیگر نشده، بلکه موجب روابط تصنعی شده است. در این پژوهش ذکر شده که بر اساس آنچه مشارکت‌کنندگان از تجربه خود نقل کرده‌اند، حمایت‌های متقابل بین خانواده‌ها کاهش یافته و اعتماد و صمیمیت نیز میان افراد خانواده و اقوام و نزدیکان کمتر شده است. حتی روابط همسایگی نیز مانند گذشته نیست و بسیار محدودتر شده است. براساس آنچه مشارکت‌کنندگان جوان این پژوهش گفته‌اند، والدین دیگر قادر نیستند مانند گذشته فرزندان خود را حمایت کنند، صمیمیت و گفت‌وگوهای خانوادگی کم‌رنگ شده و رابطه زندگی با شادمانی و محبت را کاهش داده است و در مواقعی که خانواده‌ها دور هم باشند هم بحث و جدل مالی بسیار غالب است. سعید ۲۶ ساله و مجرد در این باره می‌گوید: «...کلا رفت و آمدها قطع شده و کسی دعوت نمی‌کنه از بس هزینه‌ها بالا رفته... اگر هم دعوت بشویم اغلب نمی‌رویم چون با خود می‌گوییم از کجا بیاوریم که کادو بدهیم؟»

خط فقر ۳۰ میلیون تومان؛ یک خانواده با دو شاغل هم‌چنان زیر خط فقر!
رقم واقعی خط فقر در پایتخت از ۳۰ میلیون تومان هم بیش‌تر است؛ شما فقط مبلغ اجاره خانه‌ها را ببینید! اگر رقم ودیعه مسکن را هم در نظر بگیریم، نرخ اجاره یک آپارتمان کوچک ۶۰ متری در محلات مرکز تهران، کم‌تر از ماهی ۱۵ میلیون تومان نیست.

به گزارش خبرنگار ایلنا، سه ماه از سال ۱۴۰۲ گذشته ولی در همین مدت، صعود شتابان قیمت‌ها، داده‌های اقتصادی را دچار یک دگردیسی جدی کرده است. در روزهای اخیر، ارقام جدیدی در مورد شاخص‌هایی مانند «رقم خط فقر» و «نرخ خط فقر» منتشر شده که نشان می‌دهد اعداد مبنا در مذاکرات مزدی ۱۴۰۲ تناسبی با واقعیت‌ها نداشته است. اخیراً مرکز پژوهش‌های مجلس درباره افزایش نرخ خط فقر اعلام کرده است که این نرخ طی یک دهه از ۱۹ درصد به بیش از ۳۰ درصد افزایش یافته است، در واقع بیش از ۳۰ درصد جمعیت زیر خط فقر هستند و براساس معیارهای بسیار حداقلی، «فقیر» به حساب می‌آیند؛ در عین حال، بیست و پنجم خردادماه، یک عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورا، میزان خط فقر در تهران را ۳۰ میلیون تومان عنوان کرد.

با توجه به داده‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، نزدیک به سی میلیون نفر زیر خط فقر به سر می‌برند و این در حالیست که برهمن اساس، حدود ۳ میلیون خانواده دچار فقر مطلق هستند. اگر بعد متوسط خانواده در کشور را براساس آخرین داده‌های مرکز آمار ایران، ۳/۳ نفر در نظر بگیریم، امروز جمعیتی بالغ بر ۹ میلیون و ۹۰۰ هزار نفر در کشور دچار فقر مطلق هستند به عبارت ساده‌تر، نزدیک به ده میلیون نفر از تامین ساده‌ترین نیازهای خوراکی و مسکن، ناتوانند و نمی‌توانند کالری مورد نیاز برای زندگی روزانه را به دست آورند.

آمار خط فقر اعلامی توسط «محمد باقری بنایی»، عضو کمیسیون اقتصادی و نماینده مردم بناب در مجلس شورای اسلامی نیز ثابت می‌کند، حداقل دستمزد کارگران با احتساب تمام مزایا، از یک‌سوم خط فقر در تهران پایین‌تر است.

این عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورا در این رابطه با بیان این که «خط فقر در تهران به ۳۰ میلیون تومان رسیده» اظهار داشت: «باتوجه به تورمی که در یکی دو سال اخیر شکل گرفته به نظر می‌رسد که در تهران خط فقر ۳۰ میلیون تومان باشد. با توجه به شرایط مسکن، اجاره، معیشت و تورم مشاهده می‌کنیم که قشر متوسط جامعه عملاً به سمت حاشیه‌نشینی در تهران و یا شهرهای همجوار سوق پیدا کرده و به همین علت ممکن است در آینده نه چندان دور شاهد مسائل اجتماعی و سیاسی متعدد باشیم.» باقری بنایی در ادامه هشدار می‌دهد: «هر چه سریعتر به عنوان یک مسئله اضطراری باید به دنبال راهکاری برای حل این مشکلات باشیم، در غیر این صورت شاهد تورم

وحشتناک به ویژه برای قشر متوسط خواهیم بود؛ راهکارهایی مثل جذب سرمایه گذاران خارجی و مولدسازی سرمایه‌های داخلی می‌تواند برای برطرف کردن مشکلات ایران مناسب باشد.»

یک خانواده کارگری با دو شاغل هم‌چنان زیر خط فقر!

این داده‌ها نگران‌کننده است، وقتی در نظر بگیریم حداقل دستمزد با تمام مزایای مزدی اگر به کارگران مشمول و بیمه شده پرداخت شود، رقمی حدود ۹ میلیون تومان خواهد بود؛ به عبارت ساده‌تر، یک سوم خط فقر در تهران ده میلیون تومان است ولی مزد و مزایا، یک میلیون تومان کم‌تر از ثلث خط فقر!

در این شرایط اگر فرض بگیریم در یک خانواده کارگری دو نفر شاغل باشند، یکی کارگر ساده و حداقل‌بگیر و دیگری کارگر متوسط بگیر یا معلم رسمی که ۱۲ میلیون تومان حقوق می‌گیرد، بازهم مجموع دریافتی این دو نفر، ۲۱ میلیون تومان می‌شود که هنوز ۹ میلیون تومان - به اندازه یک دستمزد کارگری کامل - کم‌تر از خط فقر در تهران است!

و جالب این‌جاست که در جریان مذاکرات مزدی ۱۴۰۲، نمایندگان دولت و کارفرمایان راضی نشدند ارقام گروه کارگری وابسته حکومت، برای خط فقر که در آن زمان بسیار حداقلی و ۱۸ میلیون تومان بود را به‌عنوان نرخ حداقلی سبد معیشت خانوارهای کارگری بپذیرند؛ بعد از هفته‌ها جنجال و بحث، به عدد ۱۳ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان برای نرخ حداقلی سبد معیشت خانوار - موضوع بند دوم ماده ۴۱ قانون کار - رسیدند اما جالب‌تر این‌که، حتی همان رقم ۱۳ میلیون تومان را به‌عنوان «مبنای تعیین حداقل دستمزد ۱۴۰۲» نپذیرفتند؛ در نهایت، مزد و مزایای روی هم رفته ۹ میلیون تومان تعیین شد.

حالا سه ماه گذشته از پایان منازعات مزدی که سوژه انتقادات بسیار کارگران قرار گرفت، یک عضو کمیسیون اقتصادی مجلس از خط فقر ۳۰ میلیون تومانی در تهران خبر می‌دهد، خط فقری که با در نظر گرفتن متوسط کرایه خانه در تهران که رقمی بین ۱۰ تا ۲۰ میلیون تومان است، چندان حداکثری نیست و با دست باز محاسبه نشده است!

با «کار دستمزدی» نمی‌شود زندگی را اداره کرد

بهرام حسنی‌نژاد(فعال کارگری و دبیر اسبق انجمن صنفی کارگران معدن چادرملوی یزد) در مورد این رقم اعلامی و میزان تطابق آن با واقعیت به ایلنا می‌گوید: به نظر بنده رقم واقعی خط فقر در پایتخت از ۳۰ میلیون تومان هم بیش‌تر است؛ شما فقط مبلغ اجاره خانه‌ها را ببینید! اگر رقم ودیعه مسکن را هم در نظر بگیریم، نرخ اجاره یک آپارتمان کوچک ۶۰ متری در محلات مرکز تهران، کم‌تر از ماهی ۱۵ میلیون تومان نیست.

به اعتقاد این فعال کارگری، یک خانواده با دو نفر شاغل قادر به تامین نیازهای ساده زندگی از جمله خوراک، مسکن و آموزش نیست و اصولاً با کار دستمزدی دیگر نمی‌شود زندگی را اداره کرد و البته این مسئله فقط محدود به تهران و کلانشهرها نیست. براساس آخرین محاسبات کمیته دستمزدِ کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور، تفاوت خط فقر در تهران و شهرستان‌ها، بین ۱۵ تا ۲۰ درصد است که این تفاوت ناشی از اختلاف در اجاره بهای مسکن است وگرنه هزینه خوراکی‌ها، درمان و سایر مولفه‌ها تفاوت چندانی ندارد. با این حساب، وقتی خط فقر در تهران ۳۰ میلیون تومان است، با در نظر گرفتن تفاوت ۲۰ درصدی، خط فقر شهرستان‌ها حدود ۲۴ میلیون تومان می‌شود. در واقع اگر در یک خانواده شهرستانی دو نفر شاغل باشند و هر کدام ماهی ۱۰ میلیون تومان حقوق بگیرند، بازهم قادر به تامین نیازهای یک زندگی شایسته نیستند؛ در یک چنین شرایطی، بازهم نهادهای خیریه و نمایندگان نئولیبرالیسم به دنبال بر هم زدن بساط «حداقل دستمزد سرتاسری» هستند و اعتقاد دارند در شهرستان‌ها با زیر حداقل دستمزدِ مصوب شورایعالی کار هم می‌شود زندگی را چرخاند.

حذف کالاهای ضروری از سبد ایرانی‌ها

تورم به حدی رسیده است که شهروندان ایرانی کالاهای اساسی را از سبد خانوار حذف کرده‌اند. مسعود رسولی، دبیر انجمن صنعت گوشت و مواد پروتئینی در گفت‌وگو با رویداد ۲۴(۶ اسفند ۱۴۰۱) با اشاره به این که «هر انسان روزانه به حدود ۵۰ گرم پروتئین احتیاج دارد» اعلام کرد: «مردم ایران در سال ۱۳۹۷ سالانه ۱۲ کیلو گوشت مصرف می‌کردند

که این آمار در سال جاری به سه کیلوگرم رسیده است.» به گفته دبیر انجمن صنعت گوشت: «در دنیا فقط کشور هند از ما گوشت کمتری مصرف می‌کند که آن هم به این دلیل است که تعداد گاوپرستان آنجا زیاد هستند و گوشت قرمز نمی‌خورند.»

بر اساس گزارش‌های رسمی و غیررسمی، قیمت هر کیلوگرم گوشت قرمز در روزهای گذشته به بیش از ۴۰۰ هزار تومان رسیده است. این رقم در بعضی فروشگاه‌های عرضه کننده مواد پروتئینی تا ۷۵۰ هزار تومان هم گزارش شده است.

یکی از شهروندان در مورد حذف و کاهش اقلامی چون گوشت و وسایل بهداشتی به رادیو زمانه می‌گوید:

با یک حساب سرانگشتی مصرف گوشت و مرغ، برای ما که خانواده پنج نفره هستیم، به کم‌تر از ۴۰ درصد رسیده. اول همراه با خانم مایحتاج ماه آینده را می‌نویسیم، برای اسفند خرید گوشت و بعضی از وسایل بهداشتی را نداریم. یعنی مجبور شدیم حذف کنیم. چون حقوقم به خریدهای ضروری‌تر مثل برنج و روغن و کرایه خانه نمی‌رسید. یکی دیگر از شهروندان در مورد شیوه مصرف گوشت در آشپزی می‌گوید: «الان تقریباً از نصف قیمه‌ای که قبلاً برای خورشت مصرف می‌کردم، استفاده می‌کنم. حتی تکه‌ها را کوچک‌تر کردم و خودم برای هر کدام از اعضای خانواده یک تعداد می‌کشم. هر ماه کمتر گوشت مصرف می‌کنیم. این مشکلات فقط مال الان نیست، همیشه این‌طوری بوده ولی الان بیش‌تر شده.»

شهروندی دیگر در این رابطه به رادیو زمانه می‌گوید:

بی‌پولی و قید خیلی از چیزها را زدن، قصه هر روزه ماست. واقعا پیش آمده هیچی تو منزل نداشتیم و مجبور شدم نان خالی بخورم. سه ماه هم می‌شود که وعده‌ها را کم کرده‌ام و ساعاتشان را جابجا کردم. مثلاً صبحانه را ساعت ۱۱ می‌خورم و ناهار را ساعت ۷ عصر که شام نخورم. گوشت و مرغ را فقط وعده‌ای می‌خرم. آن هم نه کامل، مثلاً فقط یک قسمت مرغ را می‌خرم، آن هم آن قدر کم در آشپزی به کار می‌برم که اصلاً معلوم نیست مرغ دارد.

طبق گزارش‌ها، افزایش قیمت‌ها تمام اقلام خوراکی و غیرخوراکی را دربرگرفته است. در همین زمینه مجید نامی، نایب رییس اتحادیه تولیدکنندگان و صادرات نساجی و پوشاک گفته است:

با افت قدرت خرید مردم و افزایش قیمت پوشاک نو، تمایل برای خرید لباس دسته دوم سعودی شده.

یکی از شهروندان جوان به رایو زمانه می‌گوید:

من شغل ندارم و از پدرم پول توجیبی می‌گیرم. نه تفریح دارم نه شادی، نه لباس می‌خرم نه کفش، سفر هم نمی‌روم. چند روز پیش پدرم می‌گفتم از این‌که با این همه کار و عرق‌ریزی، حتی یک قران هم پس‌انداز نداریم، کلافه شده‌ام. دلم نیامد پول توجیبی بگیرم. وقتی پول هم نداشته باشی نمی‌توانی با دوستان حتی برای یک چای خوردن به کافه بروی. قید خیلی چیزها را زدم.

فارغ از کاهش چشم‌گیر مصرف کالاهای اساسی، تمایل مردم به خدمات پزشکی نیز کاهش بی‌سابقه‌ای یافته است، به طوری که برخی از بیماران مصرف داروهای تجویز شده را حذف یا به حداقل رسانده‌اند.

یکی از شهروندان مبتلا به دیابت در این باره به رادیو زمانه می‌گوید: «قیمت داروهای من دو ماه پیش حدود ۸۰۰ هزار تومان بود. حالا رسیده به دو میلیون و سیصد تومان. واقعا پول نداشتم که همه‌اش را بگیرم. دو سه قلم را گرفتم شد یک میلیون. حالم روزبه‌روز بدتر می‌شود. حتی پول ویزیت دکتر را نمی‌توانم پرداخت کنم. یکی از فامیل‌هایمان دانشجوی پزشکی است، همه‌اش از اون مشاوره می‌گیرم. با این حال اجاره‌خانه را دو ماه یک بار پرداخت می‌کنم. خوراکم هم کم‌تر از نصف شده. یک سال است حتی یه جفت جوراب هم نخریدم.»

شهروندی دیگر در مورد مصرف کالاهای بهداشتی خود می‌گوید:

به دلیل مشکلات پوستی ناچار بودم از وسایل بهداشتی درجه یک استفاده کنم. ولی حالا نمی‌توانم بخرم. درآمدم به خرید خوراک و اجاره‌خانه نمی‌رسد، چه برسه به وسایل بهداشتی. شامپو بدنم را تبدیل به صابون کردم. به جایی رسیده‌ام که خجالت نمی‌کشم بگویم موهایم را به خاطر این‌که زیاد شامپو مصرف نکنم کوتاه کردم. نمی‌دانم از چی بگویم. مصرف میوه‌ام شده دو هفته یک بار، آن‌هم فقط چند عدد.

اگرچه شهروندان ایرانی ناچار به حذف یا کاهش مصرف برخی از اقلام خوراکی و بهداشتی شده‌اند اما مقامات مسئول به جای حل مشکلات در سطح کلان، مردم را به کاهش خواسته‌هایشان دعوت می‌کنند.

در همین زمینه محمد صالحی، رییس هیات مدیره انجمن پسته، با دعوت مردم به مصرف «پسته ریز» گفته است:

افرادی که پسته درشت و مرغوب می‌خواهند هزینه بیش‌تری هم پرداخت می‌کنند، در بازار پسته ۴۰۰ هزار تومانی هم موجود است اما کمی ریزتر است. ما خودمان هم پسته ریز می‌خریم.

با شرایطی که سطح خواسته‌های ضروری مردم به‌طرز چشمگیری کاهش یافته، اما مسئولان نظام گویی برنامه‌ای برای کنترل قیمت‌ها ندارند. احسان خاندوزی، وزیر اقتصاد دولت رئیسی و یکی از مخالفان تصویب گروه ویژه اقدام مالی (FATF)، ۲ اسفند سال جاری در پاسخ به سؤال خبرنگاری که از اقدامات عملی دولت برای اصلاح شیوه حکمرانی اقتصادی پرسیده بود، گفت: «جلسه بعد مطرح کنید؛ برای این سؤال آماده نیستیم.»

بهمن سال ۱۴۰۱ برای هشتمین ماه پیاپی نرخ تورم سالانه کشور بالای ۴۰ درصد اعلام شد. براساس گزارش مرکز آمار ایران، نرخ تورم نقطه‌ای در بهمن ماه ۱۴۰۱ به ۵۳/۴ درصد رسیده است. یعنی خانوارهای کشور به طور میانگین ۵۳/۴ درصد بیش‌تر از بهمن ۱۴۰۰ برای خرید یک مجموعه کالا و خدمات یک‌سان هزینه کرده‌اند. براساس این گزارش بیش‌ترین میزان تورم ماهانه در بخش‌های گوشت ۱۰/۵ درصد و سبزیجات ۱۲/۴ درصد به ثبت رسیده است که بالاترین سطح افزایش در میان تمام اقلام ضروری به شمار می‌آید. هم‌چنین نرخ تورم نقطه‌ای گروه عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» با افزایش ۱/۳ درصدی به ۷/۵ درصد و «کالاهای غیرخوراکی و خدمات» با افزایش ۲/۳ درصدی به ۴۳/۵ درصد رسیده است. با این وجود مسئولان جمهوری اسلامی برخلاف وعده‌هایشان پاسخ و برنامه شفاف در جهت کنترل قیمت‌ها ندارند.

باوجود این‌که رسانه‌های ایرانی از «اجاره‌بهای دلاری مسکن» در برخی نقاط تهران گزارش می‌دهند و نیز بهای آن موجب افزایش سرسام‌آور کالا و خدمات در کشور شده است، وزیر اقتصاد در گفت‌وگو با خبرگزاری ایسنا گفته است: «نرخ‌های که در کانال‌های کاغذی معاملات تلگرامی و قمار انجام می‌شود هیچ ارتباطی با تجارت کشور ندارد.»

این درحالی ست که به گفته رییس اتحادیه گوشت گوسفندی ایران: «دامداران دام خود را به قیمت دلار عرضه می‌کنند و با وجود تامین جو کیلویی ۱۳ هزارتومانی، یونجه ۹ هزارتومانی، کاه ۶ هزارتومانی، راغب نیستند محصول خود را به تومان به فروش برسانند.»

در همین رابطه، ۲ اسفند سال جاری خبرگزاری‌های دولت از راه‌اندازی «مرکز مبادله ارز و طلای ایران» با مصوبه شورای پول و اعتبار خبر دادند. با راه‌اندازی این مرکز، ابراهیم رئیسی، اظهار امیدواری کرد که جلوی افزایش قیمت دلار در بازار آزاد گرفته خواهد شد، و از دستگاه‌های اجرایی دولت خواست تا از سیاست‌های بانک مرکزی در مدیریت بازار ارز و طلا حمایت کنند.

البته افزایش بهای دلار و قیمت‌ها از سوی شهروندان ایرانی بی‌پاسخ نماند و در روزهای گذشته تجمع‌های اعتراضی در برخی شهرها از جمله تهران و سنج برگزار شد.

یکی از کسبه‌ها در این رابطه به رایو زمانه می‌گوید:

مغازه‌ام خالی شده است، نمی‌توانم جنس جدید بخرم. فروشگاه‌های عمده، فاکتورها را ساعتی اصلاح می‌کنند. با این قیمت دلار هر چیزی را باید چند برابر به مردم بفروشی، خودم خجالت می‌کشم. بعضی‌ها فکر می‌کنند ما داریم گران‌فروشی می‌کنیم، ولی همه چیز مشخص است. وقتی من کالایی را یک ماه پیش ۱۰۰ هزارتومان می‌خریدم امروز باید همان کالا را ۱۷۰ هزارتومان بخرم، پس مجبورم گران‌تر هم به مشتری بفروشم. تا آخوندها سرکار باشند مملکت از این بهتر نمی‌شود.

یکی از بازنشستگان معترض در مورد راه‌اندازی «مرکز مبادله ارز و طلا» در ایران به رایو زمانه می‌گوید:

تاثیری ندارد، هزار وعده برای پایین آوردن قیمت دلار داده‌اند حتی هزارتومان هم کاهش نیافته. مشکل فساد در خون حکومت وجود دارد. من با ۶۳ سال سن یادم نمی‌آید چیزی در ایران ارزان شده باشد. مسئولان نظام همه‌شان مفسدهای اقتصادی هستند، اگر بهترین اقتصاددان‌های جهان هم برای ایران برنامه‌ریزی بکنند، باز مشکلی از مشکلات مردم حل نمی‌شود، چون مسئولان عامل اصلی فساد هستند. تنها باید این‌ها بروند تا مردم خیال‌شان آسوده شود.

دارو، تن ماهی، نان فانتزی و کتاب گران شد

تن ماهی ۶۵ درصد، نان فانتزی نیز ۲۰ درصد، برخی داروها ۵۲ درصد و کتاب ۸۴ درصد گران شد.

رییس اتحادیه بنکداران مواد غذایی با اعلام این خبر که تن ماهی برای مصرف‌کننده حدود ۶۵ درصد گران شده است، گفت که اکنون این محصول بین ۶۶ هزار تا ۷۴ هزار تومان در بازار قیمت دارد.

به گزارش تجارت نیوز، شنبه ۱۳ خرداد ۱۴۰۲ برابر با ۳ ژوئن ۲۰۲۳، برخی فعالان بازار از افزایش ۱۲۰ درصدی قیمت تن ماهی خبر می‌دهند؛ با این حال، بررسی قیمت تن ماهی شیلتون که از محصولات پرمصرف این بازار است، نشان می‌دهد محصول مورد اشاره که پیش از این ۴۵ هزار و ۴۰۰ تومان قیمت داشت، اکنون در خرده‌فروشی‌ها حدود ۷۵ هزار تومان به فروش می‌رسد. این درحالی است که برخی فروشگاه‌های اینترنتی این تن ماهی را به قیمت ۱۵۳ هزار تومان هم طی روزهای اخیر به فروش رسانده‌اند.

طی روزهای گذشته، ویدیویی در رسانه‌های اجتماعی منتشر شد که نشان می‌داد برخی تولیدکنندگان برای به صرفه شدن قیمت نهایی تن ماهی به کم‌فروشی روی آورده‌اند. در این ویدیو نشان داده می‌شود که روی قوطی کنسرو وزن ۱۸۰ گرم درج شده است، اما وزن نهایی محصول مورد مصرف به ۱۰۰ گرم هم نمی‌رسد.

برخی دیگر از شرکت‌ها نیز برای فرار از قیمت‌گذاری دستوری به تولید محصولات طعم‌دار روی آورده‌اند تا با این شگرد دست‌شان برای بالا بردن ارزش افزوده محصول تولیدی باز باشد. حدود شش ماه پیش ستاد تنظیم بازار قیمت هر قوطی ۱۸۰ گرمی تن ماهی را ۳۹ هزار تومان تعیین کرد. اما تولیدکنندگان اعلام کرده‌اند که ارزش واقعی این محصول در محدوده ۵۲ هزار تومان بوده است. به عقیده آن‌ها، اکنون با توجه به جهش قیمت گوشت ماهی در بازار، عرضه تن ماهی با قیمت کم‌تر از ۱۲۰ هزار تومان معنایی جز تحمل زیان و ضرر سنگین ندارد.

مسعود بختیاری، رییس سندیکای صنایع کنسرو ایران، نیز با تایید بروز کمبود و کاهش تولید تن ماهی، در گفت‌وگو با خبرآنلاین، گفت: «تولیدکنندگان بر تولید کنسروهای طعم‌دار مانند شویددار و فلفلی و ۱۲۰ و ۱۵۰ گرمی متمرکز شده‌اند.» او در ادامه تاکید کرد که فروشگاه‌های زنجیره‌ای به سندیکا اعلام کرده‌اند که کمبود عرضه کاملاً مشهود است.

قیمت نان فانتزی نیز ۲۰ درصد گران شد. محمد جواد کرمی، رییس اتحادیه نان فانتزی تهران، با اعلام این خبر گفت: «افزایش ناگهانی نرخ ارز، هزینه دستمزد، مواد اولیه و خدمات دولتی باعث شد تا شاهد افزایش ۲۰ درصدی قیمت نان فانتزی باشیم.» او در گفت‌وگو با فودنا اعلام کرد که این موضوع تنها شامل نان فانتزی نمی‌شود، بلکه در بخش تامین خمیر مایه نان‌ویان سنتی نیز این مشکل وجود دارد.

سایت بیدار بورس نیز در گزارشی اعلام کرد که ۷ قلم از محصولات شرکت دارویی حاضر در بورس مشمول افزایش ۲۴ تا ۵۲ درصدی نرخ فروش با مجوز سازمان غذا و دارو شد. بر اساس این گزارش، شرکت ایران دارو از دریافت مجوز برای افزایش ۲۴ تا ۵۲ درصدی نرخ فروش ۷ قلم از محصولات خود از طرف سازمان غذا و دارو خبر داد. فولیک اسید، ماینوکسیدیل و مدافینیل از جمله داروهایی‌اند که این شرکت قیمت آن‌ها را افزایش داده است.

میانگین قیمت کتاب نیز در اردیبهشت ماه به ۱۱۴ هزار و ۳۳۰ تومان رسید. بر این اساس، کتاب در مقایسه با ماه گذشته ۳۵ درصد و در مقایسه با سال گذشته ۸۴ درصد گران شده است. به گزارش خبرگزاری تسنیم، میانگین شمارگان کتاب در حوزه ادبیات ۶۷۳ نسخه و میانگین قیمت کتاب ۱۱۷ هزار تومان بوده است.

شمار کتاب‌های چاپ اول ۸۲۸ عنوان و شمار تجدید چاپی‌ها ۷۹۶ عنوان بوده است. میانگین شمارگان در حوزه کودک و نوجوان هزار و ۳۶۲ نسخه و میانگین قیمت نیز ۶۳۲ هزار تومان است. میانگین قیمت کتاب کودک و نوجوان در اردیبهشت ماه نسبت به بازه زمانی مشابه سال گذشته، ۸۳ درصد افزایش داشته است.

فصل ششم

فلاکت در عرصه بهداشت و درمان

جامعه پزشکی ایران

محمد رئیس‌زاده، رییس کل سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، از شباهت وضعیت ۹۸ درصد پزشکان ایران با دیگر کشورهای جامعه خبر داد و گفت که در حال حاضر بسیاری از پزشکان زیرخط فقرند. او با بیان این که رزیدنت‌ها به آینده خود امیدی ندارند، افزود: «یک رزیدنت چشم‌پزشکی ماهی دو میلیون و ۷۰۰ هزار تومان درآمد دارد.»

محمد رئیس‌زاده، رییس کل جدید سازمان نظام پزشکی که به‌تازگی از افزایش تمایل پزشکان برای مهاجرت به کشورهای دیگر خبر داده بود، در «نشست هم‌اندیشی با نمایندگان مجلس» از مشکلات مالی بسیاری از پزشکان پرده برداشت و تصریح کرد که بسیاری از آنان در زیرخط فقرند. او پیش‌تر نیز گفته بود که پزشکان «به دلیل غیرواقعی بودن تعرفه‌ها، سختی‌های گذراندن طرح و استقبال نکردن از ادامه تحصیل و گرفتن تخصص» خروج از ایران را گزینه مناسبی می‌دانند.

رئیس‌زاده، با انتقاد از «توزیع نامناسب» و «هجمه‌های مکرر علیه پزشکان» گفت: «از فروردین تا الان چند موضوع سنگین همچون ادغام آموزش پزشکی در وزارت علوم، نظام طب سنتی و مکمل، اصلاح نظام آموزش پزشکی و بحث افزایش ظرفیت پزشکی مکرر مطرح شده، در حالی که عرق جامعه پزشکی در صف مبارزه با کرونا هنوز خشک نشده و معوقات خیلی از این عزیزان و کسانی که شهید شده‌اند، همچنان پرداخت نشده است.»

به گزارش خبرگزاری ایسنا، رییس سازمان نظام پزشکی در ادامه سخنان خود با نقد عملکرد صداوسیما که ذهن مردم و جامعه پزشکی را «خسته» کرده است، افزود:

«احساس جامعه پزشکی این است که دولت و حکومت و نظام هم به جامعه پزشکی مزد خوبی نداده‌اند و نخواهد داد و از آن‌ها تقدیر نمی‌کنند.»

در آبان ۱۴۰۰، حسینعلی شهریاری، رییس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس ایران، در نامه‌ای به علی خامنه‌ای با ابراز نگرانی از کاهش تعداد نیروهای کادر تخصصی درمان نوشت: «متأسفانه با افزایش درخواست مهاجرت پزشکان به خارج از کشور مواجهیم که بدون شک این عارضه عواقب جبران‌ناپذیری در پی دارد.»

علیرضا صداقت، رییس سازمان نظام پزشکی مشهد، هم این موضوع را تایید کرده است. به گزارش خبرگزاری ایرنا، او با بیان این که در شرایط کنونی، مهاجرت پزشکان از مشهد و سایر مناطق ایران نگران‌کننده شده، گفته است: «سال گذشته سه هزار پزشک از ایران مهاجرت کرده‌اند که این میزان چندین برابر سال‌های پیش بوده است و بخشی از آن‌ها ساکن مشهد و خراسان رضوی بوده‌اند.»

صداقت با بیان این که مهاجرت پزشکان علل متعددی دارد، افزود: «یکی از علل مهاجرت پزشکان پایین بودن تعرفه‌ها است و به‌طور یقین عوامل مهم اجتماعی دیگری در این زمینه دخالت دارند که پزشک مجبور می‌شود برای داشتن زندگی بهتر و وطنش را ترک کند.»

اگرچه آمار مهاجرت پزشکان و پرستاران از ایران پیش از همه‌گیری کرونا هم بالا بود، بر اساس اعلام مقام‌های سازمان نظام پزشکی، در دوران همه‌گیری شدت بیشتری یافته بود. در همه‌گیری اخیر، کادر درمان در ایران با چالش‌های متعددی مواجه شدند؛ فقدان برنامه‌ریزی و مدیریت اصولی برای پیش‌گیری و کنترل بیماری از یک سو و نبود امنیت شغلی و ساعت‌های کار طولانی از سوی دیگر بسیاری از آنان را تا مرز ناامیدی پیش برد؛ به‌خصوص این که بیماری و گاه مرگ همکاران خود در مراکز درمانی به دلیل ابتلا به کرونا را نیز شاهد بودند.

سوءتغذیه کودکان ایران

در حالی که بر اساس آمارهای رسمی حدود ۱۶ درصد کودکان زیر شش سال در ایران به سوءتغذیه دچارند و ۸۰۰ هزار کودک در سنین رشد، با کمبود انرژی و مواد پروتئینی و کمبود ریزمغذی‌ها مواجه‌اند، تداوم افزایش قیمت مواد غذایی و سقوط روزانه قدرت خرید مردم، به‌ویژه موجب تشدید سوءتغذیه مادران باردار و نوزادان شده و در استان‌هایی با جمعیت عمدتاً کم‌درآمد چون سیستان و بلوچستان و هرمزگان، به پیامدهایی چون «مرده‌زایی» و «کوتاهی قد نوزادان» انجامیده است.

سایت خبری رکنا، یکشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۲ - ۳۰ آوریل ۲۰۲۳، در گزارشی با تأکید بر افزایش پدیده «مرده‌زایی» و «کوتاهی قد نوزادان» در استان‌هایی چون سیستان و بلوچستان و هرمزگان و دیگر استان‌هایی که عمده ساکنان آن به لحاظ درآمدی در دهک‌های کم درآمد و فقیر قرار می‌گیرند، در مورد تأثیرگذاری نرخ بالای تورم، به‌ویژه گرانی روزافزون مواد غذایی، بر سلامتی نوزادان و کودکان در این استان‌ها هشدار داد و تأکید کرد سیاست حکومتی «ترویج فرزندآوری، بدون ثبات اقتصادی و کاهش تورم و ارائه بسته‌های حمایتی به زنان باردار و کودکان، یک خطای مدیریتی» با پیامدهای گسترده انسانی و نسلی است.

روزنامه هم‌میهن نیز پیش‌تر در گزارشی در شماره دهم بهمن ماه ۱۴۰۱، با اشاره به این‌که آمارها «از کمبود وزن ۱۱ درصد کودکان در ایران و لاغری شدید حدود پنج درصد از کودکان» حکایت دارد، در پیوند با آثار نسلی گرانی‌های روزافزون و تداوم نرخ

تورم بسیار بالا در ایران و پیامد آن بر وضعیت سلامتی نوزادان و کودکان، هشدار داد. بنا به این گزارش، تأثیر تورم (منجر به نارسایی تغذیه) در طول دوره جنینی، در تمام طول عمر فرد باقی می‌ماند و «حتی یک واحد بیش‌تر شدن تورم در یک ماه بارداری مادر و دسترسی کمتر مادر به مواد غذایی مورد نیاز»، از چندین وجه به سلامت جنین حمله می‌کند و از جمله خطر کوتاه‌قدی را تا نزدیک به یک درصد افزایش می‌دهد.

این تأثیرها، بسته به ماه بارداری مادر در زمانی که در معرض کمبود مواد غذایی قرار می‌گیرد، نتایج متفاوتی دارد و رژیم‌های غذایی نامناسب و فاقد مواد مغذی کلیدی مانند ید، آهن، فولات، کلسیم و روی در دوران بارداری، می‌تواند «باعث کم‌خونی، پره

اکلامپسی، خونریزی و مرگ مادر شود، و همچنین می‌تواند به مرده‌زایی، وزن کم نوزاد هنگام تولد، و کاهش وزن و تاخیر در رشد کودکان» بینجامد.

علی‌اکبر سیاری، استاد دانشگاه علوم پزشکی بهشتی و رئیس هجدهمین کنگره تغذیه کودکان و نوجوانان، نیز بهمن ۱۴۰۱ با نام بردن از پنج استان رکورددار سوءتغذیه کودکان در ایران، گفت: «سوءتغذیه کودکان بیش‌تر در سیستان بلوچستان، هرمزگان، جنوب کرمان و خراسان جنوبی شایع است.»

وی تاکید کرد سوءتغذیه از یک‌سو با فقر اقتصادی، و از سوی دیگر با فقر علمی و فرهنگی مرتبط است.

رییس هجدهمین کنگره تغذیه کودکان و نوجوانان گفت «سوءتغذیه باعث کمبود ریزمغذی‌ها، مانند آهن و روی، و مواد پروتئینی و قندی در کودکان» می‌شود و به «بروز بیماری‌هایی متابولیک» منجر می‌شود. این استاد دانشگاه در ادامه افزود: «تغذیه سالم و نیازهای تغذیه‌ای در شیرخواران و کودکان نوپا بسیار مهم بوده زیرا سوءتغذیه یکی از مشکلات سلامت است که باعث می‌شود کودک رشد مناسبی پیدا نکند و دچار بیماری شود.»

پیش‌تر نیز جواد حسینی، رییس سازمان آموزش و پرورش استثنائی، در هشتم خرداد ۱۴۰۰ گفت: «براساس نتایج سنجش، استان‌های کردستان، مازندران و سیستان و بلوچستان بیش‌ترین درصد کوتاهی قد را در میان استان‌های ایران دارند.»

محمدتقی حسینی طباطبایی، دبیر علمی هجدهمین همایش اورژانس‌ها و بیماری‌های شایع طب کودکان، نیز آبان ۱۴۰۱ «سوءتغذیه در استان‌های محروم کشور» را نگران‌کننده خواند و گفت: «چون رشد مغزی کودکان در شش سالگی اتفاق می‌افتد، به همین دلیل تغذیه درست و سالم نقش مهمی دارد.»

حسینی طباطبایی افزود: «بر اساس مطالعات انجام‌شده در استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان، ایلام و کهگیلویه و بویراحمد، کوتاهی قد، کم‌وزنی و لاغری شیوع بالایی دارد که ناشی از سوءتغذیه است.»

با وجود تاکیدهای مقامهای حکومتی درباره برنامه‌های کمیته امداد، بهزیستی و آموزش و پرورش برای حمایت از مادران باردار و کودکان دچار سوءتغذیه، این اظهارات اغلب در حد اقدامات تبلیغاتی باقی مانده و اجرایی نشده است.

فصل هفتم

بحران مسکن

مسکن

در اسفند ماه ۱۴۰۱، ارزان‌ترین منطقه به روایت خبرگزاری مهر چیتگر است با هر یک مترمربع پنت‌هاوس ۷۰ میلیون تا ۱۰۰ میلیون تومان؛ بیش‌تر از دستمزد یک‌سال یک کارگر ساده با تمام مزایای آن. گران‌ترین منطقه هم نیاوران در شمال پایتخت است که حداقل قیمت یک مترمربع پنت‌هاوس در آن ۲۸۰ میلیون تومان قیمت‌گذاری شده است. ارزش یک مترمربع پنت‌هاوس در نیاوران تا ۳۰۰ میلیون تومان هم پیش رفته است.

افزایش قیمت مسکن، به ویژه در چهار سال اخیر متقاضیان واقعی مسکن به جهت استفاده را کاهش داده است. تلاش حکومت برای تحریک تقاضا با تزریق وام بانکی هم تاثیری در کاهش دوره انتظار خرید مسکن برای مزدبگیران ندارد. فرشید حاجت‌پور، دبیر کانون سراسری انبوه‌سازان مسکن در این وضعیت پیش‌بینی کرده است حتی در صورت تداوم کاهش تقاضا، قیمت مسکن باز هم افزایش یابد چرا که به گفته او «دولت عزمی برای کنترل قیمت ندارد.»

حاجت‌پور افزایش قیمت تمام شده و هزینه خدمات نهادهای دولتی را از جمله عوامل گرانی مسکن برشمرد. او میانگین هزینه ساخت یک مترمربع مسکن را ۹ میلیون تا ۱۳ میلیون تومان برآورد کرد که معادل یک ششم تا یک چهارم میانگین قیمت مسکن در تهران است.

دولت که وعده کرده بود هزینه زمین برای ساخت مسکن را به حداقل برساند و سالانه یک میلیون واحد مسکونی بسازد، از این وعده خود عقب نشست. محمدرضا مخبر، معاون اول رییس دولت در سیزدهم دی ۱۴۰۱ ساخت مسکن را وظیفه بخش خصوصی دانست و گفت: «ما می‌گوییم مسکن باید ساخته شود نه این که دولت بسازد.»

به فرض ثابت بودن قیمت مسکن و توان خانواده‌ها برای پس‌انداز کردن، دوره انتظار خرید مسکن برای مزدبگیران در تهران از صد سال هم بیش‌تر شده است. مرکز آمار ایران میانگین قیمت یک مترمربع مسکن در تهران برای دی ۱۴۰۱ را ۵۴ میلیون و ۹۶۳ هزار تومان اعلام کرد. این رقم ۴/۵ میلیون تومان بزرگ‌تر از قیمت مسکن در آذر امسال است.

بر بنیاد این گزارش تورم ماهانه مسکن در دی ماه به نزدیکی ۱۰ درصد (۹/۸ درصد) رسید، رقمی بزرگ که نزدیک به پنج برابر نرخ تورم بحرانی است. بر اساس تعاریف مرکز آمار نرخ تورم ماهانه ۲/۵ درصد به معنای تورم بحرانی است.

این رقم بالاترین نرخ تورم ماهانه مسکن در پایتخت طی یک دهه اخیر است. این گزارش نرخ تورم نقطه‌ای مسکن در دی ماه را هم ۶۶ درصد اعلام کرده است. بالاترین نرخ تورم نقطه‌ای مسکن در دو سال اخیر در فروردین ۱۴۰۰ با رقم (۸۲/۶ درصد) ثبت شده است.

مرکز آمار نرخ تورم سالانه مسکن را ۴۰/۶ درصد برآورد کرده است. این رقم در مقایسه با آذر امسال ۳/۵ درصد افزایش و در مقایسه با دی سال ۱۴۰۰، ۱/۲ واحد درصد کاهش را نشان می‌دهد.

بر بنیاد این گزارش میانگین قیمت مسکن در سال ۱۴۰۰ تا هفتمین ماه سال افزایش بزرگ‌تر از ۵۰ درصد داشته است و پس از آن نیز در پنج ماه باقی مانده فراتر از ۳۰ درصد.

نرخ تورم مسکن در سال جاری تا مرداد ماه کمتر از ۳۰ درصد گزارش شده اما پس از آن در یک روند افزایشی از ۳۰/۳ درصد در شهریور ماه به ۴۰/۶ درصد در دی ماه رسیده است. معنای این رقم این است که میانگین قیمت مسکن در دی ماه امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل (۱۴۰۰) به همین میزان گران شده است. نمودار زیر روند تورم مسکن در تهران در سال ۱۴۰۰ و ۱۰ ماه نخست سال ۱۴۰۱ را نشان می‌دهد.

بر اساس برآورد نهادهای رسمی و ادعای معاون وزیر راه و شهرسازی دوره انتظار خرید مسکن در ایران از ۱۵ سال به ۳۴ سال رسیده است. این شاخص برای شهر تهران که گران‌ترین شهر ایران به شمار می‌رود از ۷۲ تا ۱۰۰ سال عنوان شده است.

مشکل بزرگ برای اجاره‌نشین‌ها در پایتخت اما توان پس‌انداز است. برآوردهای مرکز آمار و بانک مرکزی ایران در سال‌های گذشته بیانگر این است که دهک‌های درآمدی پایین - اول تا پنجم - امکان پس‌انداز را به صورت کلی از دست داده‌اند. رشد نرخ تورم، به ویژه تورم مواد غذایی و سرکوب دستمزد در یک دوره طولانی اصلی‌ترین علت از بین رفتن توان پس‌انداز خانوار است. از همین جهت بانک مرکزی در آبان امسال گزارش کرده بود یک کارگر برای خرید یک خانه نقلی باید حداقل به مدت ۱۳۵ سال یک سوم درآمد خود را هزینه کند.

در کنار پشت‌بام‌خوابی، ماشین‌خوابی و اتوبوس‌خوابی در تهران اکنون پدیده جدیدی به نام «اجاره کوتاه‌مدت» یا «اجاره روزانه» به انواع اجاره مسکن افزوده شده است. مالک، خانه خود را به شکل روزانه و در بازه‌های زمانی کمتر از یک سال، به متقاضیان اجاره می‌دهد.

مافیای مسکن

ابوالفضل نوروزی مشاور وزیر در امور مسکن و شهرسازی گفت: ۵۰۰ هزار واحد مسکونی اعلام کردند که ملک را فروخته‌اند یا اجاره داده‌اند و یا خودشان در آن ساکن هستند و در مرحله دوم بررسی نیز ۲۰۰ هزار مالک دیگر شرایط خانه خود را تعیین تکلیف کردند و مابقی خالی از سکنه هستند که باید خانه‌های خود را اجاره بدهند. به گزارش شبکه شرق ۲۴ خرداد ۱۴۰۲، مشاور وزیر در امور مسکن و شهرسازی گفت: بر اساس آمار ۳۰۰۰ ملک در کشور داریم که مالکان آن‌ها هر کدام حدود ۱۰۰ خانه داشتند و بخش اعظم آن مربوط به ۳ بانک بود.

ابوالفضل نوروزی - مشاور وزیر در امور مسکن و شهرسازی - با اشاره به وضعیت بازار مسکن و اجاره بها گفت: ما در وزارت راه و شهرسازی دو راهبرد اساسی را برای اجاره بها پیش م‌بریم که راهبرد اول تعادل ایجاد کردن بین عرضه و تقاضای زمین و مسکن است. دولت در تلاش است تولید مسکن در کشور را افزایش دهد. ریشه مشکل مسکن در کشور پایین بودن تولید مسکن و شکاف جدی عرضه و تقاضا است. دولت قبل فقط

۴۵۰ هزار واحد مسکونی ساخت در حالی که باید سالی یک میلیون واحد مسکونی ساخته می شد.

نوروزی افزود: بر اساس قانون مجلس دولت باید زیرساخت‌های ساخت مسکن را فراهم کند تا سایر بخش‌ها اقدام به تولید مسکن کنند. دولت از ابتدای شروع به کارش ساخت

یک میلیون و ۳۰۰ هزار واحد مسکونی در پروژه‌های مختلف را شروع کرده است. او افزود: دولت قبل حتی تکمیل واحدهای مسکن مهر را سرانجام نرساند با این وجود دولت فعلی با منابع اعتباری اقدام به ساخت و ساز و تکمیل این منازل کرد. رویکرد بعدی که در کنار افزایش ساخت مسکن در حال پیگیری آن هستیم، کنترل و مدیریت بازار مسکن است. این دو اقدام باید در کنار یکدیگر انجام شود. اما اگر در کنار ساخت مسکن بازار را رها کنیم باز هم به نتیجه نخواهیم رسید.

او توضیح داد: ابزار مدیریت بازار مسکن ابزارهای مالیاتی و نظارتی است و ما در وزارت راه و مسکن در این زمینه هم اقدام کرده‌ایم. برای کاهش اجاره بهای مسکن به بحث عرضه واحدهای مسکونی خالی از سکنه ورود کرده‌ایم. بر اساس بررسی که انجام شد، یک میلیون خانه خالی از سکنه را شناسایی کردیم و به مالکان آن‌ها اعلام شد تا وضعیت خانه‌های خود را اعلام کنند.

مشاور وزیر در امور مسکن و شهرسازی گفت: ۵۰۰ هزار واحد مسکونی اعلام کردند که ملک را فروخته‌اند یا اجاره داده‌اند و یا خودشان در آن ساکن هستند و در مرحله دوم بررسی نیز ۲۰۰ هزار مالک دیگر شرایط خانه خود را تعیین تکلیف کردند و مابقی خالی از سکنه هستند که باید خانه‌های خود را اجاره بدهند. بر اساس آمار ۳۰۰۰ ملک در کشور داریم که مالکان آن‌ها هر کدام حدود ۱۰۰ خانه داشتند و بخش اعظم آن مربوط به ۳ بانک بود.

نوروزی افزود: طرح مجلس برای کنترل اجاره بهای مسکن با همکاری وزارت راه و شهرسازی تدوین شده و اقداماتی را شروع کرده‌ایم که به این طرح مجلس کمک می‌کند. شهرهای پردیس، پرند و هشتگرد در قالب طرح مجلس برای ساماندهی بازار مسکن مشمول طرح مالیات بر خانه‌های خالی می‌شوند و علاوه بر این در طرح مجلس عوارض بر اراضی احتکار شده نیز مصوب خواهد شد.

او ادامه داد: در سه ماه گذشته در زمینه رسیدگی به وضعیت مشاورین املاک فاقد مجوز شروع به فعالیت کرده‌ایم تا جلوی کار آن‌ها را بگیریم و علاوه بر آن برخی از بنگاه‌هایی که متخلف هستند نیز شناسایی و جلوی اختلال آن‌ها در بازار مسکن را می‌گیریم. نوروزی افزود: یک بحث دیگر در ساماندهی بنگاه‌های املاک این بود که حق الزحمه بنگاه‌ها وقتی به قیمت معامله وصل می‌شود به خریدار و فروشنده خانه ضربه وارد می‌شود، درصدد هستیم با طرح مجلس این موضوع را نیز اصلاح کنیم.

نوروزی گفت: در شورای عالی سران قوا مصوب شده که افزایش قیمت اجاره مسکن در تهران ۲۵ درصد و در سایر استان‌ها ۲۰ درصد باشد. بعد از آن هم اعلام شد که شورای عالی مسکن این افزایش قیمت را تعیین کند و شورای سران قوا به این موضوع ورود نکنند.

وی در ادامه گفت: بر اساس طرح مجلس اگر مستاجر از موجری به دلیل گرفتن مبلغ بیش از ۲۵ درصد شکایت کند موجر باید علاوه بر برگرداندن مبلغ اضافه ۴۰ درصد از آن مبلغ را نیز به‌عنوان مالیات بپردازد. مشاورین املاک در زمان انعقاد قرارداد باید اجاره نامه قبلی را بررسی و بر اساس آن قیمت ۲۵ درصد جدید را لحاظ کنند. در یک سال گذشته ۲۰۰ مورد پلمب بنگاه‌های مشاورین املاک به دلیل تخلف داشته‌ایم.

نوروزی گفت: وزارت راه و شهرسازی سامانه‌ای ایجاد کرد تا افراد متقاضی برای دریافت وام ودیعه مسکن ثبت نام کنند و وام مسکن را دریافت کنند. دستورالعمل‌های آن هم ابلاغ شده و تاکنون ۸۹۱ هزار نفر متقاضی دریافت وام مسکن هستند که از این میزان حدود ۵۰۳ هزار متقاضی به بانک‌ها معرفی شدند و حدود ۲۴۰ هزار تسهیلات ودیعه در یک سال گذشته از سوی بانک‌ها پرداخت شده است.

به گفته این مقام مسئول، این آمار نشان می‌دهد که ۱۰۰ میلیون در شهر تهران ۷۰ میلیون مراکز استان‌ها و ۵۰ میلیون هم در سایر استان‌ها وام ودیعه مسکن پرداخت شده است.

مجتبی یوسفی - عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی - گفت: برای حل مشکل حوزه مسکن لازم نیست ما چرخ را از ابتدا طراحی کنیم دنیا در این زمینه تجربه دارد و ما هم بر این فراز و نشیب به تجربیاتی رسیده‌ایم، باید در دو حوزه ساخت و ساز و کنترل

بازار مسکن و خروج آن از سوداگری اقدام کنیم. به جز این دو مورد هیچ راه دیگری برای کنترل این وضعیت نداریم.

یوسفی در ادامه افزود: در حوزه ساخت بانک‌ها باید تسهیلات بدهند که نمی‌دهند به همین دلیل از این راه به نتیجه نمی‌رسیم. البته در این زمینه نسبت به دولت قبل خیلی جلوتر هستیم ولی در این دو سال بانک‌ها فقط ۱۰ درصد برای مسکن وام داده‌اند. عضو کمیسیون عمران مسکن، خاطرنشان کرد: روز گذشته طرح دو فوریتی مجلس در خصوص ساماندهی اجاره بها مصوب شد و به شورای نگهبان ارجاع شد این طرح در ۱۴ ماده مصوب شد که مشخص شود برای اجاره‌بهای مسکن چه اقداماتی انجام خواهیم داد.

یوسفی در یک برنامه تلویزیونی با بیان این‌که این طرح اکسیری نیست که مشکلات را یک‌شبه در حوزه اجاره بها حل کند توضیح داد: این طرح مشکلات را مقداری کاهش خواهد داد. در ماده یک تا ۷ این طرح به ساماندهی وضعیت فعالین حوزه مسکن توجه می‌شود و مشاورین املاک یک نظام رتبه‌بندی خواهند داشت.

او افزود: دولت بیشترین سهم در ایجاد آشفتگی بازار مسکن را دارد. منظور ما به‌طور کلی دولت‌ها هستند که به‌طور کلی بر سر کار هستند. این مشکلات یک‌شبه حل نمی‌شود دولت فعلی شروع به انجام اصلاحات کرده است ولی زمان بر است.

این عضو هیئت رئیسه مجلس ادامه داد: نباید تمام مشکلات مربوط به ودیعه مسکن را بر گردن مشاورین املاک بیندازیم، هم اکنون قیمت سیمان و فولاد را دولت تعیین و تولید می‌کند. وقتی این قیمت‌ها بالا می‌رود طبیعتاً و قیمت تمام شده خانه بالا می‌رود و بر روی قیمت اجاره مسکن تاثیر می‌گذارد.

سخن‌گوی سازمان تعزیرات حکومتی گفت: ۴۶۲ تیم بازرسی در چند ماه گذشته برای مشاورین املاک داشتیم، ۱۴۲۳ مورد بازرسی انجام شده، ۴۶۸ مورد متخلف بوده‌اند که ۱۸ مورد از آن‌ها منتهی به پلمب واحد صنفی شده و حدود ۱۲۶ فقره هم پرونده تشکیل شده و در حال بررسی است.

همچنین به گزارش خراسان، ۱۴۰۲/۰۱/۳۰، طبق گزارش مرکز آمار و گزارش روزنامه رسمی دولت، در سال ۹۵ از ۲۳ میلیون و ۵۸۰ هزار خانوار کشور، ۳۰/۷ درصد اجاره‌نشین بودند، اما تعدادشان در پایان سال ۱۳۹۹ افزایش یافت و به ۳۸ درصد رسید. این گزارش تحلیلی روزنامه فرهیختگان هم به خوبی گویای وضعیت درآمدها و اجاره‌ها در شهری مانند تهران است که اثراتش را در دیگر شهرها نیز می‌گذارد: «طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱ در حالی هزینه اجاره‌بهای خانوارهای تهرانی ۱۴ برابر شده که در این مدت درآمد خانوارها ۱۲/۶ برابر شده است. این عقب‌ماندگی درآمد موضوعی است که فقر مسکن را به دنبال داشته است؛ به طوری که براساس گزارش مرکز آمار ایران در پایان سال ۱۳۹۹ سهم هزینه مسکن در سبد هزینه‌ای خانوارهای شهری کشور به ۴۳ درصد و در تهران به حدود ۵۰ درصد رسیده است.»

«مجید گودرزی»، کارشناس حوزه مسکن، صحبتش با خراسان را با مرور تجربیات دیگر کشورها آغاز می‌کند و می‌گوید: «مسکن در همه دنیا یک نیاز ضروری است که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم توسط دولت‌ها کنترل می‌شود. مثلاً در آلمان، هم شهرداری‌ها و هم دولت به صورت منطقه‌ای قیمت مسکن را اعلام می‌کنند؛ در کشورهای حوزه اسکاندیناوی هم دولت مسئول تعیین افزایش قیمت مسکن است. در انگلستان هم برای رونق ساخت و ساز و جلوگیری از بروز مشکل تامین مسکن تا ۷۰ درصد هزینه ساخت، وام بلندمدت و تضمین‌های دولتی داده می‌شود. در کشور چین هم ساخت و ساز کاملاً پررونق است و به میزان بیش از نیاز خانه‌های خالی وجود دارد، یا در آمریکا هزینه سوداگری و نقل و انتقال مسکن آن قدر بالاست که اصلاً برای کسی صرفه اقتصادی ندارد و گرنه هیچ‌کس از سود کردن در این بازار بدش نمی‌آید و اگر بسترش وجود داشت حتماً در آن کشورها هم مشابه وضعیت ما اتفاق می‌افتاد.»

گودرزی سپس به چرایی شکست خوردن طرح‌های ما در حوزه مسکن اشاره می‌کند و می‌گوید: «طبیعتاً برای اجرای هر طرح، برنامه و تغییر، باید یک سری هزینه‌ها را متقبل شد اما متأسفانه سیاست‌مداران ما نمی‌خواهند این هزینه را بدهند و به همین دلیل سال‌های سال است که خرده مالکان برنامه‌های خودشان را در حوزه املاک اجرا می‌کنند و همه را به بازی می‌گیرند.»

گودرزی می‌افزاید: حتی چیزی مانند مصوبه سران قوا برای اجاره خانه هم با این که در عالی‌ترین سطح ممکن تصویب شد، اما کارایی نداشت، به این دلیل که شوراهای حل اختلاف هم آن را قبول نداشتند و معتقد بودند متفاوت با قانون است؛ به همین دلیل فقط باعث شد برخی از مالکان و مستاجران برای اولین بار در زندگی پایشان به شوراهای حل اختلاف باز شود.»

یک کارگر با حقوق یک سال خود فقط می‌تواند 2 متر خانه بخرد!

رکنا اقتصادی، ۱۴۰۲/۰۳/۱۶ نوشت؛ رییس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگری کشور گفت: به اعتقاد نمایندگان کارگران ماده قانونی تامین مسکن از سال ۷۰ اجرایی نشده است. نمایندگان کارگران معتقدند که بخش زیادی از هزینه کارگران صرف اجاره بها می‌شود.

یکی از بندهای مغفول مانده قانون کار ماده ۱۴۹ این قانون است. مطابق این ماده کارفرمایان مکلف هستند با تعاونی‌های مسکن و در صورت عدم وجود این تعاونی‌ها مستقیماً با کارگران فاقد مسکن جهت تامین خانه‌های شخصی مناسب همکاری لازم را بنمایند و همچنین کارفرمایان کارگاه‌های بزرگ مکلف به احداث خانه‌های سازمانی در جوار کارگاه و یا محل مناسب دیگر می‌باشند.

طبق تبصره ۱ این ماده، دولت موظف است با استفاده از تسهیلات بانکی و امکانات وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری‌ها و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط همکاری لازم را بنماید و طبق تبصره ۲، نحوه و میزان همکاری و مشارکت کارگران، کارفرمایان و دستگاه‌های دولتی و نوع کارگاه‌های بزرگ مشمول این ماده طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارتین کار و امور اجتماعی و مسکن و شهرسازی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

ماده ۱۴۹ قانون کار به تامین مسکن برای کارگران مربوط است، ولی آیین‌نامه مربوطه سال‌هاست که تدوین و تهیه نشده است. در راستای این ماده قانونی کارفرمایان مکلف هستند با تعاونی‌های مسکن و در صورت عدم وجود این تعاونی‌ها مستقیماً با کارگران فاقد مسکن جهت تامین خانه‌های شخصی مناسب همکاری لازم را بنمایند و همچنین

کارفرمایان کارگاه‌های بزرگ مکلف به احداث خانه‌های سازمانی در جوار کارگاه یا محل مناسب دیگر می‌باشند. این ماده قانونی در حالی در سال ۹۸ در شورای عالی کار بررسی شد که مقرر شده بود آیین‌نامه آن در دولت تصویب شود که هنوز عملیاتی نشده است.

رحمت‌الله نوروزی، نایب رییس فراکسیون کارگری مجلس درباره مشکلات کارگران می‌گوید: دولت به مسکن و هزینه‌های درمان کارگران توجه کند. یک کارگر نمی‌تواند با حقوق ۸ میلیونی زندگی کند. دولت باید یک برنامه بلند مدت برای رفع مشکلات کارگران ارائه کند که متأسفانه تاکنون شاهد چنین موضوعی نبودیم. بسیاری از کارگران شرایط زندگی برای آن‌ها بحرانی است که دولت باید اقداماتی جدی برای اشغال این افراد انجام دهد. در صورتی که بخش ساخت و ساز مسکن فعال شود قطعاً بسیاری از جوانان مشغول به کار می‌شوند و با رونق صنعت ساختمان‌سازی بیش از هزار شغل مستقیم و غیرمستقیم ایجاد می‌شود.

سمیه گلپور، رییس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگری کشور با اشاره به عدم اجرای ماده ۱۴۹ قانون کار و با اشاره به افزایش اجاره بها طی چند سال اخیر گفت: بخش زیادی از کارگران در حال حاضر مستاجر هستند و بیش از نیمی از حقوق خود را صرف اجاره بها می‌کنند.

رقم حق مسکن چشم‌گیر نیست و حتی هزینه کارمزد مشاور املاک را هم برای کارگر پوشش نمی‌دهد و به‌عنوان یک کمک‌هزینه مطرح است. مبلغ ماهیانه ۹۰۰ هزار تومان تحت هیچ شرایطی برای اجاره بها کفایت نمی‌کند. در این حوزه هم کارگران درخواست دارند که دولت به‌جای حق مسکن ۹۰۰ هزار تومانی برای کارگران مسکن‌های استیجاری تهیه کند و در اختیار آن‌ها بگذارد.

کارگران به‌عنوان یکی از ارکان تولید کشور، از منظر مالکیت مسکن جزو محروم‌ترین اقشار هستند که با شرایط موجود بازار مسکن، حتی اگر تمام حقوق خود را پس‌انداز کنند سال‌ها باید منتظر بمانند تا بتوانند چند متر خانه بخرند. براساس قیمت‌های بانک مرکزی، با یک سال دستمزد کارگران که به‌طور کامل پس‌انداز شود، در تهران فقط ۲ متر خانه می‌شود خرید که اگر کارگر اضافه کار و نوبت‌کاری و شب‌کاری داشته باشد، می‌تواند با یک سال حقوق، دومتر و ده سانتیمتر خانه بخرد.

کارگری که حداقل حقوق را دریافت می‌کند اگر یک سال خود را پس انداز و هیچ خرجی نکند حدود ۱۱۰ میلیون تومان دریافت می‌کند. با این پول در مناطق برخوردار پایتخت فقط یک متر آپارتمان می‌تواند بخرد. در مناطق پایین‌تر، به زحمت ۱/۵ یا دو متر آپارتمان؛ با این حساب، کارگر اگر یک سال تمام کل حقوق خود را پس انداز کند به شرط این که آن شیب چند ده درصدی تورم مسکن، به صفر برسد و متوقف شود، در پایان سال، دو متر آپارتمان می‌تواند بخرد؛ اگر سی سال قیمت مسکن ثابت بماند، با پس انداز سی سال کار کارگری، می‌تواند یک آپارتمان ۶۰ متری بخرد.

فصل هشتم

نهادهای انگلی اما پول خور

مذهب و تبلیغات اسلامی هم‌چنان پررنگ‌ترین بخش هزینه‌ای بررسی ردیف‌های بودجه سه سال اخیر در بخش مذهب و تبلیغات اسلامی روایتی دیگر از رشدهای قابل تامل را به تصویر می‌کشد. هرچند رشد بودجه‌های سنواتی با توجه به واقعیت‌های اقتصاد ایران اجتناب‌ناپذیر است، با این حال سال‌هاست که انتقادهایی نسبت به اختصاص ردیف‌هایی برای امور تبلیغات مذهبی صورت می‌گیرد که دولت جمهوری اسلامی بی‌توجه به انبوه انتقادهای هم‌چنان بر مصارف این بخش‌ها می‌دمد، به طوری که در سال‌های اخیر بودجه بخش‌های مذهبی و تبلیغاتی جمهوری اسلامی رشدهای قابل ملاحظه‌ای داشته است.

در بودجه ۱۴۰۲، فصل دین و مذهب قرار است دو هزار و ۲۵ میلیارد تومان بودجه دریافت کند. در ذیل این ردیف بودجه، ردیف‌هایی برای اقامه نماز و اعتلای معنویت و امر به معروف و نهی از منکر، برنامه تبیین و تبلیغ گفتمان انقلاب اسلامی و البته زیرمجموعه‌های شورای عالی حوزه‌های علمیه قم قرار دارد.

امسال برای امر به معروف و نهی از منکر معادل ۱۲۶ میلیارد تومان بودجه در نظر گرفته شده است. علاوه بر این، برای تعمیر تجهیزات ستاد امر به معروف و نهی از منکر هم رقمی در حدود یک میلیارد و ۵۷۰ میلیون تومان قرار است پول پرداخت شود.

«راهیان نور» در بودجه امسال ۴۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان دریافت خواهد کرد. به دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم هم امسال قرار است ۴۱۴ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان پول پرداخت شود.

هم‌چنین، شورای عالی حوزه‌های علمیه نیز چهار هزار و ۷۵۵ میلیارد تومان بودجه دریافت خواهد کرد. برای شورای سیاست‌گذاری حوزه علمیه خاوران هم بودجه‌ای به میزان یک هزار و ۲۰ میلیارد تومان در نظر گرفته شده است که نسبت به سال‌های قبل رشد عجیبی دارد.

این ارقام وقتی در کنار بودجه توزیع شیر در مدارس که ۳۰۰ میلیارد تومان در نظر گرفته شده یا توسعه مدارس عشایر که فقط ۴۰ میلیارد تومان از بودجه امسال را به خود اختصاص داده قرار می‌گیرد، تفاوت‌ها و اولویت‌های سیاست‌گذاری در دولت جمهوری اسلامی را بیش‌تر نشان می‌دهد.

در بودجه سال ۱۴۰۲، برای سازمان تبلیغات اسلامی سه هزار و ۳۵۴ میلیارد تومان و برای شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه ۱۷۴ میلیارد تومان بودجه لحاظ شده است. این در حالی است که بودجه سازمان ملی استعدادهای درخشان در همین سال رقمی در حدود ۱۴۱ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان است.

این ارقام در شرایطی قرار است از منابع کل کشور پرداخت شود که بودجه ورزش و تفریحات برای جمعیت ۸۷ میلیونی ایران ۲۲ هزار و ۳۱۵ میلیارد تومان، بودجه فرهنگ و هنر ۲۵ هزار و ۴۴۰ میلیارد تومان و بودجه آموزش عمومی ۲۲ هزار و ۴۹۵ میلیارد تومان در نظر گرفته شده است.

بودجه امسال بنا به گفته رحیم ممینی، معاون سازمان برنامه و بودجه، ۷۹۴ هزار میلیارد تومان کسری دارد. دولت بنا دارد که بخشی از هزینه‌های خود را با فروش اموال مازاد جبران کند که تحت عنوان طرح «مولدسازی» تعریف شده است.

با احتساب درآمد ناشی از خصوصی‌سازی و فروش سهام شرکت‌های دولتی، جمع واگذاری‌ها دو میلیون و ۲۶۳ هزار همت (هزار میلیارد تومان) درآمد برای دولت ایجاد می‌کند که بخشی از این درآمد قرار است خرج موارد یادشده شود.

جامعه المصطفی العالمیه و امام صادق‌ها

در ردیف بخش‌های مذهبی و تبلیغاتی بودجه‌های سالانه دولت جمهوری اسلامی، مؤسسات و دانشگاه‌هایی که پایه مذهبی و تبلیغاتی دارند، همیشه مورد توجه قرار داشته‌اند. به‌رغم آن‌که در بودجه ۱۴۰۲، به‌دلیل ادغام ردیف‌های بودجه دستگاه‌ها، به‌روشنی مشخص نیست که نهادها و مؤسسات مذهبی که در سال‌های قبل ردیف بودجه مجزا داشتند، امسال چه وضعیتی دارند، با این حال جامعه المصطفی العالمیه از

آن مؤسسات مذهبی و تبلیغات اسلام شیعی است که هم‌چنان ردیف بودجه مستقل خود را حفظ کرده است.

در بودجه امسال، این نهاد تبلیغات اسلامی قرار است یک هزار و ۱۷ میلیارد تومان بودجه دریافت کند. علاوه بر این، برای کمک به صندوق این موسسه هم رقمی در حدود ۱۲۲ میلیارد تومان در نظر گرفته شده که با بودجه مصوب شده جمعاً یک هزار و ۱۲۲ میلیارد تومان امسال برای این موسسه هزینه خواهد شد.

این موسسه، هم‌چنین در سال گذشته ۴۸۵۴۸۵ میلیارد تومان و به‌علاوه ۲۰۰ میلیارد تومان یارانه از محل تبصره ۱۴ دریافت کرده است.

جامعه المصطفی العالمیه که در سال ۱۳۸۷ از ادغام دو مجموعه «سازمان مدارس و حوزه‌های علمیه خارج از کشور» و «مرکز جهانی علوم اسلامی» با دستور علی خامنه‌ای تشکیل شد، هر سال ردیف بودجه مستقلی را در اختیار دارد.

گزارش‌ها نشان می‌دهد که این مرکز تبلیغات مذهب شیعه در ۶۰ کشور جهان شعبه دارد و وظیفه‌اش این است که افراد مناسب برای آموزش اسلام را شناسایی و آن‌ها را برای آموزش طلبگی به قم اعزام کند. این دانشگاه از بین افراد غیرایرانی هم دانشجوی می‌پذیرد.

این نهاد در سال ۲۰۲۰ از جانب وزارت خزانه‌داری آمریکا به اتهام ارتباط با فعالیت‌های نظامی-اطلاعاتی نیروی قدس سپاه پاسداران تحریم شد. دولت کانادا نیز این مرکز را به دلیل گسترش ایدئولوژی خود در خارج از ایران و استخدام نیروهای شبه‌نظامی خارجی تحریم کرد.

علاوه بر جامعه المصطفی العالمیه، یکی از دانشگاه‌هایی که فارغ‌التحصیلان آن در سال‌های اخیر مستقیم وارد مناصب اجرایی حاکمیت شده‌اند، دانشگاه امام صادق است؛ دانشگاهی که توسط محمدرضا مهدوی کنی پایه‌گذاری شد و با این که در تعریف یک دانشگاه غیردولتی است، هر سال از بودجه عمومی کشور بودجه دریافت می‌کند.

این دانشگاه در سال جاری قرار است حدود ۱۷۹ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان بودجه از اموال عمومی کشور دریافت کند.

بانک‌ها و صندوق‌های بازنشستگی، ستاد اجرایی امام و بنیادها و...

محسن زنگنه نایب رییس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس اعلام کرد که یکی از دلایل تورم فروش محصولات شرکت‌های بزرگ صادرکننده فولاد و پتروشیمی به دلار تلگرامی، یعنی دلاری است که نرخ آن در کانال‌های تلگرامی خارج کشور تعیین می‌شود. به گفته او، زور دولت به این شرکت‌ها نمی‌رسد زیرا بخشی از سهام‌داران آن را بانک‌ها و صندوق‌های بازنشستگی، ستاد اجرایی امام و بنیادها تشکیل می‌دهند.

سؤال آن است که اگر این بانک‌ها و بنیادها دولتی هستند پس چگونه می‌توانند در مقابل دولت بایستند و اگر دولتی نیستند و خصوصی هستند چرا ملی و دولتی نمی‌شوند؟ چگونه ممکن شده است که گردانندگان نهادهای عمومی از اموال عمومی برای سود شخصی خود استفاده کنند؟ مشکل در کجاست و راه‌حل چیست؟

مشکل از آن‌جا آغاز شد که براساس توصیه‌های صندوق پول و کارگزاران آن در ایران و اتاق بازرگانی، بخش عمومی و دولتی تابع معیارهای سودآوری سرمایه‌داری و معیارهای فعالیت بخش خصوصی شد. یعنی به جای آن‌که فعالیت‌های بخش خصوصی و دولتی تابع منافع عمومی شود، فعالیت بخش عمومی تابع سودآوری به هر دو بخش خصوصی و دولتی شد نه برای مردم و رفاه عمومی.

اکنون یک شبکه فاسد مافیایی دولتی در حول محور قداست سودآوری شکل گرفته که دیگر جواب‌گوی مردم نیستند.

موسی‌غنی نژاد در مناظره با علی‌علیزاده مطرح کرد که ۹۹ درصد اختلاس کنندگان و خارج‌کنندگان ارز از ایران مدیران بخش دولتی هستند و این نتیجه اقتصاد دولتی است. البته فساد و اختلاس، صرفاً عامل وضع موجود یا نتیجه دولتی بودن اقتصاد نیست، عارضه و پیامد خصوصی کردن اقتصاد نیز است. اختلاس نتیجه سیستمی است که در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دچار بحران و فساد است. به‌علاوه بخش خصوص در ایران، همانند بخش خصوصی در سیستم‌های جافاتاده سرمایه‌داری در جهان غرب نیست. خصوصی‌سازی در ایران، عمدتاً دست به دست شدن منابع جامعه بین مدیران دولتی با مدیران دولتی سابق و یا نزدیکان آن‌ها به ویژه سپاه پاسداران است.

به این ترتیب، افزایش بی‌سابقه فساد و اختلاس در عین حال نتیجه مجموع سیاست‌های سرمایه‌داری دولتی و خصوصی است که از جمله امثال غنی‌نژاد به توصیه صندوق بین‌المللی پول در ایران به اجرا گذاشتند.

بنابراین فساد و اختلاس در بخش دولتی نه عامل وضع موجود است و نه خارج از مجموعه واقعیت اقتصاد ایران. عارضه و پیامد مجموعه‌ای از سیاست‌های کلان حاکمیت است. سیستم تولیدی و اقتصادی که هدف خود را سودآوری قرار دهد و نه رفع نیازهای مردم، چه در بخش دولتی و چه در بخش غیردولتی، نتیجه‌اش همین واقعیت امروز جامعه ایران خواهد بود. یعنی سودآوری در بخش دولتی و خصوصی، به زیان رفاه و توسعه ملی و رشد و گسترش اختلاس و فساد به زیان مردم است. برای برون‌رفت از این چرخه راهی نیست جز تغییر حاکمیت. یعنی تغییر پایه‌ای حاکمیت باهدف سیستم تولیدی از ایجاد سود، به رفع نیازهای ملی و مردم. یعنی دخالت عموم مردم در سرنوشت خویش. در این صورت مدیریت جدید جامعه ایران، در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی فرهنگی و دیپلماسی، منافع مردم عمومی جامعه و مردم را مدنظر داشته باشد و نه منافع حاکمیت و یا سرمایه‌داری خصوصی را.

مقبره خمینی: گران‌ترین و پرهزینه‌ترین مقبره دنیا

در حالی که سربازان گمنام و با نام جمهوری اسلامی، همواره سنگ قبرهای ساده جان‌باختگان را تخریب می‌کنند اما هر ساله میلیاردها تومان خرج بازسازی و نگهداری مقبره‌های پر زرق و برق خمینی و سایر امکان به اصطلاح «مقدس» اختصاص می‌دهند. در سی و چهارمین سال پس از مرگ روح‌الله خمینی، هزینه‌های برگزاری مراسم بزرگداشت خمینی نیز همپای تورم رشد کرده است.

از سال ۱۳۶۸ که آیت‌الله خمینی درگذشت، علاوه بر تکلیف به دستگاه‌های اجرایی برای پرداخت بخشی از بودجه‌های سالانه خود برای ساخت فضای سرپوشیده آرامگاه، ساخت مسجد و محوطه آن که مساحتی بالغ بر ۷۵ هزار متر مربع را در بر می‌گیرد، هر سال بودجه‌ای هم برای برگزاری مراسم بزرگداشت او اختصاص می‌یابد؛ هزینه‌ای که دولت آن را از دستگاه‌های دولتی طلب می‌کند.

در سی و چهارمین سالگرد مرگ بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، در حالی که نرخ تورم دو ماه منتهی به سال جدید از ۷۰ درصد فراتر رفته، برخی گزارش‌های غیررسمی نشان می‌دهد که هزینه برگزاری مراسم امسال همگام با تورم رشد کرده است.

در یک فقره وزارت نفت ۵۰ میلیارد تومان برای مراسم امسال هزینه کرده است. سایر دستگاه‌ها از جمله شهرداری تهران، بانک‌ها و نهادهایی مثل سازمان تامین اجتماعی، بنیاد مستضعفان، کمیته امداد امام و وزارتخانه‌های نفت، صمت، راه و شهرسازی، اقتصاد، نیرو و جهاد کشاورزی ملزم هستند که بخشی از منابع خود را تحت عنوان اعتبارات «خارج از شمول» برای برگزاری این مراسم که شامل اسکان افراد از سراسر ایران، مهمانان خارجی و تهیه غذای شرکت‌کنندگان است، هزینه کنند.

دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی که به آن‌ها تکلیف می‌شود که هزینه برگزاری این مراسم را تامین کنند، به اعتبارات خارج از شمول در بودجه مراجعه می‌کنند.

«اعتبارات خارج از شمول» عنوان بخشی از بودجه کل کشور است که برای هزینه‌های اضطراری برخی دستگاه‌ها در موارد خاص هر سال در بودجه پیش‌بینی می‌شود. به لحاظ قانونی، نحوه هزینه‌کرد این اعتبارات از قانون محاسبات عمومی کشور استثنا شده است. در سال ۱۴۰۰، میزان اعتبارات خارج از شمول دستگاه‌ها ۸۲ هزار میلیارد تومان اعلام شد. در بودجه ۱۴۰۲ اعتبارات این بخش با ۳۰ درصد رشد نسبت به سال قبل به ۲۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است.

۳۴ سال پس از مرگ آیت‌الله خمینی، در حالی که برخی برآوردها از هزینه بیش از دو میلیارد دلار برای ساخت مقبره او خبر می‌دهند، اما کسی به‌درستی نمی‌داند که در طول این سال‌ها چه قدر برای ساخت و نگهداری مقبره و همچنین مراسم بزرگداشت او هزینه شده است.

مقبره آیت‌الله خمینی که اصطلاحاً «مرقد» نامیده می‌شود، بنایی عظیم با مساحت ۱۵ هزار متر مربع در «بهشت زهرا» در حومه تهران واقع شده است. علاوه بر سازه این بنا و شش مسجد بزرگ آن، در اطراف مجموعه نیز دانشگاه، موزه و شهر آفتاب در مساحتی به میزان ۶۰ هزار متر مربع مساحت احداث شده است.

این مقبره و مجموعه‌های پیرامون آن توسط جهاد سازندگی و سپاه پاسداران پس از درگذشت آیت‌الله خمینی ساخته شده است و ساخت‌وساز در آن همچنان ادامه دارد.

گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد که سازه اصلی این بنا دارای پایداری در برابر زمین‌لرزه‌ای به بزرگای ۱۰ است که از برج میلاد مقاوم‌تر است. اسکلت فولادی ساخته‌شده برای گنبد ۳۴۰ تن وزن دارد و وزن روکش آن هم ۴۰ تا ۵۰ تن است که در مجموع به ۴۰۰ تن می‌رسد. در اطراف مقبره چهار گلدسته به بلندی ۹۱ متر و به‌نشانه سن آیت‌الله خمینی ساخته شده است. هم‌چنین در مجموع دارای پنج گنبد است که گنبد اصلی فلزی و چهار گنبد دیگر کاشی‌کاری شده است.

علاوه بر تکالیفی که به دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی برای برگزاری بزرگ‌داشت بنیان‌گذار جمهوری اسلامی محول می‌شود، نگهداری مقبره خمینی در بودجه‌های سالانه دارای ردیف اعتباری اختصاصی تحت عنوان «آستان مقدس امام خمینی» است.

در بودجه سال ۱۳۹۸ اعتبار پیش‌بینی‌شده برای نگهداری مقبره خمینی ۱۰ میلیارد و ۵۷۱ بوده که این رقم در سال ۱۳۹۹ به ۱۴ میلیارد تومان رسیده و در سال ۱۴۰۰ هزینه نگهداری آن به ۱۸ میلیارد و ۲۰۰ تومان افزایش یافته است.

پس از تغییر در ردیف‌های بودجه در سال ۱۴۰۱، بودجه نگهداری مقبره تحت عنوان ردیف اعتبارات متفرقه به ۴۰ میلیارد تومان افزایش یافت. اعتبار این مجموعه در ردیف بودجه ۱۴۰۲ به میزان ۴۶ میلیارد تومان برآورد شده است.

این اعتبار به جز ردیف بودجه‌ای است که هر سال تحت عنوان «نشر آثار امام» در بودجه‌های سالانه در نظر گرفته می‌شود. برای مثال در بودجه امسال برای «نشر آثار امام» به میزان ۱۱۲ میلیارد و ۲۷۷ میلیون تومان بودجه اختصاص یافته است.

از میزان هزینه‌ای که برای احداث مقبره روح‌الله خمینی صرف شده، اطلاع دقیقی در دست نیست. اواخر سال ۱۳۹۴، مهدی چمران، رییس شورای شهر تهران، گفته بود برای مجموعه محوطه مقبره تا پایان آن سال هزار میلیارد تومان هزینه شده است؛ رقمی که امروز با توجه به ادامه‌دار بودن ساخت‌وساز و رشد نرخ تورم به مبالغ بالاتری هم رسیده است.

ساخت مقبره، محوطه، سازه و تزئینات پرهزینه‌ای که در آن انجام شده، اعتراض‌هایی را حتی در میان برخی چهره‌ها و رسانه‌های طرفدار حکومت هم به دنبال داشته است.

مسیح مهاجری، مدیرمسئول روزنامه جمهوری اسلامی، در سال ۱۳۹۴ در مقاله‌ای انتقادی به زرق و برق این سازه اعتراض کرد.

با این حال محمدعلی انصاری، سرپرست مقبره امام خمینی، در پاسخ، اقدامات انجام‌شده برای ساخت این مقبره را «طاقت‌فرسا و سخت» توصیف و سازه را حاصل حمایت چهار رییس جمهور، نمایندگان ادوار مجلس، شهرداران و همه اعضای ادوار شورای شهر تهران عنوان کرد.

بودجه‌ای که هر سال برای توسعه و نگهداری مقبره خمینی اختصاص می‌یابد، یک پیوست قانونی هم دارد و آن ماده ۳۷ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه‌ای جمهوری اسلامی است.

بر اساس این ماده، به دولت تکلیف شده است که هر سال به‌منظور زنده و نمایان نگهداشتن اندیشه‌های دینی و سیاسی آیت‌الله خمینی اعتباراتی برای تبلیغات در نظر گرفته شود؛ اعتباراتی که هر سال همگام با تورم کشور رشد می‌کند.

جمع‌بندی

پس از گذشت بیش از ۴۴ سال، روزگار اقتصادی مردم ایران تا جایی وخیم شده است که هر روز اقشار مختلفی از مردم اعتراض می‌کنند. حقوق برخی از کارگران به موقع پرداخت نمی‌گردند و آن‌ها می‌گویند: چرا حقوق‌مان را نمی‌دهید یا به اندازه کافی نمی‌دهید؟

فاصله به‌پا خاستن‌های فرودستان و گرسنگان هم کوتاه‌تر و اعتراض‌شان شدیدتر از پیش شده و برخلاف قبل، حالا اصل نظام را نشانه رفته است.

در اقتصاد این نظام استبدادی، نشانه‌های درهم‌ریختگی، هم‌چنان که در دیگر کشورها دیدیم، فراوان‌اند: فقر بیش از نیمی از جمعیت ۸۵ میلیونی، استهلاک به‌جای تشکیل سرمایه، تورم سنگین و از دست رفتن پس‌انداز و قدرت خرید، رکود تورمی، کسری بودجه، پول بی‌پشتوانه، ورشکستگی بنگاه‌ها، کاهش منابع آب زیرزمینی و افزایش خطر گرسنگی و درگیری میان استان‌های مختلف و کشورهای همسایه، فروش منابع هیدروکربنی و معدنی بدون تشکیل دارایی‌های مالی یا سرمایه‌ای، بیکاری یا برون‌رفت دو-سوم جمعیت در سن کار از جمعیت فعال، ورشکستگی صندوق‌های بیمه، شمار فزاینده بازنشستگان، فساد سیاسی و اداری بسیار زیاد، فرار مغزها و سرمایه و کاهش ارزش پول ملی.

در جمهوری اسلامی، تورم به ۵۰ درصد رسیده، تولید در هم شکسته است، دولت حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد کسری دارد و هر ماه نگران است که حقوق کارمندان دستگاه عریض و طویلش را چه‌طور بدهد و یارانه شهروندان ندارتر و ناخرسندتر از پیش را چه‌طور واریز کند. از همین رو است که اگر هم حقوق بدهد، بر مبلغ آن نمی‌افزاید و به این دهک و آن دهک یارانه نمی‌دهد.

بنا بر اعلام دفتر پژوهش‌های مجلس، از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸، درآمد سرانه ایرانی‌ها ۳۵ درصد کاهش یافت. در سال ۱۳۹۹، تولید ناخالص داخلی تنها در هفت کشور از ۲۰۵ کشور جهان برای سومین سال پیاپی کوچک‌تر شد که نظام ولایی یکی از آن‌ها بود؛ در کنار لبنان، آرژانتین، نیکاراگوئه، آنگولا، سودان و گینه استوایی.

در سال ۱۳۹۸، تولید ناخالص داخلی در ایران بین پنج تا هشت درصد سقوط کرد. این کجا و جایگاه نخست اقتصادی در منطقه که سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ نظام به شرط سالی هشت درصد رشد نشانه رفته بود، کجا؟

دورنمای اقتصاد تیره و تار است؛ چنان‌که بیش‌تر مسئولان اقتصادی در داخل ایران بر این باورند که در سال ۱۴۰۲، وضعیت قدرت خرید و اشتغال و تولید و تورم و بهای دلار و فرار سرمایه و مغز و فساد و امکان رونق، حتی در صورت برداشتن تحریم‌ها، تامین مالی کسب‌وکار از سوی نظام بانکی و تقاضای مشتریان بدتر خواهد شد.

نرخ دلار آمریکا که در بازار آزاد تهران، بیش از ۵۰ هزار تومان رسیده است. هرچند روند نرخ ارز بنا به دلایل سیاسی (توافق اخیر ایران و آژانس انرژی اتمی و بهبود رابطه با عربستان سعودی) و فروکش کردن انتظارات تورمی رو به کاهش گذاشته اما همچنان خطر جهش دوباره ارز خارجی فضای اقتصاد کشور را متزلزل ساخته است.

جمهوری اسلامی ایران زندگی را برای اکثریت شهروندان این کشور در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی، تنگ‌تر و غیرقابل تحمل‌تر کرده است.

برای مثال، مرگ ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ کودک زیر ۵ سال در کشور به دلیل آلودگی هوا، یک فاجعه بزرگ انسانی است. دکتر محمدصادق حسونند رییس مرکز تحقیقات آلودگی هوای دانشگاه تهران گفته است: «حدود ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ مورد از مرگ‌های منتسب به آلودگی هوا در کل کشور، سالانه مربوط به کودکان زیر ۵ سال است. یعنی از ۴۵ تا ۵۰ هزار مرگ منتسب به آلودگی هوا در کل کشور که سالانه رخ می‌دهد، ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ مورد مربوط به کودکان زیر ۵ سال است. بیش‌ترین تعداد موارد مرگ منتسب به آلودگی هوا مربوط به گروه سنی بالای ۵۰ سال است.»

عضو هیات علمی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران با اشاره به «آمار صفرِ خروج خودروهای فرسوده از رده» اضافه کرد: «قبلا سالانه ۳۵۰ هزار خودروی فرسوده را از رده خارج می‌کردیم اما الان این عدد تقریبا به صفر رسیده است. این مسئله منجر به افزایش خودروهای فرسوده می‌شود. ناوگان حمل و نقل عمومی هم خیلی وقت است که نوسازی نشده است. طی ۱۰ سال، ۱۵۰ اتوبوس نو وارد کشور کردیم. یعنی هر سال فقط ۱۵ اتوبوس! ناوگان اتوبوس‌رانی تهران الان فقط ۲۶۰۰ اتوبوس دارد.»

در همین ارتباط دبیرکل اتحادیه جهانی مبارزه با بیماری‌های ریوی دو روز پیش در سخنانی اعلام کرده بود: «بر اساس اعلام وزارت بهداشت سالانه ۲۰ هزار مرگ منتسب به آلودگی هوا در ایران وجود دارد. بیش از نیمی از جمعیت کشور در معرض آلودگی هوا قرار دارند و خسارات آلودگی هوا در ایران سالانه به ۷ میلیارد دلار می‌رسد. فقط در شهر تهران سالانه بیش از ۳۷۰۰ نفر به علت آلودگی هوا جان خود را از دست می‌دهند و خسارت این پدیده در تهران بالغ بر ۲/۳ میلیارد دلار است.»

محمدرضا مسجدی با اعلام این که میزان مرگ‌های ناشی از سکنه بیش از آلودگی هوا است گفته بود: «یک سوم مرگ‌های ناشی از سکنه مغزی نیز به دلیل آلودگی هوا است.»

به گفته وی، در سال ۱۴۰۰ میزان آلودگی هوا در ۲۷ شهر کشور بیش از حد مجاز بود و در مواردی میزان آلودگی‌ها بیش از ۳ برابر حد مجاز بوده است.

این مقام مسئول با اشاره به این که مهم‌ترین عامل آلودگی هوا در کشور موتورسیکلت‌ها و ماشین‌های فرسوده هستند گفته بود: «خودروهای فرسوده ۲۵ برابر بیش‌تر از خودروهای یورو ۲ آلودگی تولید می‌کنند و حدود ۴۵ درصد از خودروهای کشور فرسوده و از رده خارج هستند.»

رئیس مرکز تحقیقات آلودگی هوا روز شنبه اول بهمن سال گذشته نیز در سخنانی با ارائه آماری تکانه‌دهنده درباره اثر آلودگی هوا بر سلامت شهروندان گفته بود: «۴۵ هزار مرگ ناشی از آلودگی هوا وجود دارد که در این میان هفت درصد مرده‌زایی است.»

حتی جمهوری اسلامی به سفره بی‌رونق بازنشستگان نیز تعرض می‌کند. کسانی که جوانی و میان‌سالی خود را برای رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور، سپری کرده و از جان خود نیز مایه گذاشته‌اند اما در دوران پیری نیز زندگی بی‌دغدغه ندارند و مجبورند برای گرفتن حق خود به خیابان‌ها بیایند. هر از چند گاهی تجمعات سراسری بازنشستگان، برگزار می‌شود. از جمله صبح امروز سه‌شنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۲، بازنشستگان مخابرات در اعتراض به وضع معیشتی و شرایط استخدامی خود وعدم پرداخت برخی مطالبات شغلی و درمانی شان در تهران مقابل وزارت مخابرات و در شهرهای دیگر مقابل ساختمان اداره مخابرات تجمع کردند. این تجمعات در شهرهای

سندج، اهواز، کرمانشاه، اراک، قزوین، خرم آباد، شهرکرد، اصفهان، هرمزگان، زاهدان، شیراز، و تهران برگزار شد. در اهواز بازنشستگان تجمع و راهپیمایی داشتند. بازنشستگان شعار می‌دادند: «کف خیابون می‌مونیم، تا حق خود بگیریم»، «یه اختلاس کم بشه، مشکل ما حل می‌شه»، «بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن»، «وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه»، «اجرای آیین نامه، حق مسلم ماست»، و «شرکت پر درآمد، چه بر سر تو آمد.»

دیگر آش آن قدر شور شده است که دهن آشپز را نیز سوزانده است. پاسدار محمدباقر قالیباف رییس مجلس شورای اسلامی، با انتقاد از «مدیریت غلط کشور» گفته است: «ما مدیران سالی ۱۰۴ میلیارد دلار را هدر می‌دهیم، اما برای دریافت ۵ میلیارد دلار این گونه دست دراز می‌کنیم.»

نهادهای داخلی هم‌چون مرکز پژوهش‌های مجلس و اندیشکده کسب‌وکار دانشگاه شریف، نرخ تورم سال ۱۴۰۲ را بین ۵۰ تا ۵۵ درصد می‌دانند و چشم‌اندازی برای کاهش آن نمی‌بینند.

متاسفانه هنوز جنبش‌های اجتماعی - سیاسی جامعه خود را در ابعاد سراسر کشور متحد و همبسته نکرده‌اند و به همین دلیل، جمهوری اسلامی، همواره اعتراضات خیابانی را به شدت سرکوب می‌کند و معترضین را مستقیماً با گلوله‌های جنگی می‌کشد. شاید به دلیل نبود تجربه دموکراتیک تاریخی بوده که هنوز جنبش‌های اجتماعی - سیاسی نتوانسته‌اند پس از ۴۴ سال زورگویی و آدم‌کشی و حق‌کشی جمهوری اسلامی متحدانه در مقابل تعرضات و حملات وحشیانه و غیرانسانی آن بایستند.

خلاصه آن که عدم اتحاد و اعتماد عملی و تاریخی باعث می‌شود این تجربه‌ها در سطح جنبش‌ها، نهادها و احزاب سیاسی و کلا انواع تشکیلات اجتماعی ضعیف است. کلا کار جمعی و متحدانه در بین ایرانیان چه در داخل کشور و چه در داخل کشور، ضعیف است. اما در مقابل کارهای فردی قوی است و تقدیس می‌شود تا کار جمعی!

به نظر من، این ناشی از همان استبداد و اختناق تاریخی دست‌کم به اندازه یک قرن است که نگذاشته جنبش‌ها و نهادها و احزاب و کار جمعی شخصیت‌ها در تاریخ ایران شکل بگیرند. در جامعه ایران، نه شخصیت به معنای غربی‌اش شکل گرفته و نه

ساختارهای مدنی و اجتماعی و صنفی و سیاسی. این هم ناشی از ضعف‌های تاریخی ساختاری است و ما باید با آگاهی نسبت به این ضعف‌های تاریخی و محدودیت‌هایی که وجود دارد برخورد واقعی و صادقانه کنیم.

در انقلاب «زن، زندگی، آزادی» که در شهریور ۱۴۰۱ آغاز شد و ایران را درنوردید، مردم در میان شعارهای ضد حکومتی، شعارهایی نیز در اعتراض به نابسامانی اقتصادی سردادند. مردم به درستی تاکید کردند تا زمانی که نظام ولایی هست، فقر، فساد، گرانی نیز از میان نخواهد رفت و روزگار ایرانیان بهتر نخواهد شد، چنان‌که از آغاز جمهوری اسلامی تا به امروز نشده است؛ فقر در این دوران در سرتاسر جهان کاهش یافت و در ایران بیش‌تر شد.

در واقع ما باید در همه زمینه‌ها، نمونه‌های واقعی، عملی، آموزنده، ساده و یا پیچیده‌ای را برای جامعه بسازیم و نشان بدهیم که ما هم قادر هستیم جمهوری اسلامی را از سر راه خود بردایم و هم جامعه بهتری بسازیم. مثلاً ما به محیط زیست اهمیت نمی‌دهیم و در این عرصه مهم زیست و زندگی بشری و همه موجودات و طبیعت، آگاهی و فرهنگ وجود ندارد باید فرهنگ‌سازی بشود. بنابراین نقش فرهنگ‌سازی، ارائه مدل‌هایی که در کارهای مدنی، صنفی، سیاسی و فرهنگی برای جامعه نمونه و آموزنده باشند خیلی مهم است، و طوری تبلیغ و ترویج شود که جامعه به این نمونه‌ها تکیه کند. یعنی مثلاً به همکاری و همبستگی و مبارزه سراسری و فعالیت جمعی تاکید کنیم. حاکمیت فردی و تک‌حزبی و خودخواهی و کیش شخصیت را عمیقاً نقد کنیم تا هیچ‌کس به خود جرات ندهد بدون این که در عرصه‌ای مثلاً عرصه سیاسی و مدیریت جامعه تجربه و اطلاعی داشته باشد چنین نقشی را قبول کند و یا وارد آن شود. در یک جامعه خودآگاه، هر کس در حد توان و آگاهی و جایگاه خودش وارد کارزارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود.

ولی در برخی کشورها هم چون کشور ما، ذائقه استبداد، همواره بازتولید می‌شود و تمام و یا بخشی از سنن استبدادی گذشته را به‌شکل نوینی ارائه داده می‌شود و این خطرات هم در ناخودآگاه رفتاری برخی از شخصیت‌های هنری و فرهنگی و ورزشی و نهادها و سازمان‌های سیاسی جامعه ما وجود دارد که سیمای «هیولا» را بزرگ کنیم و به‌شکل «فرشته» درآوریم. این ساختارهای سنت و عادات قرن‌ها و سده‌ها در فرهنگ و زبان و

رفتار و سیاست ما نفوذ کرده و در ناخودآگاه ما وجود دارد. بنابراین، هر شهروند آگاه در جایگاه خود وظیفه دارد که نسبت به همه این موارد آگاهانه و نقادانه برخورد کنند تا بلکه بتوانیم در آینده نه چندان دور، با برداشتن بزرگ‌ترین مانع، یعنی جمهوری اسلامی، بتوانیم متحدانه و داوطلبانه و آگاهانه جامعه آزاد و برابر و شایسته انسانی خود را بسازیم!

تورم بالای قیمت مواد غذایی در جهان؛ ایران پنجمین کشور جدول

تازه‌ترین گزارش بانک جهانی درباره امنیت غذایی می‌گوید بسیاری از کشورهای جهان تورمی دو رقمی را تجربه می‌کنند و کشورهای فقیر در معرض آسیب‌های بیش‌تری هستند.

ایران در رده پنجم جدول تورم قیمت مواد غذایی در جهان قرار دارد. بانک جهانی در گزارشی که درباره امنیت غذایی جهان منتشر کرده با استناد به آخرین داده‌ها در فاصله فوریه و مه ۲۰۲۳ می‌گوید تورم قیمت مواد غذایی در سراسر جهان بالا است و وضع کشورهای فقیر و متوسط وخیم‌تر است. کشورهای که بیشترین آسیب را دیده‌اند در آفریقا، آمریکای شمالی، آمریکای لاتین، آسیای جنوبی، اروپا و آسیای مرکزی هستند. تورم قیمت مواد غذایی از تورم کلی ۸۴/۵ درصدی از ۱۶۱ کشوری که داده‌های آن‌ها در دسترس است، بیش‌تر شده است.

بانک جهانی در توییتی جدول ۱۰ کشور جهان با بالاترین میزان تورم را منتشر کرده است. ونزوئلا با نرخ تورم ۴۷۱ درصد در رده اول و ایران با ۷۸ در رتبه پنجم جدول رده‌بندی تورم قیمت مواد غذایی در جهان قرار دارند.

لبنان با ۳۵۰ درصد، زیمبابوه ۱۱۷ درصد، آرژانتین ۱۱۵ درصد، سورینام ۶۸ درصد، مصر ۶۰ درصد، لائوس ۵۳ درصد و سیرالئون ۵۲ درصد و ترکیه با ۵۲ درصد دیگر کشورهای این جدول هستند.

بانک جهانی در آوریل سال گذشته در واکنش به بحران امنیت غذایی، اعلام کرد تا ۳۰ میلیارد دلار را در یک دوره ۱۵ ماهه به پروژه‌هایی برای راه‌حلهایی کوتاه و بلندمدت تخصیص می‌دهد. این پروژه‌ها از جمله برای حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان،

حمایت از خانواده‌های آسیب‌پذیر و سرمایه‌گذاری در امنیت غذایی و تغذیه پایدار تعیین شده‌اند.

بخش بزرگی از این حمایت صرف کشورهای آفریقایی می‌شود. یک وام مضاعف ۳۱۵ میلیون دلاری برای حمایت از چاد، غنا و سیرالئون برای افزایش آمادگی آن‌ها در برابر ناامنی غذایی و بهبود انعطاف‌پذیری سیستم‌های غذایی در نظر گرفته شده است. یک پروژه اضطراری ۵۰۰ میلیون دلاری حمایت از امنیت غذایی و تاب‌آوری برای تقویت تلاش‌های مصر نیز برای اطمینان از دسترسی بی‌وقفه خانواده‌های فقیر و آسیب‌پذیر به نان، کمک به تقویت انعطاف‌پذیری کشور در برابر بحران‌های غذایی، و حمایت از اصلاحاتی که به بهبود نتایج تغذیه کمک می‌کند، تخصیص داده شده است. یک وام ۱۳۰ میلیون دلاری برای تونس، به دنبال کاهش تاثیر جنگ اوکراین با تامین مالی واردات گندم نرم و ارائه حمایت اضطراری برای پوشش واردات جو برای تولید لبنیات و بذر برای کشاورزان خرده پا برای فصل کاشت آینده در نظر گرفته شده است. همچنین ۵۰ میلیون دلار کمک مالی برای تاجیکستان برای کاهش اثرات ناامنی غذایی و تغذیه بر خانوارها و افزایش انعطاف‌پذیری کلی در بخش کشاورزی اختصاص داده می‌شود.

یک پروژه ۱۲۵ میلیون دلاری در اردن با هدف تقویت توسعه بخش کشاورزی از طریق افزایش انعطاف‌پذیری آب و هوا، افزایش رقابت‌پذیری و تضمین امنیت غذایی میان مدت تا بلندمدت انجام می‌شود.

پروژه‌ای ۳۰۰ میلیون دلاری نیز برای بولیوی در نظر گرفته شده که به افزایش امنیت غذایی، دسترسی به بازار و اتخاذ شیوه‌های کشاورزی هوشمند برای آب و هوا کمک می‌کند.

یک پروژه ۲/۳ میلیارد دلاری نیز برای تاب‌آوری سیستم‌های غذایی برای شرق و جنوب آفریقا، به کشورهای این بخش از جهان کمک می‌کند تا انعطاف‌پذیری سیستم‌های غذایی منطقه و توانایی مقابله با ناامنی غذایی رو به رشد را افزایش دهند. از اهداف این برنامه تقویت تلاش‌های میان‌مدت و بلندمدت برای تولیدات کشاورزی انعطاف‌پذیر،

توسعه پایدار منابع طبیعی، دسترسی گسترده به بازار، و تمرکز بیشتر بر تقویت انعطاف‌پذیری سیستم‌های غذایی در سیاست گذاری است.

ایران در قعر رتبه‌بندی جهانی شاخص‌های شکاف جنسیتی

در رتبه‌بندی جهانی برابری زن و مرد در سال ۲۰۲۲، ایران از میان ۱۴۶ کشور در رده ۱۴۳ قرار گرفته است و سه رتبه با افغانستان فاصله دارد. در این جدول ایسلند در جایگاه اول و آلمان در جایگاه ششم قرار دارد.

تازه‌ترین گزارش «مجمع جهانی اقتصاد» از شاخص شکاف جنسیتی در سراسر دنیا نشان می‌دهد که ایران در قعر جدول رتبه‌بندی برابری جنسیتی سال ۲۰۲۲ قرار دارد. از میان ۱۴۶ کشور، ایران در رتبه ۱۴۳ و افغانستان در رتبه ۱۴۶ جای گرفته‌اند.

بر اساس این جدول ایسلند حائز رتبه نخست شده و آلمان در جایگاه ششم است.

این رتبه‌بندی ایران با لحاظ کردن ایران در بخش آسیا، عنوان می‌کند که جنوب آسیا به یک برابری جنسیتی ۶۳/۴ درصدی دست یافته است که در میان هشت منطقه جهانی در رده هفتم قرار دارد.

از زمان آغاز این پویش در سال ۲۰۰۶، منطقه آسیا در حوزه برابری جنسیتی و شاخص‌های مربوط به شکاف جنسیتی ۱.۱ درصد بهبود را نشان می‌دهد که می‌توان آن را تا حدی به افزایش امتیازات کشورهای پرجمعیتی مانند هند، پاکستان و بنگلادش نسبت داد.

در گزارش مجمع جهانی اقتصاد آمده است، در حالی که بنگلادش، بوتان و سریلانکا از رشدی نسبی برخوردار بوده‌اند، پاکستان، ایران و افغانستان در انتهای جدول رده بندی منطقه‌ای و جهانی قرار گرفته‌اند.

این بررسی می‌گوید، با سرعت فعلی پیشرفت، برابری کامل در این منطقه ۱۴۹ سال دیگر حاصل خواهد شد.

در میان کشورهایی که دسترسی نسبتاً موزونی برای بهبود شکاف جنسیتی و مشارکت اقتصادی و فرصت‌ها گزارش می‌دهند، ایران با ۳۴/۴ درصد و الجزایر با ۳۱/۷ درصد در قعر جدول قرار دارند. این شاخص برای کشورهای چون لیبیا ۸۹ درصد، جامائیکا ۸۹ درصد، مولداوی ۸۶ درصد، لائوس ۸۵ درصد، پاکستان ۳۶ درصد و هند ۳۶ درصد است. بر اساس این گزارش، اگرچه شکاف‌های درآمدی شدید همچنان مانع برابری جنسیتی اقتصادی می‌شود و تقریباً نیمی (۴۸/۱ درصد) از شکاف‌های درآمد شغلی هنوز ترمیم نشده‌اند، اما نتایج نشان می‌دهند که بسیاری از کشورها از سال گذشته بهبودهایی را تجربه کرده‌اند. ۹۶ کشور از ۱۴۵ کشوری که در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ مورد بررسی قرار گرفته‌اند، در پر کردن شکاف‌های درآمدی میان زنان و مردان پیشرفت‌هایی داشته‌اند.

در رتبه‌بندی غلبه بر شکاف درآمدی و برابری دستمزد زن و مرد، ایران با ۱۷/۱ درصد در قعر این جدول قرار گرفته است. وضعیت بسیاری از کشورهای رو به رشد جهان، از جمله زیمبابوه با ۹۷ درصد، تانزانیا ۹۰ درصد، بوروندی ۸۸ درصد، الجزایر ۱۹ درصد و مصر با نزدیک ۲۰ درصد بهتر از ایران است.

131 سال تا برابری جهانی

مجمع جهانی اقتصاد از سال ۲۰۰۶، شاخص شکاف جنسیتی را منتشر می‌کند. بر اساس ارزیابی این نهاد که شامل پژوهشگران و دیگر نهادهای علمی است، با توجه به روند کنونی توسعه جهانی، ۱۳۱ سال طول خواهد کشید تا زنان و مردان از فرصت‌های برابری کامل برخوردار شوند.

چرا رتبه آزادی اقتصادی ایران در قعر جدول است؟

روز یکشنبه ۲۸ خرداد ۱۴۰۲، دهمین رییس و اعضای هیئت‌رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران در حالی انتخاب شدند که رتبه آزادی اقتصادی ایران در میان

کشورهای دنیا ۱۶۹ و در بین کشورهای دو منطقه آسیای میانه و خاورمیانه آخرین کشور است.

آزادی اقتصادی چارچوبی حیاتی برای انجام فعالیت‌های اقتصادی در یک جامعه محسوب می‌شود که میزان آزادی افراد در کسب و کارها و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی را مشخص می‌کند.

در کشورهایی که درجه آزادی اقتصادی در آنها پایین است، نقش دولت‌ها پررنگ است و دولت با اجبار و محدودیت بر آزادی اقتصادی، حق انتخاب را از افراد و مشاغل می‌گیرد و یا با محدود کردن فعالیت‌های اقتصادی مانع رونق کسب و کارها می‌شود.

از ۴۴ سال گذشته که جمهوری اسلامی در ایران حاکم شده، نقش دولت در اقتصاد سال به سال پررنگ‌تر شده است. دولتی شدن اقتصاد ایران با مصدوره‌های ابتدای انقلاب و قرار گرفتن شرکت‌های خصوصی تحت مالکیت نهادهای عمومی و دولت آغاز شد و پس از آن هر سال اقتصاد ایران دولتی‌تر شده است.

هرچند اتاق‌های بازرگانی از ابتدای انقلاب در ایران فعال شده‌اند، اما آن‌ها عملاً نقشی در بهبود فضای کسب و کار بخش خصوصی و گسترش آزادی فعالیت‌های اقتصادی ندارند؛ گروهی محدود که خود بخشی از حاکمیت محسوب می‌شوند و نقش آن‌ها کمک به تجارت دولتی است.

نخستین اتاق بازرگانی ایران در سال ۱۳۵۷ و با حکم روح‌الله خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، تشکیل شد و به دنبال آن علینقی خاموشی رئیس اتاق شد. او و همفکرانش از طیف سنتی بازار به مدت دو دهه به سلاطین واردات و صادرات تبدیل شدند.

از اولین اتاق تا به امروز، همه کسانی که در راس اتاق‌های بازرگانی قرار گرفته‌اند، همانند مجلس و سایر نهادها در جمهوری اسلامی با تأیید نهادهای امنیتی و دولت انتخاب شده‌اند.

سقوط آزاد با خصولتی سازی

از اوایل دهه ۸۰ شمسی که اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی اصلاح شد و به دنبال آن دولت بخشی از اموال خود را تحت عنوان خصوصی سازی واگذار کرد، انتظار این بود که با قدرت گرفتن بخش خصوصی و تغییر قوانین و مقررات به نفع این بخش، وضعیت کسب و کارها و آزادی های اقتصادی بهبود یابد.

با این حال، نحوه واگذاری ها و اصرار دولت به دخالت بیش تر در تصمیم های اقتصادی باعث شد حتی در مقاطعی هم که رتبه آزادی اقتصادی ایران روند رو به بهبود داشت، این روند دوام نیابد.

بررسی رتبه ایران در آزادی اقتصادی در دو دهه گذشته از نگاه دو مؤسسه فریز و بنیاد هریتیج نشان می دهد که آزادی اقتصادی در ایران به خصوص بعد از واگذاری اموال دولتی با هدف خصوصی سازی به نهادهای عمومی که در ادبیات اقتصاد ایران به کنایه «خصولتی» نامیده می شود، سقوط بیش تری کرد.

تازه ترین گزارش بنیاد مطالعاتی هریتیج از آزادی اقتصادی در ایران که حدود سه ماه پیش منتشر شد، رتبه ایران را کماکان در قعر جدول قرار داده است.

ایران در میان ۱۷۶ کشور بررسی شده در رتبه ۱۶۹ جای گرفته و در میان مجموع کشورهای دو منطقه آسیای میانه و خاورمیانه آخرین کشور است.

امارات متحده عربی در بالاترین سطح این رتبه بندی در این دو منطقه قرار دارد و پس از آن اسرائیل و گرجستان و قطر ایستاده اند.

اتاقی برای بازی های سیاسی

دهمین انتخابات هیئت رئیسه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران ۲۸ خرداد برگزار شد. ویژگی این دوره نسبت به دوره های قبل برای هیئت رئیسه جدید همکاری با دولت، مجلس و قوه قضاییه ای است که به لحاظ سیاسی به اصطلاح «یک دست» از یک طیف فکری هستند.

دو دهه بعد از استقرار جمهوری اسلامی، اتاق های بازرگانی در قبضه طیف سنتی بازار قرار داشتند. از دهه ۸۰ خورشیدی و تحت تاثیر فضای سیاسی آن دوران، افرادی با

گرایش‌های سیاسی گروه‌بندی‌های رسمی در جمهوری اسلامی به هیئت‌رئیس‌ه اتاق‌های بازرگانی راه یافتند، با این حال جایگاه ریاست تا به امروز، هم‌چنان متعلق به طیف سنتی بازار و اصول‌گرایان بوده است.

هرچند همانند دولت نهادی مثل شورای نگهبان صلاحیت افراد برای هیئت‌رئیس‌ه اتاق بازرگانی ایران را تعیین نمی‌کند، اما افراد با تایید آن‌ها و نظر نهایی دولت امکان کاندیدشدن دارند. در واقع اگر کاندیدها از سوی نهادهای قدرت مورد حمایت نباشند، شانسی برای رسیدن به صندلی اتاق‌های بازرگانی ندارند.

در انتخابات این دوره از اتاق بازرگانی ایران هم این اتفاق افتاد و حسین سلاح‌ورزی که منتسب به حزب کارگزاران سازندگی است، توانست تایید دولت و نهاد امنیتی را به دست آورد.

به این ترتیب، پس از علینقی خاموشی با هفت دوره ریاست اتاق ایران از طیف سنتی بازار، محمد نهاوندیان مورد حمایت اصولگرایان، محسن جلال‌پور نزدیک به کارگزاران، غلامحسین شافعی مورد حمایت حزب اعتدال و توسعه، حالا ورق به سمت کارگزاران سازندگی برگشته و حسین سلاح‌ورزی قرار است به مدت چهار سال رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران باشد.

از دو سال گذشته که دولت جدید جمهوری اسلامی ایران بر سر کار آمده، هیئت‌رئیس‌ه وقت اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و البته اتاق‌های استانی مثل اتاق تهران عنوان می‌کردند که نقش‌چندانی در تصمیم‌های اقتصادی مرتبط با بخش خصوصی نداشته‌اند و کمتر طرف مشورت قرار گرفته‌اند.

غلامحسین شافعی و مسعود خوانساری، روسای اتاق ایران و تهران، مورد حمایت حزب «اعتدال و توسعه» و دولت حسن روحانی بودند. تنیدگی نهاد قدرت با بخش خصوصی یکی از دلایل عدم شکل‌گیری بخش خصوصی واقعی در ایران به شمار می‌رود.

گزارش‌های رسمی از ماهیت تعداد زیادی از شرکت‌هایی که در سال‌های اخیر تحت عنوان «بخش خصوصی» در ایران فعال شده‌اند، نشان می‌دهد که در پس‌پرده این شرکت‌ها متعلق به گروه‌هایی وابسته به قدرت هستند که بنگاه اقتصادی خود را با هدف حیات خلوت ایجاد کرده‌اند تا هم از منافع ایجادشده به‌عنوان بخش خصوصی بهره ببرند و هم جایگاه خود را در قدرت حفظ کنند.

بانک جهانی (World Bank)

بانک جهانی (World Bank) یک سازمان بین‌المللی است که وظیفه آن تامین مالی، دادن مشاوره و انجام تحقیقات برای کشورهای در حال توسعه است تا به پیشرفت اقتصادی این کشورها (سرمایه‌داری) کمک کند.

بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول (International Monetary Fund) یا IMF، به‌طور هم‌زمان تحت قرارداد برتون‌وودز (Bretton Woods) تاسیس شدند و هدف هر دوی آن‌ها ارائه خدمت به دولت‌های بین‌المللی است.

بانک جهانی گسترش یافته و به عنوان گروه بانک جهانی (the World Bank Group) شناخته می‌شود. گروه بانک جهانی شامل پنج سازمان است که گاهی به آن‌ها «بانک‌های جهانی» گفته می‌شود.

گروه بانک جهانی کمک‌های مالی، محصولات و راه‌حل‌های اختصاصی بسیاری به دولت‌های بین‌المللی ارائه می‌دهد. همچنین این سازمان بر اساس تحقیقات صورت گرفته، برای اقتصاد جهانی در مقیاس وسیع تعیین جهت می‌کند. این بانک بیش‌تر به‌عنوان سازمانی ایفای نقش می‌کند که سعی دارد با کمک به توسعه کشورهای با درآمد کم و متوسط، با فقر مبارزه کند.

در حال حاضر بانک جهانی دو هدف دارد که می‌خواهد تا سال ۲۰۳۰ محقق شده باشند. هدف اول این است که تعداد افرادی که درآمدشان کم‌تر از ۱/۹ دلار در روز است به زیر ۳ درصد جمعیت جهان برسد و با این کار، فقر شدید پایان یابد.

ظاهراً هدف دوم این سازمان این است که از طریق افزایش رشد درآمد در ۴۰ درصد پایین درآمدی در هر کشور جهان، رفاه عمومی و کلی افزایش یابد.

بانک جهانی کشورهای واجد شرایط را از طریق وام‌های با بهره پایین، اعتبار بدون بهره و کمک‌هزینه حمایت می‌کند تا به توسعه اقتصادی آن‌ها کمک کند. این سازمان با

قرض دادن و تزریق نقدینگی به آموزش جهانی، به مدیریت دولتی، زیرساخت‌ها و توسعه بخش خصوصی یاری می‌رساند. همچنین این بانک از طریق توصیه‌ها و مشاوره‌های سیاست‌گذاری، تحقیق و تحلیل و کمک‌های فنی، اطلاعات خود را با نهادهای مختلف به اشتراک می‌گذارد. این سازمان خدمات مشاوره‌ای و آموزشی خود را هم به بخش دولتی و هم بخش خصوصی ارائه می‌دهد.

تاریخچه بانک جهانی

بانک جهانی در سال ۱۹۴۴ ایجاد شده و از دل توافق برتون‌وودز بیرون آمده است. این سازمان تحت حمایت ملل متحد در روزهای پس از جنگ جهانی دوم ایجاد شد. توافق برتون‌وودز شامل چندین جزء بود: یک سیستم پولی بین‌المللی مشترک،

شکل‌گیری world bank و ایجاد صندوق بین‌المللی پول یا IMF.

بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول از زمان تاسیس‌شان، اهداف مشترک زیادی را دنبال کرده‌اند. هدف اصلی این بانک و صندوق بین‌المللی پول این بوده است که از کشورهای اروپایی و آسیایی در تامین مالی مورد نیاز برای بازسازی‌های پس از جنگ حمایت کنند.

هر دو سازمان بانک جهانی و IMF، بعد از برچیده شدن سیستم پولی مشترک بین‌المللی که هسته توافق برتون‌وودز بود، هم‌چنان به حیات خود ادامه داده و باقی مانده‌اند. سیستم مالی بین‌المللی برتون‌وودز در دوره ریاست جمهوری نیکسون در دهه ۱۹۷۰ و توسط او لغو شد. با این حال، بانک جهانی و IMF تعطیل نشدند و به تلاش برای تامین کمک‌های جهانی ادامه دادند.

بانک جهانی و IMF در ایالت واشنگتن مستقر هستند. این بانک در حال حاضر بیش از ۱۰۰۰۰ کارمند دارد که در بیش از ۱۳۰ دفتر کار این سازمان در جهان مشغول به کارند.

با این که بانک جهانی در عنوان خود کلمه «بانک» را دارد، در واقع لزوماً به طور دقیق یک بانک محسوب نمی‌شود. world bank و گروه‌های زیرمجموعه آن، با شرایط و قوانین خاص خودشان کار می‌کنند و محصولات خاص خودشان را برای حمایت مالی ارائه می‌دهند.

همه فعالیت‌های بانک جهانی با هدف تامین نیازهای سرمایه‌ای کشورها در سطح بین‌المللی انجام می‌شود.

ساختار همتای بانک جهانی، یعنی IMF، بیش‌تر به یک صندوق اعتباری شبیه است. تفاوت ساختاری این دو نهاد و فرقی که بین محصولات پیشنهادی آن‌ها وجود دارد، این امکان را برایشان مهیا می‌کند که انواع مختلفی از وام‌دهی و حمایت مالی را فراهم نمایند. هم‌چنین، هر یک از این نهادها مسئولیت‌های متمایزی برای خدمت به اقتصاد جهانی دارد.

در طی سال‌ها، بانک جهانی از یک موسسه واحد به گروهی شامل ۵ سازمان مجزا تبدیل شده است که به آن‌ها بانک‌های جهانی یا گروه بانک جهانی گفته می‌شود. سازمان اول، «بانک بین‌المللی بازسازی و توسعه» است. این موسسه به تامین مالی دولت‌های با درآمد متوسط از طریق بدهی می‌پردازد. دومین سازمان در گروه بانک جهانی، «انجمن بین‌المللی توسعه» است. این گروه، به دولت کشورهای فقیر، وام بدون بهره می‌دهد.

«موسسه مالی بین‌المللی»، سومین سازمان از این گروه است. این سازمان روی بخش خصوصی تمرکز کرده و به تامین مالی سرمایه‌گذاری و ارائه خدمات مشاوره مالی برای کشورهای در حال توسعه می‌پردازد.

چهارمین بخش گروه بانک جهانی، «آژانس چندجانبه تضمین سرمایه‌گذاری» است. این سازمان سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه را ترویج می‌کند. پنجمین سازمان، «مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری (International Centre for Settlement of Investment

Disputes) یا ICSID است. این نهاد همان‌طور که از اسم‌اش مشخص است، به حل و فصل منازعات سرمایه‌گذاری بین‌المللی و رشد گسترش سرمایه‌داری می‌پردازد.

بانک جهانی توسط کشورهای ثروتمند و همچنین با استفاده از انتشار ابزار بدهی مثل اوراق قرضه تامین مالی می‌شود.

بانک جهانی در ایالت واشنگتن آمریکا مستقر است. با این حال، این سازمان در بیش از ۱۳۰ کشور، از جمله آرژانتین و چین حضور دارد.

انتصاب رییس جدید و تمایل به اصلاحات به این معنی است که بانک جهانی فرصتی منحصر به فرد برای پیش‌بینی تغییرات در ماموریت خود و آماده شدن برای آینده ای قوی تر دارد.

بحران‌های مرکب COVID-۱۹، جنگ در اوکراین، تورم مداوم و تغییرات آب و هوایی اقتصاد جهانی را تحت تأثیر قرار داده است. در همین حال موسسات مالی با وجود اختلالات بدهی، دیجیتالی و جمعیتی در حال سازماندهی مجدد نیازها و ماهیت سرمایه گذاری های توسعه هستند. بانک جهانی برای انجام ماموریت خود جهت پایان دادن به فقر شدید و ارتقای رفاه مشترک به روشی پایدار»، باید از این لحظه استفاده کند و با توجه به پنج اولویت سیاسی نقش خود را در اقتصاد جهانی بازتعریف کند.

بیماری کووید ۱۹ به روند کاهش فقر جهانی که از سال ۱۹۹۸ آغاز شد، پایان داد. در پی این بیماری بیش از هفتاد میلیون نفر در سال ۲۰۲۰ به فقر شدید رانده شدند و بانک جهانی دیگر نمی‌تواند به هدف خود برای کاهش فقر شدید دست یابد.

توزیع کند واکسن در اقتصادهای فقیرتر تأثیر کووید را طولانی‌تر کرده و از زمان شروع همه گیری، نابرابری در داخل و بین کشورها افزایش یافته است. جوانان و زنان به طور نامتناسبی هزینه‌های این بحران‌ها را متحمل شده اند.

تهاجم روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲، باعث افزایش سرسام آور قیمت های جهانی غذا، سوخت و کود شد. برنامه جهانی غذا تخمین زد که ۳۴۵ میلیون نفر در سال ۲۰۲۳ با ناامنی غذایی حاد مواجه خواهند شد که دو برابر سال ۲۰۲۰ است.

در همین حال بحران آب و هوا و رویدادهای مرتبط با آب و هوا، هم‌چنان زیرساخت‌ها را کاهش می‌دهد، بر تولیدات کشاورزی تأثیر می‌گذارد و فجایع انسانی را تشدید می‌کند که میلیون‌ها نفر را در سراسر جهان آواره می‌کند.

در طول دهه ۲۰۱۰، کشورها استقراض خارجی را در یک دوره طولانی با نرخ بهره پایین و نقدینگی بالا افزایش دادند و سپس در پاسخ به همه‌گیری، بدهی بیش‌تری انباشته کردند. اکنون با سخت‌تر شدن شرایط مالی، پرسش‌ها در مورد پایداری این بدهی در حال افزایش است. پنجاه و چهار کشور در حال حاضر در بحران بدهی هستند و بخش خصوصی آن‌ها وضعیت بهتری ندارد.

مشکلات بدهی شرکت‌ها خطرات سیستماتیک ایجاد می‌کند و مشکل فزاینده وام‌های غیرجاری و بحران اخیر بخش بانکی احتمالاً منجر به تنگنای اعتباری خواهد شد که به‌طور نامتناسبی مانع اعطای وام به شرکت‌های کوچک و متوسطی می‌شود که بر بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه تسلط دارند.

در حالی که صندوق بین‌المللی پول در خط مقدم بحران‌های مالی قرار دارد، این مسئولیت بر عهده بانک جهانی است که کشورهای در حال توسعه را بر پروژه‌ها و اصلاحاتی که از چشم‌انداز رشد اقتصادی بلندمدت حمایت می‌کنند، متمرکز کند.

زمانی که پروژه‌های کلیدی توسعه سرمایه‌داری در معرض خطر لغو یا به تعویق افتادن هستند، بانک جهانی باید با همه ذی‌نفعان، از اعتباردهندگان و آژانس‌های رتبه‌بندی گرفته تا سیاست‌گذاران داخلی تعامل داشته باشد تا این پروژه‌ها را نجات دهند. بانک جهانی منابع لازم برای انجام این کار را دارد، به‌عنوان مثال از طریق ابزارهای تامین مالی سیاست توسعه خود.

نرخ‌های بهره در واکنش به تورم بالا افزایش یافته و هزینه‌های استقراض را برای دولت‌ها و بخش خصوصی افزایش داده است. در عین حال، نرخ بهره بالاتر در بازارهای توسعه یافته به معنای نرخ بازده بالاتر است که همراه با افزایش ریسک در کشورهای با درآمد پایین و متوسط، می‌تواند سرمایه‌گذاران بازارهای نوظهور را به ایالات متحده و اروپا وابسته کند.

گروه هفت (G7) و کشورهای عضو اتحادیه اروپا باهم بیش از ۵۰ درصد از کل آرا در بانک جهانی را در اختیار دارند، حتی با وجود این که آن‌ها کم‌تر از ۱۳ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند.

از زمان بحران بدهی دهه ۱۹۸۰، صندوق بین‌المللی پول نقش نجات‌بخش در بحران مالی را (که عمدتاً به دلیل سفته‌بازی پول در اقتصاد جهانی بوده است) با بسته‌های وام ضروری مرتبط با شرایط معین که اغلب به سیاست‌های تعدیل ساختاری ارجاع شده‌اند، برعهده گرفت. صندوق بین‌المللی پول، اکنون مانند یک وام جهانی عمل کرده و اهرم عظیمی را بر اقتصاد بیش از ۶۰ کشور اعمال می‌کند. این کشورها برای دریافت وام، کمک‌های بین‌المللی و حتی کاهش یا لغو بدهی‌های خود مجبور به پیروی از سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول می‌شوند؛ بنابراین صندوق بین‌المللی پول تصمیم می‌گیرد که کشورهای بدهکار به چه میزانی بتوانند منابع خود را بر آموزش، بهداشت و درمان و حفاظت از محیط‌زیست صرف کنند.

صندوق بین‌المللی پول، یکی از قدرتمندترین موسسات روی زمین است، با این‌همه، هنوز عده زیادی نمی‌دانند که این موسسه چگونه کار می‌کند.

همراه سازمان تجارت جهانی و بانک جهانی - اقتصاد جهانی را در مسیر نابرابری بیش‌تر و نابودی محیط‌زیست قرار داده است. سیاست‌های تعدیل ساختاری صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی از طریق ملزم کردن کشورها به قطع هزینه‌های آموزش، بهداشت و درمان، حذف یارانه‌های غذا و حمل‌ونقل، بی‌ارزش کردن پول ملی برای ارزان‌تر شدن صادرات، خصوصی‌سازی دارایی‌های ملی و فریز کردن دستمزدها از بازپرداخت بدهی‌های کشورهای وام‌گیرنده حصول اطمینان می‌کنند. چنین اقداماتی که به‌عنوان سفت کردن کمربندها شناخته شده است، فقر را افزایش و توانایی کشورها را برای توسعه اقتصادهای داخلی نیرومند کاهش داده و به شرکت‌های چندملیتی اجازه می‌دهد کارگران این کشورها را استثمار کنند و محیط‌زیست را مورد بهره‌برداری تخریبی قرار دهند؛ برای مثال یک بسته وام اخیر صندوق بین‌المللی پول برای آرژانتین به کاهش حقوق پزشکان و معلمان گره خورده و کاهش در پرداخت‌های تأمین‌اجتماعی را دنبال می‌کند. صندوق بین‌المللی پول، نخبگان کشورهای جنوب را در برابر نخبگان جهان اول پاسخگوتر کرده تا نسبت به مردم خود؛ در نتیجه در حال تحلیل بردن روند دموکراتیک است.

برخلاف یک سیستم دموکراتیک که در آن همه کشورهای عضو، رای برابر دارند، کشورهای ثروتمند تصمیم‌گیری‌های صندوق بین‌المللی پول را به‌واسطه قدرت رای‌ی که

با میزان سهم پول پرداخته شده از هر کشور به صندوق بین‌المللی پول تعیین می‌شود، تحت تسلط خود دارند. این سیستمی براساس «یک دلار، یک رای» بوده و ایالات متحده با یک سهم ۱۸ درصدی، بزرگ‌ترین سهامدار این صندوق است. قراردادن میزان نامتناسبی از قدرت در دست کشورهای ثروتمند، به معنی آن بوده که منافع بان‌گذاران، سرمایه‌گذاران و شرکت‌های کشورهای صنعتی در صندوق، مقدم بر نیازهای اکثریت فقیر جهان است.

برخلاف روند تاریخی طی شده از سوی کشورهای صنعتی و ادعاهای صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، کشورهای جنوب را مجبور به اولویت‌دادن به تولید صادراتی بر توسعه اقتصادهای داخلی متنوع این کشورها می‌کند. نزدیک به ۸۰ درصد از کودکان دچار سوءتغذیه در کشورهای در حال توسعه، در کشورهایی زندگی می‌کنند که کشاورزان آن‌ها مجبور به تغییر تولید از غذا برای مصرف محلی به تولید محصولات صادراتی مقرر شده به مقصد کشورهای ثروتمند شده‌اند. همچنین صندوق بین‌المللی پول در حالی مزایایی مانند کاهش اجباری هزینه نیروی کار برای شرکت‌های چندملیتی ارائه کرده که کشورها را ملزم به حذف کمک به صنایع داخلی می‌کند. کسب و کارهای کوچک و کشاورزان در چنین شرایطی قادر به رقابت نیستند. کارگران کارگاه‌های بهره‌کشی راه‌اندازی شده در مناطق آزاد تجاری از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، دستمزدهای گرسنگی دریافت کرده و در شرایط رقت‌انگیز، زندگی می‌کنند و قادر به تامین خانواده‌هایشان نیستند. چرخه فقر نه تنها حذف نشده بلکه مانند بدهی دولت به صندوق بین‌المللی پول، رشد و تداوم یافته است.

منابع مالی صندوق بین‌المللی پول از پول مالیات‌دهندگان تامین می‌شود؛ با این حال، در پشت پرده‌ای از مخفی‌کاری و نهان‌کاری عمل می‌کند. اعضای جوامعی که تحت تاثیر این صندوق قرار دارند، در طراحی بسته‌های وام مشارکت ندارند. صندوق بین‌المللی پول برای طراحی سیاست‌ها فقط با گروه برگزیده‌ای از مقامات بانک‌های مرکزی و وزرای دارایی بدون حضور سایر نمایندگان دولت‌ها مانند بخش‌های بهداشت و درمان، آموزش و محیط‌زیست عمل می‌کند. این نهاد تاکنون در برابر فراخوان‌ها برای بازرسی عمومی و ارزیابی مستقل مقاومت کرده است.

دولت‌ها، دارایی‌های عمومی، از قبیل جنگل‌ها و صنایع خدمات همگانی دولتی مانند شرکت‌های تلفن، آب و برق به ارزان‌ترین قیمت به سرمایه‌گذاران خارجی فروخته می‌شوند.

صندوق بین‌المللی پول، هائیتی را مجبور به گشایش بازاری به روی واردات برنج شدیداً یارانه‌ای از ایالات متحده کرده و هم‌زمان هائیتی را از پرداخت یارانه به کشاورزان خود منع کرد. در حال حاضر، نزدیک به ۵۰ درصد از برنج مصرفی هائیتی از سوی یک شرکت ایالات متحده به نام برنج اصلی در این کشور فروخته می‌شود.

صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به نیروی کار صدمه می‌زنند

صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی مرتباً به کشورها توصیه می‌کنند برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی از طریق تضعیف قوانین کارشان برای مثال، حذف قوانین مذاکرات دسته‌جمعی و سرکوب دستمزدها اقدام کنند. این صندوق با «انعطاف‌پذیری نیروی کار» هم‌چون یک سرود، هوی و هوس شرکت‌ها را برانگیخته و آن‌ها را مجاز به انتقال به مکان‌هایی با ارزان‌ترین دستمزدها می‌کند.

طبق گزارش توسعه و تجارت سازمان ملل متحد، کارفرمایان از این «انعطاف‌پذیری» در قوانین کار به‌جای ایجاد شغل، برای بیرون‌انداختن کارگران استفاده می‌کنند. در هائیتی به دولت گفته شد تا یک ماده قانونی در قانون کار خود را که در زمان تورم بالای ۱۰ درصد، افزایش در حداقل دستمزد را اجباری کرده بود، حذف کند. در پایان سال ۱۹۹۷، حداقل دستمزد در هائیتی فقط ۲/۴ دلار در روز بود. کارگران در ایالات متحده نیز از سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول صدمه می‌بینند زیرا مجبور به رقابت با نیروی کار ارزان و استثمارشده سایر مناطق می‌شوند.

در واقع سوءمدیریت صندوق بین‌المللی پول در بحران مالی آسیا، کره جنوبی، اندونزی، تایلند و کشورهای دیگر را در رکود عمیقی غوطه‌ور کرد که منجر به ایجاد ۲۰۰ میلیون «فقیر جدید» شد. صندوق بین‌المللی پول به کشورها توصیه کرد «راه خروج از بحران خود را در صادرات جست‌وجو کنند.» در نتیجه، هنگامی که فولاد آسیا در ایالات متحده ریخته شد، بیش از ۱۲ هزار نفر از کارگران فولاد اخراج شدند.

بخشی از بحران پزوی سال ۱۹۹۵ مکزیک، نتیجه این سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول بود. هنگامی که حباب ترکید، صندوق بین‌المللی پول و دولت آمریکا با استفاده از پول مالیات‌دهندگان برای پشتیبانی و سرپانگه‌داشتن نرخ‌های بهره و ارز، به نجات بانکداران وال‌استریت اقدام کردند. این قبیل کمک‌های مالی، سرمایه‌گذاران را تشویق به تداوم شرط‌بندی‌های سفته‌بازانه و مخاطره‌آمیز کرده که در نتیجه، موجب افزایش بی‌ثباتی اقتصادهای ملی می‌شود. صندوق بین‌المللی پول در دوره کمک مالی به کشورهای آسیایی، این دولت‌ها را ملزم به تقبل بدهی‌های لاوصول بانک‌های خصوصی و بنابراین پرداخت عمومی هزینه‌ها و تخلیه و دور کردن باز هم بیش‌تر منابع از برنامه‌های اجتماعی کرد.

در بحران‌های مالی مانند بحران مکزیک در سال ۱۹۹۵ و همین‌طور کره جنوبی، اندونزی، تایلند، برزیل و روسیه در سال ۱۹۹۷، صندوق بین‌المللی پول به‌عنوان قرض‌دهنده در آخرین راه‌چاره وارد شد. با این حال، طرح‌های نجات صندوق بین‌المللی پول در بحران مالی آسیا، هراس مالی را متوقف نکرد. در عوض، بحران عمیق‌تر شد و به کشورهای بیش‌تری توسعه یافت. سیاست‌های اعمال‌شده بر شرایط این وام‌ها هم‌چون داروهایی فاسد بودند. اجرای آن‌ها در کوتاه‌مدت سبب اخراج‌ها شده و در بلندمدت توسعه را تحلیل می‌برد. صندوق بین‌المللی پول در کره جنوبی با افزایش نرخ بهره، رکودی را سبب شده که منجر به ورشکستگی‌ها و بیکاری بیش‌تر شد. تحت اصلاحات اقتصادی تحمیلی صندوق بین‌المللی پول، بعد از به‌اصطلاح نجات پزو در سال ۱۹۹۵، شمار مکزیکی‌هایی که در فقر شدید زندگی می‌کردند، بیش از ۵۰ درصد افزایش و میانگین ملی حداقل دستمزد، ۲۰ درصد کاهش یافت.

در یک کلام صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، سیستم سرمایه‌داری دولتی به‌ویژه خصوصی را هم آموزش می‌دهد که چگونه از استثمار نیروی کار کسب سود کنند تا دچار بحران نشوند و از سویی، دولت‌ها را با دادن وام‌های کوتاه‌مدت و درازمدت به خود و از این طریق به سیستم جهانی سرمایه‌داری وابسته‌تر می‌کند.

سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول به زنان صدمه می‌رساند

سیاست‌های تعدیل ساختاری، برای زنان، تأمین نیازهای اساسی خانواده‌هایشان را بسیار دشوارتر می‌کند. در شرایطی که هزینه‌های آموزش به دلیل شهریه تحمیل شده از سوی صندوق بین‌المللی پول برای استفاده از خدمات عمومی افزایش می‌یابد (به اصطلاح هزینه‌های استفاده از خدمات)، دختران اولین کسانی هستند که از مدارس بازمی‌مانند. هزینه‌های استفاده‌کنندگان از خدمات در درمانگاه‌های عمومی و بیمارستان‌ها، مراقبت‌های بهداشتی را برای کسانی که بیش‌تر به آن نیازمند هستند، غیرقابل دسترس کرده است. تغییر جهت کشاورزی به محصولات صادراتی نیز تغذیه اعضای خانواده‌های زنان را دشوارتر می‌کند. هر قدر که مقررات دولت در ارتباط با محل‌های کار به عقب برگشته و سوءاستفاده‌های کارگاه‌های بهره‌کشی افزایش یافته است، زنان مورد استثمار بیشتری قرار گرفته‌اند.

سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول محیط‌زیست را تخریب می‌کند

وام‌های صندوق بین‌المللی پول و بسته‌های نجات آن، راه را برای بهره‌برداری از منابع طبیعی در کشورهای وام‌گیرنده در مقیاس عمیقاً شوک‌آور هموار می‌کند. صندوق بین‌المللی پول، تأثیرات زیست‌محیطی سیاست‌های وام‌دهی را در نظر نمی‌گیرد و وزارتخانه‌ها و گروه‌های زیست‌محیطی نیز در این سیاست‌گذاری‌ها نقشی ندارند. تمرکز بر رشد صادرات در راستای به‌دست‌آوردن ارز برای بازپرداخت وام‌ها، منجر به از بین رفتن منابع طبیعی و ناپایدار کردن این منابع شده؛ برای مثال، افزایش اتکای ساحل‌عاج بر صادرات کاکائو، منجر به از بین رفتن دوسوم جنگل‌های این کشور شده است.

گسترش روابط جمهوری اسلامی ایران با بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول

یکشنبه 21 مهر 1392 - 17:45

رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در مهر ماه ۱۳۹۲، اولویت کشور را بهبود تولید و اشتغال اعلام نمود و حجم قابل توجه ذخایر ارزی کشور با وجود محدودیت‌های موجود را از نکات مثبت شرایط کنونی برشمرد و ضمن تاکید بر اولویت‌های بانک مرکزی جهت برقراری نظام ارزی شناور مدیریت شده و ایجاد ثبات نسبی در بازار ارز؛ سیاست اصلی بانک مرکزی را بازگشت به شرایط مطلوب اعلام کرد. دکتر سیف رییس کل بانک مرکزی وقت به‌همراه هیئت بلندپایه‌ای از مقامات اقتصادی جمهوری اسلامی، به‌منظور شرکت در اجلاس سالانه صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در سال ۲۰۱۳، ۲۲ مهر ۱۳۹۲ عازم واشنگتن شدند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، به نقل از روابط عمومی بانک مرکزی، دکتر سیف در اجلاس روسای کل بانک‌های مرکزی گروه ۲۴ و آقای کامیاب معاون ارزی بانک در اجلاس معاونین گروه ۲۴ شرکت نمودند. گروه ۲۴ در بیانیه خود با اشاره به کاهش قابل ملاحظه در رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه و بازارهای نوظهور به دلیل اثرات ناشی از مشکلات و عدم اطمینان در کشورهای توسعه‌یافته، نگرانی خود را از بروز بی‌ثباتی ناشی از تغییر سیاست‌های پولی در کشورهای توسعه‌یافته اعلام و از این کشورها درخواست نمود تا در سیاست‌گذاری‌ها به نقش خود در رونق اقتصاد جهانی توجه داشته باشند.

علاوه بر این، با ابراز نارضایتی از عدم اجرای اصلاحات مدیریتی و سهمیه‌ای صندوق بین‌المللی پول مصوبه سال ۲۰۱۰، از کشورها در خواست نمود تا سریعاً نسبت به اجرای تعهدات‌شان در زمینه اصلاحات اقدام نمایند تا بدین طریق منابع لازم جهت اجرای وظایف صندوق ایجاد و نقش کشورهای در حال توسعه و بازارهای نوظهور در رشد جهان به درستی بیان شود.

اعضای گروه ۲۴، هم‌چنین با تاکید بر لزوم تلاش جهت دستیابی به اهداف هزاره در راستای توسعه پایدار، اصلاحات اقتصادی برای دستیابی به رشد فراگیر و اشتغال، از

بین‌بردن فقر مطلق و ایجاد نهادهای پاسخ‌گو برای توسعه، از بانک جهانی خواستند تا بر اساس اختیاراتش در راستای رسیدن به این اهداف تلاش نماید.

رییس کل بانک مرکزی و هیئت همراه، همچنین با مسئولین بخش‌های مختلف صندوق بین‌المللی پول ملاقات‌هایی داشته و تعاملات صندوق بین‌المللی پول و کشورمان را مورد بحث قرار دادند.

دکتر سیف در ملاقات با معاون اجرایی صندوق بین‌المللی پول و همچنین مسئولین بخش خاورمیانه و گروه میز ایران با اشاره به شرایط خاص کشور به لحاظ بین‌المللی و همچنین وضعیت اقتصاد داخلی کشور، بر لزوم بکارگیری سیاست‌های مناسب جهت رفع مشکلات تاکید کرد.

در این دیدار، رییس کل بانک مرکزی اولویت کشور را بهبود تولید و اشتغال اعلام نمود و حجم قابل توجه ذخایر ارزی کشور با وجود محدودیت‌های موجود را از نکات مثبت شرایط کنونی برشمرد و ضمن تاکید بر اولویت‌های بانک مرکزی جهت برقراری نظام ارزی شناور مدیریت شده و ایجاد ثبات نسبی در بازار ارز؛ سیاست اصلی بانک مرکزی را بازگشت به شرایط مطلوب اعلام کرد.

رییس شورای پول و اعتبار ضمن اشاره به لزوم استقلال بانک مرکزی، توافق و هماهنگی همه جانبه موجود در دولت و به ویژه نظرات مثبت رییس جمهور وقت در این رابطه را از سیاست‌های مثبت آتی برشمرد.

مسئولین صندوق بین‌المللی پول نیز با تأیید وجود عدم توازن در بخش‌های مختلف اقتصادی، تغییر در سیاست‌های موجود را ضروری دانستند و در این رابطه آمادگی خود را جهت ارائه کمک‌های فنی با استفاده از تجربه سایر کشورها اعلام نمودند.

در جلسه دیگری با حضور اقتصاددانان ایرانی شاغل در صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، رییس کل بانک مرکزی به تشریح سیاست‌های بانکی بانک مرکزی پرداخت و از آنان دعوت نمود تا با ارائه تجربیات خود در حل مشکلات کشور سهیم باشند. رییس کل بانک مرکزی و هیئت همراه، همچنین ضمن ملاقات با تعدادی از روسای کل بانک‌های مرکزی، در خصوص مسائل مورد علاقه طرفین به تبادل نظر پرداخت و بر راهکارهای موجود جهت گسترش روابط تجاری و بانکی تاکید نمود.

دکتر سیف در روز شنبه ۱۲ اکتبر (۲۰ مهر) در جلسه گروه پولی و مالی (IMFC) شرکت نمود. در این جلسه گزارش وضعیت اقتصادی جهان مورد بررسی قرار گرفته و با توجه به وضعیت اقتصادی کشورها به تفکیک کشورهای توسعه یافته، بازارهای نوظهور و کشورهای با درآمد پایین، سیاست‌های مورد نیاز جهت بهبود وضعیت اقتصادی هر یک را ارائه دادند. در عین حال با توجه به ارتباط تنگاتنگ اقتصاد کشورها، ضمن تاکید بر هماهنگی سیاست گذاری‌ها؛ نقش مدیریتی صندوق و حمایت مالی آن سازمان را با اهمیت اعلام نمود.

البته روابط و همکاری نزدیک جمهوری اسلامی با بانک جهانی و صندوق بین‌المللی عمدتاً از دروه ریاست جمهوری اسلامی گرم‌تر شد و تا به امروز ادامه دارد.

دسترسی جمهوری اسلامی ایران به ۶/۷ میلیارد دلار از منابع صندوق بین‌المللی پول خبرگزاری **فارس**، **وابسته به سپاه پاسداران به تاریخ ۱۴۰۲/۰۳/۱۱**، **خبر داد که** «رییس کل بانک مرکزی ایران از دسترسی سریع به ۶/۷ میلیارد دلار از منابع موجود ایران در صندوق بین‌المللی پول خبر داد.

محمدرضا فرزین، رییس کل بانک مرکزی کنونی جمهوری اسلامی ایران در حاشیه دیدارهای خود با مقامات صندوق بین‌المللی پول در واشنگتن، اظهار داشت: در حال حاضر ایران دارای ۴/۸ میلیارد SDR حق برداشت ویژه (معادل ۶/۷ میلیارد دلار) است که از این منابع به‌منظور کمک به وضعیت اقتصادی موجود می‌تواند با کم‌ترین تشریفات اداری و به‌سرعت از این قابلیت استفاده کند.

او افزود: صندوق بین‌المللی پول در مقاطع زمانی مختلف که اقتصاد جهانی با رکود مواجه می‌شود به‌منظور کمک به اعضای خود اقدام به خلق نقدینگی موسوم به SDR)

(Allocation) حق برداشت ویژه می‌کند تا کشورها با تکیه بر آن نقدینگی مورد نیاز خود را برای برون رفت از وضعیت رکود به دست آورند. رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی، اضافه کرد: در همین راستا تا پیش از سال ۲۰۲۱ در حساب ایران ۱.۴ میلیارد SDR (حق برداشت ویژه) وجود داشت که در ماه

های پایانی آن سال در قالب طرح صندوق برای مقابله با رکود اقتصادی ناشی از کرونا ۳/۴ میلیارد SDR به موجودی قبلی اضافه شد لذا در حال حاضر ایران دارای ۸/۴ میلیارد SDR (حق برداشت ویژه) (معادل ۶/۷ میلیارد دلار) است. ۹ خرداد امسال بود که رئیس کل بانک مرکزی، به منظور دیدار و گفت‌وگو با مقامات صندوق بین‌المللی پول تهران را به مقصد واشنگتن ترک کرد. جمهوری اسلامی ایران هم‌اکنون عضو هیئت مدیره صندوق بین‌المللی پول است، صندوق بین‌المللی پول اخیراً با انتشار گزارشی در پایگاه داده‌های آماری خود با اشاره به افزایش ۱۴۱ میلیارد دلاری تولید ناخالص داخلی جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۲۲، اقتصاد ایران را در این سال به عنوان بیست و دومین اقتصاد بزرگ دنیا معرفی کرد.

مرکز آمار: افزایش 76 درصدی قیمت اقلام خوراکی در اردیبهشت

جدیدترین گزارش ماهانه مرکز آمار ایران، از افزایش بیش از ۷۶ درصدی قیمت اقلام خوراکی در اردیبهشت امسال در مقایسه با اردیبهشت ماه سال گذشته حکایت دارد. این مرکز دولتی، روز پنج‌شنبه چهارم خرداد با انتشار آمار جدیدی از افزایش چشم‌گیر قیمت اقلام خوراکی خبر داد.

از جمله اقلامی که در اثر تورم افسارگسیخته گران‌تر شده‌اند، می‌توان به گوشت و روغن اشاره کرد که بر اساس آمار اعلام شده، قیمت آن‌ها حدوداً دوبرابر شده است.

در مجموع، مرکز آمار ایران، تورم ۱۲ ماهه تا اردیبهشت را در مقایسه با مدت مشابه سال پیش، که «تورم سالانه» خوانده می‌شود، ۴۹/۱ درصد اعلام کرده است.

باید گفت آمارهای اعلام شده از سوی مرکز آمار، همواره کم‌تر از میزان تورمی است که در گزارش بانک مرکزی اعلام می‌شود.

مرکز آمار پیش از این، تورم اسفند را نسبت به ماه مشابه در سال قبل، ۵۰ درصد اعلام کرده بود در حالی که میزان تورم بر مبنای داده‌های بانک مرکزی، ۱۴ درصد بیش‌تر یعنی به میزان ۶۴ درصد اعلام شد.

این تفاوت و تناقض درباره ماه‌های دیگر نیز صادق است و برای نمونه بانک مرکزی، تورم فروردین سال جاری را در حدود ۷۰ درصد اعلام کرده بود در حالی که مرکز آمار، میزان تورم همین ماه را تنها ۵۵ درصد برآورد کرد. تورم ۷۶ درصدی اردیبهشت امسال در مقایسه با سال پیش نیز از این قاعده مستثنی نیست و انتظار می‌رود که گزارش بانک مرکزی، برآورد دیگری از میزان تورم اعلام کند.

پایگاه اطلاع‌رسانی دولت با تکذیب نرخ ۷۰ درصدی تورم فروردین ماه، به استناد گزارش مرکز آمار، تورم فروردین را «کاهش» خواند و اعلام کرد که «روند کاهش نرخ تورم در اردیبهشت ماه ادامه یافته است و براساس داده‌های مرکز آمار شاهد کاهش یک درصدی تورم اردیبهشت نسبت به فروردین ماه هستیم. تورم فروردین هم نسبت به اسفند یک درصد کاهش پیدا کرده بود.»

این در حالی است که بسیاری از کارشناسان براین باورند که اعلام تورم از سوی مرکز آمار، آمیزه‌ای است از خطا و تحریف و در عمل، بخش مهمی در آن نادیده گرفته شده است.

با وجود این، ارقام اعلام شده از سوی مرکز آمار ایران نیز به خودی خود تکان‌دهنده و نشان‌دهنده تورمی افسارگسیخته در اقتصاد کشور است.

بنا به گزارش مرکز آمار، بیش‌ترین میزان رشد قیمت، در میان کالاها و خدمات در بخش هتل و رستوران بوده که در اردیبهشت امسال نسبت به ماه مشابه سال قبل، تورمی ۸۴ درصدی را نشان می‌دهد.

در جایگاه دوم، اقلام خوراکی قرار گرفته‌اند که بنا به اعلام مرکز آمار، ۷۶/۱ درصد افزایش نشان داده‌اند و در جایگاه سوم نیز بخش حمل و نقل قرار گرفته که تورم ۵۸/۲ را نشان می‌دهد.

مرکز آمار و بانک مرکزی دو منبع رسمی اعلام آمار در ایران به شمار می‌روند. بانک مرکزی در سال جاری از انتشار آمار تورم خودداری کرده اما آمار اسفند ماه این بانک، وضعیت تورم را بدتر از میزان اعلام شده از سوی مرکز آمار نشان می‌داد.

با وجود وعده‌های دولت ابراهیم رئیسی برای کاهش تورم، قیمت‌ها در ایران مدام در حال افزایش است و از قدرت خرید شهروندان روز به روز کاسته می‌شود. برخی از برآوردها از این حکایت دارند که در حدود ۲۰ میلیون ایرانی از امکانات اولیه زندگی محروم‌اند.

بر اساس گزارش سالانه «پالایش خط فقر» که وزارت کار در دی ماه سال گذشته منتشر کرد این برآورد صحیح نیست و حدود یک سوم از مردم ایران زیر خط فقر مطلق قرار دارند.

گسترش شدید فقر در اثر افزایش افسارگسیخته قیمت‌ها، سقوط ارزش پول ملی و عدم افزایش دستمزدها متناسب با نرخ تورم، جامعه ایران را با مشکلات عدیده‌ای از جمله طلاق، اعتیاد، معضلات بهداشتی و سلامت و نظایر آن روبه‌رو کرده است. به گمان بسیاری از متخصصان، ادامه این وضع، ممکن است به فروپاشی اجتماعی منجر شود و در صورت ادامه روند موجود، اقتصاد ایران تا فروپاشی، ورشکستگی و ونزوئالی شدن فاصله چندانی ندارد.

جهش 40 درصدی بهای اقلام خوراکی در «سال مهار تورم»

تورم انباشته در ایران لجام گسیخته و مردم در اکثر زمینه‌ها صرفه‌جویی پیشه کرده‌اند. هزینه خورد و خوراک اما حذف شدنی نیست و بیش از همه بر خانوارهای کارگری و کم‌درآمد سنگینی می‌کند. مرغ ظرف سه هفته ۴۰ درصد گران‌تر شده است. قیمت هر کیلو مرغ در هفته‌های آغازین فروردین به ۸۴ هزار تومان رسیده، شکر و روغن نیز گران‌تر شده‌اند و هزینه رفت و آمد با تاکسی و مترو نیز به ترتیب ۴۰ درصد و ۲۵ درصد افزایش یافته است.

این نمونه‌ها، نوید سالی هستند که سال «مهار تورم» نام‌گذاری شده است. دستگاه‌های متولی از جمله گفته بودند که قیمت هر کیلو مرغ در سال ۱۴۰۲ حداکثر ۶۲ هزار تومان خواهد بود.

گوشت سفید به دلیل بهای مناسب‌تر به نسبت گوشت قرمز در سبد اقلام پروتئینی خانوارهاست؛ خانوارهایی که از پوشاک، تفریح، هزینه‌های بهداشتی و فرهنگی و حتی دارو و درمان می‌زنند تا دستکم سفره‌ای با غذای گرم داشته باشند و حال با افزایش ۴۰ درصدی قیمت مرغ روبرو هستند.

قیمت برنج وارداتی نیز تابع نوسان‌های ارزی و دلار ۵۰ هزار تومانی است و بسته ده کیلویی برنج هاشمی دو میلیون و پانصد هزار تومان. حداقل دستمزد کارگران در سال جاری پنج میلیون و ۳۰۸ هزار و ۲۸۴ تومان تعیین شده و به این ترتیب مزد ۱۵ روز یک کارگر، کفاف تنها یک گونی برنج را می‌دهد.

ابراهیم رئیسی در زمان ارائه لایحه بودجه ۱۴۰۲ به مجلس ادعا کرد که تورم کاهش یافته است. وزیران اقتصاد، صمت و کار نیز در زمان تعیین دستمزد سال ۱۴۰۲ با این مدعا که تورم را مهار خواهند کرد، افزایش ۲۷ درصدی حداقل دستمزد را به این قشر ۱۳ میلیونی تحمیل کردند.

این در حالی است که تورم انباشته سال ۱۴۰۱ بین ۶۰ تا ۷۰ درصد در نوسان بوده و با هیچ جمع و تفریقی نمی‌توان چنین شکافی بین مخارج را با افزایش ۲۷ درصدی جبران کرد. این در حالی است که فرض شود نرخ تورم یاد شده در سال ۱۴۰۲ ثابت می‌ماند. تشکل‌های مستقل کارگری این افزایش دستمزد را «غیرقانونی» و «شرم‌آور» دانسته و می‌گویند که دولت و شورای عالی کار به همان سفره کم رنگ کارگران هم رحم نکرده و آن را جمع کرده است.

لوکس شدن روغن، قند و شکر

طبق گزارش رسمی مرکز آمار که بهمن ۱۴۰۱ منتشر شد، در اسفند ۱۴۰۰ میانگین قیمت روغن مایع ۹۰۰ میلی‌لیتری ۱۷ هزار و ۶۰۰ تومان بود که اسفند ۱۴۰۱ به ۷۰ هزار تومان رسید. در مورد قند و شکر، شیب جهش قیمت ملایم‌تر است؛ یک کیلو قند در اسفند ۱۴۰۰ معادل ۲۲ هزار و پانصد تومان بود که در بهمن ۱۴۰۱ به ۳۴ هزار تومان رسید. هر کیلو شکر نیز از ۱۸ هزار به ۲۵ هزار تومان بالغ شد.

شکر و قند، این دو کالای اساسی در سبد خوراک خانوارها، در بهار سال گذشته به شدت گران شدند. شکر افزایش ۱۰۰ درصدی و قند افزایشی ۸۳ درصدی یافت. آن زمان زهرا عبداللهی، مدیرکل دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت گفته بود که حذف یارانه شکر و افزایش بهای قند برای سلامتی مردم خوب است «زیرا مردم خیلی بیش از حد نیاز و توصیه‌ها قند و شکر مصرف می‌کنند.»

جامعه کارگری ایران بیش از سایر قشرها از شکاف بین درآمد و هزینه در رنج است. دفاتر و مراکز وزارت کار در بسیاری شهرها هر هفته صحنه تجمع کارگرانی هستند که به وضعیت معیشتی، دستمزدهای نازل و حقوق معوقه خود اعتراض می‌کنند. آخرین گزارش مرکز آمار ایران در بهمن ۱۴۰۱ منتشر شده و بیلانی رسمی از جهش قیمت مواد خوراکی در سه ماهه اخیر موجود نیست. آن گزارش تورم اقلام غذایی در مقایسه با بهمن ۱۴۰۰ را حدود ۷۱ درصد اعلام می‌کرد.

تابستان سال گذشته، مرکز آمار ایران بیلانی ارائه کرد که نشان می‌داد تورم شدید، فقرا را به شدت فقیرتر از پیش می‌کند.

